



ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمده ایم  
از بد حادثه این جا به پناه آمده ایم  
"حافظ"

P. Kamyabi, 2016



## پیام شایانی

وکیل تصادفات

✦ رانندگی ✦ زمین خوردگی

✦ صدمات ناشی از کار

(408) 777-8867

(800) 261-1314

## دفتر خدمات بیمه سحر سلاهی

Selahi Insurance Agency

✦ مسکن ✦ اتومبیل ✦ مشاور مالی

✦ برنامه ریزی بازنشستگی ✦ بودجه کالج ✦ عمر

و هزینه فوت ✦ محل کسب و از کار افتادگی

(408) 931-6434





AS SEEN ON



دفاتر وکالت مهاجرت علیرضا عابدی و همکاران

## علیرضا عابدی

وکیل متخصص مهاجرت آمریکا

از سال ۱۹۹۹، تجربه ما، آسایش فکری شما، اعتماد شما، موفقیت ۱۰۰ درصد در اخذ گرین کارت و امور کنسولی

Robert A. Abedi J.D., Esq.

چرا ویزا؟ وقتی ما می توانیم برای شما گرین کارت بگیریم!

در صورت عدم موفقیت در اخذ کارت سبز، هزینه وکالت شما را بر می گردانیم

- ♦ اخذ گرین کارت و دفاع از اشخاص اخراجی در دادگاه
- ♦ جلوگیری و اصلاح اشتباهات رایج متقاضیان در امور مهاجرت
- ♦ جلوگیری از اخراج کسانی که در معرض اخراج هستند

دکتر علیرضا عابدی، وکیل با تجربه مهاجرت در آمریکا با سال ها سابقه درخشان و احاطه بر قوانین مهاجرت و آگاهی از تغییرات مهم اخیر در مقررات اجرایی، در خدمت شماست. از تجربه و دانش ما استفاده کنید.

ایرانیان عزیز، در این مقطع خطیر و حساس امر پیچیده مهاجرت، از مدعیان وکالت و شبه وکیل ها پرهیزید!



Robert ABEDI

	AMERICAN IMMIGRATION LAWYERS ASSOCIATION	1331 G Street NW, Suite 300 Washington, DC 20005-3142 202.507.7600 • www.aila.org
Robert AliReza Abedi	Member ID#: 14730	
Member Since: 06/06/2000	Member Type: Regular	
Expiration Date: 11/14/2017		

(415) 398-4504



www.IRAN2USA.com وبسایت به زبان فارسی

www.lawabedi.com Website in English language

One Market Street, 36th floor, San Francisco, CA 94105

## پیام شایانی

وکیل تصادفات و صدمات شدید بدنی

(800) 261-1314

- ♦ تصادفات رانندگی
- ♦ صدمات ناشی از کار
- ♦ زمین خوردگی
- ♦ صدمات منجر به مرگ
- ♦ آسیب از حیوانات

Payam Mark Shayani, ESQ

Accident Attorney

Auto, Motorcycle, Pedestrian, Slip & Fall, Work Injury

**(916)442-9999**

**(408)777-8867**

**(925)777-0432**

980 9th Street, 16th Floor  
Sacramento, CA 95814

2880 Zanker Road, Suite 203  
San Jose, CA 95134

425 Market Street, Suite 200  
San Francisco, CA 94105

# پژواک ۲۸ ساله شد!



بیست و هشت سال فعالیت برای ارائه مطالب فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، علمی، هنری، و انعکاس اخبار ایران و جهان به هموطنان مقیم آمریکا کارنامه درخشان پژواک است. سردبیر بر این گمان است که ایرانیان دور از وطن به نشریه ای مستقل نیاز دارند که در خدمت یا زیر نفوذ هیچ عقیده دینی، بینش سیاسی و گرایش قومی نباشد و این راهی است که پژواک اختیار کرده و ادامه خواهد داد. صد البته که بدون همکاری بی دریغ و مستمر شما نویسندگان ارجمند که نوشته هایتان زینت بخش صفحات پژواک می باشد و بدون حمایت و پشتیبانی شما صاحبان مشاغل و حرفه که با دادن آگهی به پژواک بقا و دوام این نشریه را تضمین می کنید، این توفیق غیرممکن بود. از همه شما عزیزان قلبا سپاسگزارم و با تشکر ویژه از یکایک شما خوانندگان وفادار پژواک که همیشه من و نشریه ام را مورد لطف و عنایت قرار داده اید.

با سپاس و قدردانی،

افلیا پرویزاد

## سیاست جدید ترامپ: جدا کردن بچه از مادر!

اما ماجرای تازه این است که از آنجا که این مهاجران اعلام کرده اند حداقل از ابتدای جولای ۲۰۱۷ تا به حال، این رقم بارها بیشتر از این بوده است.



### چه اتفاقی برای بچه ها می افتد؟

برای نگهداری از اطفال در دفتر اسکان پناهندگان منتقل می کنند. سخنگوی وزارت امنیت داخلی آمریکا، هفته گذشته اعلام کرده است بین ۱۹ آپریل تا ۳۱ می، ۱۹۹۵ کودک زیر سن قانونی از ۱۹۴۰ نفر بزرگسال همراه آنها، در مرز جنوبی آمریکا، جدا شده اند. این در حالی است که وکلای

بعد از جدا شدن از والدین، کودکانی که بعضی از آنها تنها ۱۸ ماه سن دارند، تحت عنوان «کودکان بیگانه بی سرپرست» قرار می گیرند. این عنوان اصلتا برای رسیدگی به وضعیت کودکانی که بدون همراه و به طور خودخواسته به مرز آمریکا می رسند

## در خواست اشتراک نشریه پژواک

شرایط آبونمان برای دریافت نشریه پژواک از طریق پست در آمریکا: یکساله ۷۵ دلار برای اشتراک: نام، تلفن و آدرس کامل خود را به همراه چک به آدرس پستی پژواک ارسال فرمایید.

(408)221-8624 PO BOX 9804, SAN JOSE, CA 95157



## ماهنامه پژواک تاسیس: ۱۹۹۰ - صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر (از سال ۲۰۰۶): افلیا پرویزاد

♦ مسئولیت صحت و سقم آگهی ها با صاحبان آگهی می باشد. شرکت پژواک هیچگونه مسئولیتی را در این مورد نمی پذیرد. ♦ استفاده از طراحی های این نشریه بدون اجازه کتبی از شرکت پژواک (حتی برای صاحبان آگهی) غیر قانونی می باشد. ♦ ماهنامه پژواک در انتخاب، حکم و کوتاه کردن و اصلاح مطالب آزاد است. ♦ دیدگاه نویسندگان الزاما بیاتر نظر مسئولین پژواک نمی باشد. مسئولیت نظریه ها به عهده نویسندگان است.

PO BOX 9804,  
SAN JOSE, CA 95157

www.pezhvak.com www.irany.com e-mail: info@pezhvak.com

Pezhvak of Persia has been compiled as carefully as possible and cannot guarantee the correctness of all information that has been gathered and contained herein and does not accept any responsibility for any errors and omissions.

صفحه ۱	تبلیغ
صفحه ۲	یادداشت سردبیر - اخبار - فهرست مطالب
صفحه ۳	آگهی
صفحه ۴	یاد آوری هایی از فرهنگ ایران (علی اکبر جعفری)
صفحه ۵	تبلیغ
صفحه ۶	نامه های شگفت انگیز (بهرام فره وش)
صفحه ۷	ایران شناسی ایران دوست (ایرج پارسى نژاد)
صفحه ۸	یک سینه سخن (مسعود سپند)
صفحه ۹	اخبار
صفحه ۱۰	پیام خیام (احمد ایرانی)
صفحه ۱۱	آگهی
صفحه ۱۲	شاهنامه آخرش خوش است (هما گرامی فره وش)
صفحه ۱۳	آگهی
صفحه ۱۴	ورزش از نگاه من (احمد طوسی)
صفحه ۱۵	خاطرات در گذر زمان (هوشمند عقیلبی)
صفحه ۱۶	آمریکا آمریکا (سعید شفا)
صفحه ۱۷	نوشته، پوزخند (عزت گودرزاد)
صفحه ۱۸	آگهی
صفحه ۱۹	مشقی تازه در روزهای غربت (حسینعلی مکوندی)
صفحه ۲۰	یادداشتهای بی تاریخ (صدرالدین الهی)
صفحه ۲۱	کردیت رپر (مانی حانمی) کردیت رپر (آرش زاد)
صفحه ۲۲	از درگوشی ها (پیرایه)
صفحه ۲۳	به نام هستی (حسین الماسیان)
صفحه ۲۴	گیله مرد (حسن رجب نژاد)
صفحه ۲۵	تازه های پزشکی (منوچهر سلجوقیان)
صفحه ۲۶	تبلیغ
صفحه ۲۷	سیر و سفری در... (پرویز نظامی)
صفحه ۲۸	انرژی مثبت... (پریناز کدخدایان)
صفحه ۲۹	هیچوقت دیر نیست (آتوسا یکان)
صفحه ۳۰	آگهی
صفحه ۳۱	آگهی
صفحه ۳۲	سدر و سدره «در هزار سال شعر فارسی» (بهرام گرامی)
صفحه ۳۳	سبک شعر و نگارش مولوی (حسن مسیح پور)
صفحه ۳۴	تقویم برنامه های هنری - جدول
صفحه ۳۵	نیازمندها - فال ستارگان
صفحه ۳۶	تبلیغ
صفحه ۳۷	مشق، هوس، نفرت (عباس پناهی)
صفحه ۳۸	با هادی خرسندی - اخبار
صفحه ۳۹	اخبار
صفحه ۴۰	شعر
صفحه ۴۱	دستگاه - نغمه - گوشه (آرمان عطایی)
صفحه ۴۲	اقلیت ها و حق تشکیل گروه... (نیمه دوستدار)
صفحه ۴۳	طب سنتی (دکتر فرید رمضانی) - اخبار
صفحه ۴۴	از ماست که بر ماست (افلیا پرویزاد)
صفحه ۴۵	آگهی
صفحه ۴۶	صندوق امانات (محمد نوری)
صفحه ۴۷	اخبار - دنباله مطلب
صفحه ۴۸	آشغال دونی (خسرو شاهانی)
صفحه ۴۹	دنباله مطلب
صفحه ۵۰	دنباله مطلب
صفحه ۵۱	دنباله مطلب
صفحه ۵۲	دنباله مطلب
صفحه ۵۳	دنباله مطلب
صفحه ۵۴	دنباله مطلب
صفحه ۵۵	دنباله مطلب
صفحه ۵۶	دنباله مطلب
صفحه ۵۷	دنباله مطلب
صفحه ۵۸	دنباله مطلب
صفحه ۵۹	انگلیسی
صفحه ۶۰	انگلیسی



# آرش زاد - مانی حاتمی

مشکل کردیت دارید؟

**(415) 814-5666**

ZENITH FINANCIAL GROUP



به همراه مشاوره و آنالیز رایگان  
حذف اکانت های منفی و نادرست از قبیل:

Late Payment . Judgment . Charge off . Tax Lien  
Collection . Bankruptcy . Inquiries . Foreclosure



تخصصی ترین مرکز  
CREDIT REPAIR

گیاهی که گویمت با شیر و مشک  
بکوب و بکن هر سه در سایه خشک  
بسی و بالای بر خستگیش

ببینی همان روز پیوستگیش  
اکنون بیایم زایش رستم دستان چندین هزار  
سال را فراموش کنیم و این کار را به نام نامی  
ژولیوس "قیصر روم" ۱۰۰ سال پیش از سال  
ترسای "سزارین.. Cesarean" بخوانیم!  
مزدی که به پزشک اوستایی پرداخته  
می شد، دلچسب است. مزد درمان  
موید "آفرینی" بود که موید به پزشک  
می کرد! مزد درمان سرور خانه گاو  
کم بها، مزد درمان کدخدا گاو پر  
بهاتر، مزد درمان شهردار گاو گران  
بها، مزد درمان استاندار یک گردونه  
با چهار اسب، مزد درمان کدبانو ماده  
خر، از آن زن کدخدا ماده گاو، از آن  
زن شهردار مادیان، و از آن زن استاندار  
ماده شتر بود.

جانشین سرور خانه، باید یک ورز گاو  
را چون مزد چاره خود می داد. مزد  
دامپزشک از این هم دلچسب تر بود.  
مزد درمان گاو گران بها، گاو میان بها،  
مزد درمان گاو میان بها، گاو کم بها،  
مزد درمان گاو کم بها، گوسفند و مزد  
درمان گوسفند یک تکه گوشت چرب و نرم.

دنباله مطلب در صفحه ۵۲

همین رازها کرد نیز آشکار  
جهان را نیامد چنو خواستار  
مردم اوستایی سه گونه پزشکی داشتند:  
گیاه پزشکی با داروهای گیاهی، کارد  
پزشکی که جراحی بود، و روان پزشکی  
که در آن نیایش و افسون و ورد خوانی نیز  
کارگر بودند. بهترین و کارکرترین چاره در  
نزد موید رفتن و روان درمانی کردن بود.  
شاهنامه در باره کارد پزشکی داستانی  
شگفت دارد و آن زایش رستم است:  
چون کودک در شکم مادر بی اندازه بزرگ  
می نماید، زال سیمرغ را بر بالین رودابه فرا  
می خواند و او می بیند که کودک نازاده:

به بالای سرو و به نیروی پیل  
به آورد خشت افکند بر دو میل  
نیاید به گیتی ز راه زهش  
به فرمان دادار نیکی دهش  
بیاورد یکی خنجر آگون  
یکی مرد بینا دل پر فسون  
نخستین به می ماه مست کن  
ز دل بیم و اندیشه را پست کن  
تو منگر که بینا دل افسون کند  
به صندوق تا شیر بیرون کند  
بکافد تهیگاه سرو سهی  
نباشد مرو را ز درد آهی  
وزان پس بدوز آن کجا کرد چاک  
ز دل دور کن ترس و تیمار و باک

## یاد آوری هایی از فرهنگ ایرانی

(بخش آخر)

دکتر علی اکبر جعفری



### شراب کهنه

رنگینی آیین! پیشوایانی که پس از آن وخشور  
بر سر کار آمدند، با تر دستی گیاه دیگری را  
به همان نام جانشین بنگ کردند. نام پزشکی  
آن aphedra است و از همین اقدرین را  
می سازند که داروی آرامش بخشی است و  
در اسپرین به کار می رود. درباره "هورا"  
چیزی نمی دانیم جز آنکه آن یک گونه باده یا  
"عرق" بوده و امروز هم با نام دیگری نوش  
جان می گردد.

اوستا می گوید که "هوم" مستی را که "دیگر  
باده ها" می آورند، ندارد و این خود نشانه  
آن است که از یک سوی چندین گونه باده  
داشتیم و داریم و از سوی دیگر، هوم آن هوم  
نبود و "آسپرین" آرام بخش بود!  
نگاره های می گساری و بزم باده خواری  
را از زمان ایلام تا به امروز، پنج هزار سال  
پیوسته، روی سفال، سنک، مس، برنج، سیم،  
زر، چوب، کاغذ، پارچه، قالی و شیشه خوش  
و زیبا داریم.

در ستایش باده به سرود و شعر پارسی، از  
رودکی گرفته تا شاعر و چگامه سرایی که تازه  
به سرودن بر خاسته، بیش از اندازه چگامه و  
سرود داریم. دو بیتی های خیام را چه کسی  
در جهان نمی شناسد؟ گو که باید افزود، از  
میان خوانندگان و ستایندگان این "رباعیات"  
چه ایرانی و چه دیگران، چند در صد این  
حقیقت را در می یابند که این دانشمند  
گرانمایه چه میخواست که بگوید!

"شکر" از آفرینش های هندی است که  
جهانیان دارند و آن را چون جان شیرین دارند.  
از زمان ساسانیان تا چندین سده اسلامی،  
کرمان و مکران از بزرگترین صادر کنندگان  
شکر در جهان بودند. چون شیرینی آن بیش  
از اندازه بیماری زا است و بسی از مردم را  
گرفتار "قند" کرده، بهتر است که خوراک و  
نوشاک را هفته، برویم به سراغ چاره.

### دارو و درمان

در اوستا آمده که چون در جهان نود هزار و  
نهد و نود و نه بیماری است، خداوند آدمی  
را نیز با ۹۹۹۹۹ دارو و درمان آشنا ساخته.  
نخستین پزشک هم فریدون (Thraetaona)  
به اوستا و Thritha به سانسکریت، بوده که  
مردم را با داروهای گیاهی درمان میکرد اما  
شاهنامه پزشکی را از آن جمشید می خواند:

چو بان و چو کافور و چون مشک ناب  
چو عود و چو عنبر، چو روشن گلاب  
پزشکی و درمان هر دردمند  
در تندرستی، و راه گزند

بادی از نوشانوش شد و دیدیم که می  
«انگورین» هم "حلال حلال زاده" از  
آب در آمد!

آگاهی تازه که در روزنامه های جهان ۱۰  
جون ۱۹۹۶، به چاپ رسیده، می گوید که  
دانشمندان باستان شناس خمره ای را که  
از خرابه های تپه حاجی فیروز نزد دریاچه  
ارومیه (رضاییه) بدست آمده، آزموده اند و  
در یافته اند که آن خم "باده" بوده، آن می  
ناب از انگور بوده و زمانش هم ۷۴۰۰ سال  
پیش می باشد. این از ته مانده باده خمی  
که در گدین تپه کرمانشاه پیدا شده بود،  
کمابیش دو هزار سال کهن تر است.  
ناگفته نماند که تاک یا بوته انگور یا درخت  
مو که نام طبیعی لاتین "VVvitis vi-  
nifera sylvestris" بر آن نهاده اند،  
بومی ایران زمین بوده.

نیازی به آن نیست که امروز شراب  
کهن ایرانی و مادرش تاک به کجا  
که نرسیده اند! یکی از فرآورده های  
این استان کالیفرنیا که بسیاری از  
ایرانیان کوچی در آن زندگی را بسر  
می کنند، می و انگور است و دیگری  
پسته کرمان (ه پاس همین نام یک  
آبادی پسته خیز را در نزدیکی های سن  
خوزه کرمان نهاده اند)، که مردم مزه  
مزه می کنند. خرما کالیفرنیا را هم  
فراموش نکنیم که از خوردن آن به یاد  
مزه خرماهای خوزستان، جهرم، بم، و  
شهداد می افیم!

از شراب ناب انگور که بگذریم، نام دو  
نوشابه دیگر در اوستا می یابیم: "هوم"  
و "هورا" چنان پیدا است که هوم پیش از  
زرتشت که بسی از آن در اوستای پیشین  
و "رگ وید" آریایی هند یاد شده و آماده  
کردن آن آیینی رنگین داشت، گیاهی مستی  
آور بود. پژوهشگران، هر کدام برای خود،  
آن را به گیاهی وابسته اند که یکی از آنها  
قارچ" است ولی به گمانی درست تر، آن  
همان "حشیش" یا "بنگ" و "دوغ وحدت"  
درویشان است که هنوز در ایران زمین، شبه  
قاره هند و همسایگان گسارده می شود و  
با نام "Marijuana" جهان  
را از هوش و کوش برده. زرتشت به گفته  
خودش" این پیشاب دیوانه کن" را از آیین  
پاک خود پاک زدود ولی خوی بد را کی می  
توان هشت و کنار گذاشت و آن هم به بهای

## کامران پورشمسی

متخصص و مشاور در امور

خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

**Kamran Pourshams**  
Experienced Professional Realtor

Residential, Commercial,  
Property Management

Proven Insights.  
Proven Results.

DRE# 01066478



◆ چگونه تحت شرایط اقتصادی کنونی صاحب خانه شوید؟  
◆ به چه طریقی در این موقعیت زمانی می توانید خانه تان را بفروشید؟

من میتوانم با آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییر و تحولات در  
امور خرید و فروش خانه و املاک، شما را در موارد فوق مطلع و یاری نمایم!

Experienced Agent in Short Sale  
& Bank Owned Properties

با در دست داشتن لیست کامل خانه های ضبط شده از طرف بانکها

Res: (408)879-9343 Bus: (408)369-2000

Dir: (408)369-2020 Cell: (408)781-1200

419 E. Hamilton Ave., Campbell, CA 95008

**SELL YOUR HOME WITH US AND SAVE THOUSANDS IN COMMISSION!**



**You will only pay 3.5% to sell your home**

*1% to listing broker  
2.5% to buyers broker*

**Call today to SAVE!**

Bahar: 408-442-4547  
Shawn: 408-313-5900



Commision Fee	6%	3.5%	You Save!
\$1,000,000 Home	\$60,000	\$35,000	\$25,000
\$1,500,000 Home	\$90,000	\$52,500	\$37,500
\$2,000,000 Home	\$120,000	\$70,000	\$50,000
\$3,000,000 Home	\$180,000	\$105,000	\$75,000
\$5,000,000 Home	\$300,000	\$175,000	\$125,000
\$8,000,000 Home	\$480,000	\$280,000	\$200,000

*Commissions are negotiable and not set by law.*

***Bahar Hatami & Shawn Hatami***



**408-313-5900**



**www.Thehatamiteam.com**



**1601 S. De Anza Blvd Ste 260 Cupertino Ca 95014**

**License # 01994689 - 01169715**



و شتران بزحمت می توانستند خود را از گل رها کنند، علاوه بر این آن جاده طولانی تر است. پس از بیرون آمدن از باتلاق راه چندانی نپیموده بودیم که سه رودخانه دیگر پدیدار شدند که می بایستی از آنها بگذریم تا به ساحل دریا برسیم. در آنجا به ساحل دریا رسیدیم و مدت دو ساعت در ساحل راه پیمودیم تا به لنگران رسیدیم. لنگران به معنی جایی است که در آن لنگر می اندازند. این معنی از آن جهت است که رودخانه ای بزرگ بنام «ورس رود» که به دریا می ریزد، قایق ها را از طوفان در پناه می دارد. پنج یا شش قایق دیدم که به تیره های چوبی بسته شده بودند و لنگر نداشتند. ساکنان لنگران نفت و شربت را در ظرف های بزرگی که شبیه به سبوه های قدیمی است نگاهداری می کنند و آنها را جام می نامند و تا گردن در خاک فرو می کنند. در شماخیه و در تمام نواحی سیروان نیز شربت به همین ترتیب نگاهداری می شود. در اینجا سرکه زیاد مصرف می شود و می گویند مصرف آن برای کومک به هضم برنج که غذای عادی آنهاست و برای جلوگیری از به وجود آمدن کرم است.

در لنگران منزل کردیم و روز ۲۱ اکتبر در بهترین هوا و در مطبوع ترین سرزمین دنیا براه افتادیم. از پل های چوبی رودخانه لنگران و رودخانه «سردون» عبور کردیم و سپس از بیست جویبار که به دریا می ریزند گذشتیم و در تمام مدت روز در چمنزارهای بزرگ و زیبا که در آنها از هر طرف خیمه های تر کمن ها و گله های آنها دیده می شد راه پیمودیم. این مردان خانه و مسکن معین و پابرجایی ندارند، فقط در جاهایی توقف می کنند که فراوانی چراگاه ها آنها را بر جای نگاه دارد.

اند که در آنها درختان میوه بویژه درخت توت کاشته شده اند. باران که در تمام مدت شب و تقریباً در تمام مدت صبح روز هجدهم باریده بود ما را مجبور کرد که حرکت خود را تا ساعت دو بعدازظهر به تعویق بیندازیم. با زحمت و مشقت بسیار برای بار سوم از رود «ولاس» عبور کردیم و پس از آنکه دو فرسنگ در میان بوته های تمشک و خار راه پیمودیم به «قرل آغاج» رسیدیم. معنی این نام چوب سرخ یا چوب زرین است، من ریشه و بن کلمه را در نیافتم. به هر حال، این مکان در موقعیت بسیار مطبوعی قرار دارد. رود «ولاس» مانند گودالی آن را احاطه کرده است و در این محوطه چیزی جز باغستان و باغ میوه دیده نمی شود.

در نیم فرسنگی آنجا از رودخانه بزرگی که یک پل چوبی بر روی آن بود گذشتیم و پس از آن دو فرسنگ از میان چمنزارهای زیبا که پر از چارپایان بود گذشتیم و به گداری وارد شدیم که نیم فرسنگ طول آن بود. گودی آب تا زیر تنگ و در برخی جاها تا زین اسبان می رسید. هنوز از این گذار بیرون نیامده بودیم که به گذار دیگری وارد شدیم که گودتر و طویل تر از اولی بود. در آنجا آب تا گردن اسبان را فرا می گرفت بطوری که همه اسباب و اثاث ما خیس شد. لاقل در پس این گذار ها راه های ساخته شده ای وجود دارند که در میان باتلاق های بزرگ پر از نی، سخت و محکم هستند. عرض این راه ها به اندازه ای است که هشت نفر سوار می توانند از آن بگذرند. فقط نقص آنها اینست که بایستی کمی بلندتر از باتلاق ها باشند. ما می توانستیم از این راه صرف نظر کنیم و راه کوه را در پیش گیریم ولی در این صورت دچار گل و لای می شدیم و اسبان



## نامه های شگفت انگیز از کشیشان فرانسوی در دوران صفویه و افشاریه

(بخش دوازدهم)

ترجمه زنده یاد دکتر بهرام فره وشی

این منزل شامل یک تالار بزرگ است که پیرامون آن چندین اتاق تمیز قرار دارد. چون این منزل مسکون نیست رو به ویرانی نهاده است و کسی به فکر تعمیر آن نیست، زیرا در ایران رسم نیست کسی که خانه ای را که خود نساخته است تعمیر کند و می گویند خرجی که کس دیگری از آن استفاده کند بی آنکه تشکری از آنان بکند به چه کار می آید.

روز هفدهم سفر ما از «شمبدو» تا «بولگد» چهار ساعت طول کشید و از میان یک چمن زار گسترده که در آن تعداد زیادی گاو و کره اسب می چریدند گذشتیم. از گذار رودخانه ای بنام «ولاس» گذشتیم که آب آن عمیق نبود ولی کناره آن سرایشیب بود و برای عبور شتران مناسب نبود و آنها بزحمت می توانستند راه بروند. خانه های «بولگد» و همه روستاهای گیلان متفرق هستند و پیرامون آنها را باغ و باغچه هایی فراگرفته

«شمکو» نخستین دهکده ایالت گیلان و «سلطانیه ارش» است. این دهکده ترکیب یافته است از حدود بیست خانه که دیوارهای آنها از دسته های علفی ساخته شده است که در باتلاق می رویند و از اندازه آدمی بلندتر هستند. این دسته های علف کاملاً به یکدیگر فشرده شده اند. بام خانه ها از دو سوی سرایشیب است و از شالی پوشیده شده است.

چون ما احتیاج به استراحت داشتیم توقف کردیم، و در روز شانزدهم ساعت چهار بعدازظهر برای رفتن به «شمبدو» که در دو فرسنگی بود براه افتادیم و از صحراهای سیل زده گذشتیم و نیم فرسنگ در جاده ای که دو سوی آن رانی هایی به اندازه یک نیزه فراگرفته بودند، راه رفتیم. بزرگان محل به پیشواز آقای سفیر آمدند و به او خوش آمد گفتند، زیرا در این سرزمین نمی توانند خطا به بخوانند. او را به منزل سلطان بردند.



## دکتر فرانک پورقاسمی متخصص و جراح پا

- + درمان بیماری های پا ناشی از امراض قند و روماتیسم + درمان عفونت های قارچ ناخن و پوست پا + ترمیم پارگی ماهیچه، غضروف و شکستگی پا
- + درمان بیماری های پا در کودکان + صافی کف پا و صدمات ورزشی

+Foot related diseases +Bunion, Callus, Corn +Hammer Toe, Ingrown Toe Nail +Sports Medicine & Injuries +Heel Pain & Diabetic Foot Care +Ankle Arthroscopy +Pediatric Foot Conditions +Flat Feet & Orthotics +Skin & Nail Conditions

**Dr. Faranak Pourghasemi, DPM**

My mission is to provide superior, comprehensive foot & ankle treatment for patient's current and long-term needs.

اکثر بیمه ها پذیرفته می شود

**National Foot & Ankle Center**

**(408)884-5851**

14981 National Ave., Suite #2, Los Gatos, CA 95032

Wedding and Entertainment Coordinator  
www.niosha.com  
Niosha Dance Academy  
DISCOVER THE UNIQUENESS  
For the wedding of your dreams let Niosha blend music, dance and tradition into an unforgettable event.  
To schedule a free consult please call 408-656-0585 or email niosha@niosha.com



براون در کرمان مانند بعضی از جهانگردان اروپایی می خواهد از مظاهر انقلاب صنعتی دور باشد. با این همه هنگام ورود به کرمان تلگرافی از کیمبرج به دستش می رسد که یکی از همکاران دانشگاهی اش از او اجازه می خواهد تا کرسی زبان فارسی را به براون واگذار کند. به خاطرش می رسد که حتی در کرمان هم او از دست دیگران در امان نیست.»<sup>(۴)</sup>

در کرمان براون در باغ متروک یکی از وزیران پیشین که زردشتیان در آن کشت می کنند اقامت می کند. او از آن جا وصفی رمانتیک به دست می دهد: «پیشه ای خوشبو و دلپذیر با شب های آرام و روشن تابستان و رایحه شیرین گل‌های سرخ و نغمه خوشهنگ بلبل. هرگز روح آن شب، از خاطر من نخواهد رفت. آیا کسی می تواند بگوید مشرق زمین آرامش و شگفتی و راز و رمز خود از دست داده است؟ چنین شخصی یا مشرق زمین را نمی شناسد و یا تنها ظاهری از آن را دیده که در تأثیر مظاهر زشت و مادی و سودجویی غرب سطح آن را آلوده کرده است.»<sup>(۵)</sup> احساسات انسانی براون در دیدار از طبقات محروم مردم ایران قابل توجه است.

دنباله مطلب در صفحه ۵۶

معرض کشته شدن و تراج هستند دروغ نمی کردید»<sup>(۱)</sup> اما براون در بازگشت از سفر ایران به انگلیس در نامه ای به وزارت خارجه انگلیس در تأکید بر حمایت از زردشتیان می نویسد: «به نظر می رسد کوشش ما بی فایده نبوده است.»<sup>(۲)</sup>

براون روابطش را با زردشتیان حفظ می کند و در زمان مشروطه از پارسیان هند برای یاری به مشروطه خواهان میکوشد. در بهرام آباد، بر سر راه کرمان، چند سیاح هند که نقدبینگی و اوراق آنها ربوده شده و حکمران محل هم برای آنها کاری نکرده به براون متوسل می شوند تا شاید او ماجرای دستبرد از آنها را به سفارت انگلیس گزارش کند. براون هم شکایت آنها را یادداشت می کند تا به دوستانش در سفارت گزارش کند. اما نکته این جا است: یکی از هندوها به براون می گوید: «چرا شما ایران را نمی گیرید؟ اگر بخواهید به آسانی می توانید این کار را بکنید» براون در جواب می گوید: «فکر میکنم فردی که به مال شما دستبرد زده چنین فکر می کرده، با این همه شما به خود حق می دهید علیه او شکایت کنید. کسی حق ندارد اموال دیگری را تصاحب کند، حتی اگر به آسانی قادر به این کار باشد. دولت ها هم همین طور.»<sup>(۳)</sup>

## ایران‌شناسی ایران دوست ادوارد براون و ایران

بخش هفتم

دکتر ایرج پارسى نژاد



نگاهی به کتاب:

دکتر حسن جوادی، ادوارد براون و ایران، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۹۶

کند دلپذیر بود». براون زردشتیان را به لحاظ خصوصیات نژادی و زیبایی چهره خالص ترین نمونه از تبار نژاد ایرانی می داند، زیرا آنها پیوندی با ترک ها و عرب ها نداشته اند. حسن سلوک و پایداری آنها در برابر بدرفتاری ها ستایش انگیز است. زردشتیان مانند اقلیت های مذهبی دیگر، برای در امان بودن از تعدی و تجاوز متعصبان مذهبی خود را در حمایت دولت خارجی قرار می داده اند و انگلیسی ها با حضور خود در جنوب ایران، به علت دخالت پارسیان هند و رابطه ای که با زردشتیان ایران داشتند گاهی از زردشتیان حمایت می کردند. هم چنان که بعضی از پیروان مذهب اسماعیلی نیز خود را در حمایت انگلیس قرار می دادند. کشته شدن دو تن از اسماعیلیان به دست یک م در نیشابور در زمان مشروطیت باعث اختلاف بین تقی زاده و عده ای از نمایندگان می شود و سر پرسی سایکس هم از جانب دولت انگلیس اعتراض می کند.

اما زردشتیان، به طور کلی، نظر خوبی به انگلیس ها دارند و آنها را حامی طبیعی خود می دانند. با این همه گاهی از بی اعتنائی دولت انگلیس به وضع خود شکوه می کنند. دستور تیرانداز می گوید: «نمی توانید درک کنید که نام انگلیس چه سپر محافظی برای ماست، و الا آن را از مردم بیچاره ای که در زمان هرج و مرج در

براون فصل دیدار خود از یزد را به بحث درباره ایران باستان و ادبیات پهلوی اختصاص می دهد و از حال و روزگار زردشتیان و آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی آنها یاد می کند. براون در یزد با دستور تیرانداز، موبد اعظم زردشتیان، دیدار می کند. او از سوی شاهزاده عمادالدوله، حاکم یزد، مأمور است ببیند این فرنگی که به یزد آمده کیست و اگر شخصی متشخص است افتخار ملاقات حاکم را به او بدهد. موبد می گوید حتماً دولت انگلیس او را برای مقاصد خاص فرستاده است. اما عمادالدوله شخص روشنفکری است و از زردشتیان در مقابل زورگویی متعصبان حمایت می کند. براون شواهدی از حس عدالت خواهی عمادالدوله را در مقابل بی عدالتی ها نشان می دهد و یادآور می شود زردشتیان گاهی به طور جمعی و اغلب به طور فردی با تعدی مردم عامی و متعصب رودرویند و حاکمان خوبی مانند عمادالدوله به ندرت پیدا می شوند. براون در یزد در خانه گودرز، یکی از زردشتیان، میان مردانی که به دیدن او آمده اند می نشیند و می نویسد: «برای من دیدار از پیروان آیینی که دوازده قرن اعدام و زجر و اهانت نتوانسته ریشه شان را از سرزمین اصلی شان بر

### FINE HOMES REALTY



Mohamad Harandi

### محمد هرندی

مشاور آگاه و دلسوز جامعه ایرانی  
در امور وام مسکن و خرید و فروش خانه



Realtor & Mortgage Specialist  
for San Jose & Bay Area

از موقعیت استثنایی پائین بودن نرخ بهره  
و وام های بدون کارمزد استفاده نمایید

مدیریت املاک تجاری و مسکونی در سراسر بی اریا

سال ها تجربه، قابل اعتماد و شناخته شده

(408) 605-1138

moeharandi@yahoo.com

DRE#01183647 F NMLS#332989



4950 Hamilton Ave., Suite 211, San Jose, CA 95130

## آموزشی دف و تنبک

توسط نریمان اسعدی

کلاس های خصوصی و گروهی  
برای تمامی سنین

(530) 574-4636

narimanpercussion.com

narimanpercussion@gmail.com

چاپ رسید و در اختیار مردم قرار گرفت و من با خواندن این کتاب چیزهای تازه ای از تاریخ همین چهل پنجاه سال پیش برابم کشف شد که عینا برایتان از روی این کتاب می نویسم.

صفحه ۲۵۶ و ۲۵۷ کتاب خاطراتی از هنرمندان به قلم پرویز خطیبی:

«شب کریم پور را که کم کم قوای بدنی اش ضعیف می شد (بعلت اعتصاب غذا)، به درمانگاه هنگ که زیر دیوار بیسیم پهلوی واقع شده بود بردند. پیش از رفتن کریم پور با من (یعنی پرویز خطیبی که خودش هم زندانی بوده، خداحافظی کرد و گفت که با پرداخت پنجاه هزار تومان ترتیبی داده است که فردا شب او را از جلوی در بی سیم با ماشین جیب به بغداد ببرند. شب سردی بود و اطاق بهداری سرد و سردتر می شد. سربازی آمد و پیغام آورد که آقای کریم پور بخاری لازم دارد. داریوش فروهر بخاری (کالری فیکس)، خودش را برای او فرستاد. نیمه شب صدای چند تیر هوایی به گوش ما رسید ولی اهمیتی ندادیم چون هر شب پاسداران هنگ برای جلوگیری از ورود افراد ناشناس اقدام به این کار می کردند.

دنباله مطلب در صفحه ۱۲۲

توده ای می گفتند که اشرف کریم پور شیرازی (روزنامه نویس ضدسلطنت) را آتش زد و خودش هم ایستاد که کاملا سوخت و جزغاله شده و اگر کسی با ناباوری به آنها فقط نگاه می کرد یا حرفی ناباورانه می زد او را مزدور و خائن و دشمن خلق و طبقه کارگر می دانستند و هرچه می گفتیم بابا حالا فرض کنید دستور آتش زدن داده دیگه خودش بیاید و تماشا کند که نبوده، می گفتند نخیر خودش آمده و نفت ریخته روی این بنده خدا و خودش کبریت گیرانده و کریم پور را آتش زده. می گویند دروغ هرچه بزرگتر باشد مردم بیشتر باور می کنند! این هم از آن دروغ های شاخدار بود اما مگر کسی جرات می کرد بگوید دروغ است. خب بعد از انقلاب معلوم شد محمد مسعود را که مدیر روزنامه ای مخالف شاه بود حزب توده کشته و خود لنگرانی عضو حزب اعتراف کرده بود و شاملو نیز شعری را که بخاطر خسرو روزبه هماهنگ کننده این قتل سروده بود پس گرفت.

خدا پدرش و خودش را بیمارزد. اما این داستان کریم پور شیرازی در پرده ابهام بود تا کتاب خاطرات پرویز خطیبی یکی از هواخواهان حزب توده در آمریکا به



## یک سینه سخن

مسعود سپند

بکشد تا به انقلابی دیگر برسیم، و آن روز انقلابیون بر روی گورهای ما رژه خواهند رفت و مرگ بر ملا خواهند گفت. ما مردم هرچه داریم حافظه تاریخی نداریم و گر نه می شود سی سال طول بکشد که بفهمیم رضاشاه خادم بوده یا خائن.

بلافاصله بعد از انقلاب گروهی که مخالف سلطنت بودند و حق هم داشتند! متوجه شدند که به بیراهه رفته اند و این انقلاب نه آن انقلابی بود که آنها در ذهن خود پرورده بودند و هر کدامشان به نوعی مخالفت خود را با انقلاب اعلام کردند و از هراس آدمخواران جمهوری اسلامی در گوشه ای پنهان شدند و یا به کنجی گریختند و به نوعی پشیمانی خود را از این رخداد ننگین اعلام کردند.

اما آنها که هنوز باید سرشان به سنگ بخورد که نخورده و هنوز دلشان بدرد بیاد که نیامده، کم نیستند و چقدر باید بگذرد که آنها هم تکانی بخورند و از این دشمندلی بیرون بیایند.

اصلا دیگر حالا مهم نیست که این خاندان پهلوی خدمتگزار بوده یا نبوده، ایران را دوست داشته یا نداشته، کشور را آباد کرده یا نکرده، حداقل این است که به مملکت خیانت نکرده و وطن خود را نفروخته. اما این کوردلان جمهوری اسلامی نمی دانم کجای کار هستند و خیانت به مردم و میهنشان را به اعلا درجه رسانیده اند.

در زمان پادشاهی محمدرضا شاه دوستان

دوستی از سوئد زنگ زد که «مژده می دهم فلانی که آهنگساز بزرگی است و سال ها با سلسله پهلوی دشمنی می کرد و هر جا که می نشست جز به بدی از این پدر و پسر چیزی نمی گفت، به تازگی عکس رضا شاه را در اطاق کار خود بر بالای سرش روی دیوار نصب کرده.» با ناباوری تمام به او گفتم حتما اشتباه دیده ای یا شاید خانه یک سلطنت طلب رفته ای یا نکند طرف عکس رضا شاه را روی سر خود نصب کرده که فراموش نکند که هنوز دشمن این خانواده است. گفت: «نه بابا تو هم دیگه خیلی از اون طرفی هستی.» گفتم: «ببخشید این آقا بعد از سی سال تازه خوشش آمده!» خنده اش گرفت و گفت: «بیجان تو راست می گویم. از بس با این مرد بحث کرده ام و او را نتوانسته ام مجاب کنم وقتی عکس را بالای سر او دیدم دم بر نیاوردم و پرسشی نکردم که مبادا پشیمان شود و عکس را بردارد.»

با خود فکر کردم اگر بنده خدا که روشنفکر هم هست درس هم خوانده و آهنگ های آن چنانی ساخته و هیچکس را در سیاست و کیاست به اندازه خودش قبول ندارد، سی سال طول کشیده تا بفهمد رضاشاه به ایران خدمت کرده برای کسانی که یک دهم او سواد و دانش و هنر ندارند، سیصد و هشتاد سال طول خواهد کشید که بفهمند رضاشاهی بوده و به این مردم خدمت کرد. یعنی باید سیصد و هشتاد سال طول

## رستوران فیمس کباب



غذای هر ملتی بخشی از فرهنگ آن مردم است.

رستوران فیمس کباب با غذاهای بسیار خوشمزه و با طعم و عطر منحصر بفرد ایرانی در محیطی متفاوت آماده پذیرایی از شما و میهمان های شماست



کیتترینگ کامل میهمانی و جشن های شما در سراسر شمال کالیفرنیا

رستوران فیمس کباب با افتخار از شما پذیرایی می کند.

(916)483-1700

www.famouskabob.com



1290 Fulton Ave., #C, Sacramento, CA 95825

Alis Construction & Remodeling  
The Complete Home Remodeling & Remodeling Experts

**(408)-898-6474**

www.alisconstruction.com

- ◆ New Custom Home
- ◆ Bathroom
- ◆ Room Additions
- ◆ Kitchen Remodel

نقشه کشی ساختمان، اخذ جواز کار، ساختن ساختمان جدید، اضافه کردن اتاق، نوسازی آشپزخانه و حمام

Let us Build your Custom Dream Home

**1011 S. De Anza Blvd., Cupertino, CA**

## بحران آب در خوزستان

ماهرخ غلامحسین پور

بحران آب شرب آلوده در ماهشهر و بندر امام خمینی این روزها به اوج خود رسیده است و سلامتی مردم این دو شهر را تهدید می کند. رییس مرکز بهداشت این شهر اعلام کرده که در نمونه گیری های انجام شده از آب شرب مردم منطقه، این آلودگی به خوبی مشهود و قابل رویت است.

تابستان سال گذشته شیوع بیماری سرخک و انواع بیماری های عفونی و گوارشی مردم را راهی بیمارستان کرد و مسوولان بهداشت منطقه به فکر اجرای فوری طرح واکسیناسیون افتادند.

موضوع نابسامانی فاضلاب، کمبود آب تصفیه شده و کلرزی آب شرب دیگر یک مشکل عادی و روزمره این منطقه شده که صبح با بیدار شدن زندگی، این معضل هم با مردم بیدار می شود و شب با آنها می خوابد؛ جوری که مردم به رنگ قهوه ای و گاه تکه های زباله ما بین آب های سرازیر شده از شیر آب آشپزخانه عادت کرده اند. مردم محلی می گویند گاهی در آب خارج شده از شیر منازلشان تکه های مدفوع و زباله پیدا می کنند! هیچ منبع یا خبر رسمی برای تأیید این شایعه وجود ندارد اما باور عمومی بر این است که احتمالاً به علت بروز یک جور نابسامانی و

اختلال بین سیستم فاضلاب و آب رسانی، این اتفاق می افتد. سال گذشته «علی نوری»، رییس مرکز بهداشت بندر ماهشهر گفت: «در برخی مناطق بندر امام خمینی سیستم فاضلاب وجود ندارد و آب شرب برخی مناطق هم بدون تصفیه و کلرزی به سمت منازل سرازیر می شود.»

«حمیدرضا کراهی» ساکن ماهشهر است. او به عنوان کارشناس محیط زیست با گرایش آب و فاضلاب و همچنین ناظر اجرای طرح های مرتبط با آب و فاضلاب می گوید: «مشکل آب ماهشهر با این طرح های کوتاه مدت و یا وعده های داده شده بدون تخصیص اعتبارات کلان قابل کنترل نیست. به همین دلیل هم حجم فاجعه باعث مهاجرت بی رویه مردم به شهرهای دور و نزدیک شده است. مردم در حال فرار کردن به شهرهای بالادست هستند.



شده در بازار را ندارند و ناچار به آب شرب لوله ها بسنده می کنند.»

حمیدرضا کراهی در مورد سرمنشا آب تأمین شده این منطقه می گوید: «آب شرب این منطقه از «کارون» به «کوت امیر» و «منصوریه» و سپس به «گرگر» و بعد از آن به بندر امام می رسد. از بندر امام نیز جهت تقسیم و توزیع به مناطق مختلف، به ایستگاه دریاچه نمک ارسال می شود. از ایستگاه دریاچه نمک تا سرمنشایی که از کارون به ایستگاه می رسد، بیش از ۱۰۰ کیلومتر مسافت است. ایستگاه دریاچه نمک توسط چهار پمپ فعال، آب را به مناطق مختلف این شهرستان هدایت می کند. **دنباله مطلب در صفحه ۵۰**

بی تردید به جز وجود ریزگردها و آلودگی ناشی از صنایع پتروشیمی، مشکل کمیت و کیفیت آب یکی از پارامترهای اساسی برای این مهاجرت های بی رویه است.»

محلی ها می گویند وجود لجن و گل و لای و همچنین بوی متعفن آب شرب برای ساکنین منطقه غیر قابل تحمل شده و زندگی را برایشان عملاً مختل کرده است. «مریم نیایی» ساکن شهرک «طالقانی» ماهشهر توان خرید آب از ماشین های فروش آب را ندارد: «این روزها بازار ماشین هایی که تانکر یا دبه های بزرگ آب می فروشند و یا مراکز فروش آب تصفیه شده که آب پاکیزه به مردم ارائه می کنند، رونق زیادی دارد اما بسیاری از مردم محلی توان خرید آب های عرضه



## دفتر خدمات بین المللی

Office of International Services



### دفتر خدمات بین المللی با تجربه کافی، دقت و علاقه، آماده ارائه خدمات ذیل می باشد

- ◆ دریافت حقوق و مزایای دولتی
- ◆ حقوق بازنشستگی در آمریکا
- ◆ گرفتن Employer Identification Number
- ◆ ثبت Fictitious Business Name
- ◆ تشکیل شرکت ها (Incorporation, LLC, DBA)
- ◆ گرفتن وقت از سفارت ایران، رزرو بلیط و هتل
- ◆ طلاق در آمریکا
- ◆ تعویض نام
- ◆ اخذ تابعیت آمریکا و تمدید گرین کارت
- ◆ دریافت گرین کارت از طریق ازدواج و خانواده
- ◆ تهیه و تنظیم وصیت نامه
- ◆ دریافت پاسپورت سفید و پاسپورت آمریکایی
- ◆ تهیه و تنظیم دعوت نامه
- ◆ سوشیال سکیوریتی
- ◆ مدیکر و مدیکال
- ◆ دریافت حقوق پرستار و از کار افتادگی

دفتر خدمات بین المللی با سرعت عمل، دقت و پشت کار، شما را همیاری می کند!

Phone: (408) 909-9060 ◆ Toll Free: (888) 350-9060 ◆ Fax: (408) 503-0040

900 S. Winchester Blvd. #6, San Jose, CA 95128

«روز ازل» را به معنا و مفهومی غیر از آنچه فقیهان و جبریان به کار برده اند در نظر گرفته است؟  
اگر با دقت و موشکافی به پیام ترانه پر معنا و ژرف زیر بیانیدیم در می یابیم که معنای واژه «قضا» در آن مفهومی غیر از آنچه را که مورد نظر جبریان است می رساند:

**در گوش دلم گفت فلک پنهانی  
حکمی که قضا بود ز من می دانی؟  
در گردش دهر اگر مرا دست بُدی**

**خود را برهاند می ز سرگردانی**  
پیام این ترانه، آشکار ساختن راز فلک است؛ فلکی که خود سرگردان است. این سرگردانی حکمی است که «قضا» بر آن فرمان داده است. آیا هدف خیام از واژه «قضا» آنچه پیش آمده، آنچه روی داده و همان پیش آمدهای طبیعی یا «قانون احتمالات» در طبیعت نیست؟

خیام در ترانه ای دیگر که می توان آن را یکی از فلسفی ترین و تکان دهنده ترین رباعی های او به شمار آورد می گوید: شادی و غمی را که در «قضا و قدر» است با «چرخ» حوال می کنید، زیرا «چرخ» خود بیچاره و درمانده است. در این ترانه آشکارا می توان دریافت که واژه های «قضا و قدر» به معنای الهیان، جبریان و در مفهوم حکمت آسمانی یا الهی به کار نرفته اند.

دنیاه مطلب در صفحه ۵۵

تر است.» در نظام جهان هستی یا در کائنات «مشیت الهی»، نظم و ترتیب، غایت و نقشه و «قادر متعال» نمی بیند و با روشنی تمام از قول «فلک» که رازش را با او در میان گذاشته می گوید:

**در گردش دهر اگر مرا دست بُدی  
خود را برهاند می ز سرگردانی**  
در پاسخ سخنگویان «دین های الله و اکبری» یا سامی که می گویند چگونگی آفرینش عالم و پیدایش نوع انسان در کتاب های آسمانی آنها به روشنی بیان شده اند به روشنی می گوید:

**کس مشکل اسرار ازل را ننگشاد  
کس یک قدم از نهاد بیرون ننهاده  
من می نگرم ز مبتدی تا استاد**

**عجز است به دست هر که از مادر زاد**  
در برخی از ترانه های خیام یا در پاره ای از رباعی هایی که به او نسبت داده اند واژه هایی چون «قضا»، «قدر»، «روز ازل»، «لوح»، «روزی» و مانند آنها دیده می شوند. آیا به کار بردن چنین واژه هایی دلیل بر آنند که خیام به فلسفه جبر گرایش داشته است؟ آیا اندیشمندی که در فلسفی ترین ترانه هایش آشکارا «چرخ» را بیچاره و سرگردان می داند ناگهان هوادار اندیشه های «قضا و قدری» و «سرنوشت و تقدیر» می شود؟ آیا خیام واژه هایی چون «قضا و قدر» و



## پیام خیام

دکتر احمد ایرانی / بخش ششم

### نه جبر و نه اختیار: قانون احتمال

ها را تعیین کرده و به ویژه تا آنجا که به زندگانی نوع انسان مربوط می شود «مشیت الهی» یا «خواست خداوندی» حاکم و فرمان فرماست. آنچه از کارگاه این آفریدگار توانا بیرون آمده کامل و آنچه در جهان هستی و در روی سیاره زمین می گذرد به فرمان و در اختیار اوست. بسیاری از فیلسوفان معتقد به نوعی از فلسفه اختیار- و به ویژه اندیشمندان ماده گرا و انسان گرا- نظریه «مشیت الهی» را در مورد جهان هستی و نوع انسان نمی پذیرند؛ اختیاردار و «نویسنده» ای برای «سرنوشت» جهان هستی و «تقدیر» نوع آنان نمی شناسند.

خیام در برخی از فلسفی ترین ترانه هایش با فلسفه جبر و به ویژه با نظریه های فقیهان و شریعت مداران زمانه خود به شدت به مخالفت می پردازد و آشکارا می گوید: «چرخ از تو هزار بار بیچاره

یکی از باستانی ترین، پرسر و صداترین و ژرف ترین جدال های بین فیلسوفان، اندیشمندان و الهیان سراسر تاریخ تمدن بشر برخوردار «فلسفه جبر» و «فلسفه اختیار» بوده است. بسیاری از فیلسوفان، هوادار فلسفه جبر و بسیاری دیگر معتقد به فلسفه اختیار و گروهی دیگر در گرایش به سوی یکی از این دو فلسفه در نوسان بوده اند. فیلسوفانی که به نیرویی «فوق طبیعت» یا «ماوراء الطبیعه» باور دارند و به ویژه هواداران «حکمت الهی» به فلسفه جبر معتقدند و اندیشمندانی که «علوم غیبی» یا وحی و الهام «فراجاهانی» را خیال بافانه و پنداری می دانند بیشتر به فلسفه اختیار گرایش دارند. یکی از بنیادی ترین نظریه های فیلسوفان جبری بر این باور استوار است که کل جهان هستی، سازنده، آفریننده، مدیر یا گرداننده ای دارد که از پیش تمامی رویدادها و غایت

## معرفی کتاب

### معمای نفت و تغییر رژیم در ایران

«نقص قوانین سازمان ملل، سیاست و خودمختاری ابر قدرت ها»

تارا جگران نفت در خلیج فارس

نویسنده: مایک رهبریان

در این کتاب، به منظور بر طرف ساختن آشفتگی ها و دردهای اجتماعی در جهان «به ویژه ایران و خاورمیانه» پیشنهادات و راه حل های مهمی ارائه شده است و توجه در آن ضرورت کامل دارد.

برای تهیه کتاب با مراکز زیر تماس حاصل فرمایید:

www.ketab.com

(310) 477-7477 ♦ (818) 908-0808

Also available at Amazon & Google Play



# DIVA OF LA JOLLA

*We buy and sell  
Diamond, Gold,  
Watches, Silver,  
Platinum, Coins*

**WE BUY  
GOLD**

*We offer Custom Designs,  
Jewelry & Watch batteries & repair*

**تعمیر و تمیز کردن جواهر و ساعت!  
خرید و فروش و سفارش پذیرفته می شود!**

*Certified Pre-Owned Rolex Watches*

*One of the largest  
selection of Rolex Watches*



برای مشاهده جدیدترین، بزرگترین، زیباترین و نفیس ترین  
مجموعه جواهرات، سنگ های قیمتی و طلاجات عیار با  
قیمت های غیر قابل رقابت، از جواهری مجلل ما دیدن فرمایید!

*Free Jewelry Cleaning  
& Ring Inspection  
(While You Wait)*

**(408) 241-3755**

3911 Stevens Creek Blvd, Santa Clara, CA 95051  
(Corner of Stevens Creek Blvd & Saratoga Ave.)

از گزارش ها، پژوهشگران و استادان پایان خوش شاهنامه را دقیقاً با معنای اصلی آن یعنی خوش یکی می دانند.

مثلاً محیط طباطبایی در جایی دیگر می نویسد: در روزگار پیش وقتی دوره ای از شاهنامه در قهوه خانه ها توسط نقالان نقل می شد و به پایان می رسید. نظاره گران و شرکت کنندگان در مجلس جلسه شادباش و صرف شیرینی و شربت در همان محل نقالی برپا می داشتند و پایان جلسه را با خوشی برگزار می کردند و از نقال جلسه قدردانی و تشکر می کردند چون پایان هر دور شاهنامه خوانی را با شادی و جشن و سپاس برگزار می کردند به روایتی پایان خوش شاهنامه را به پایان خوش این جلسات منتسب می دانستند، که البته این توجیه از نظر بسیاری از محققین قابل قبول نیست چون آن را پایان شاهنامه نمی دانستند بلکه می بایست آن را پایان یک دوره شاهنامه خوانی نامید. البته استاد محیط طباطبایی در متون مختلف هر دو نظر متفاوت را ذکر کرده اند که در شماره بعد راجع به نظریات ایشان بیشتر خواهیم گفت.

منابع تحقیق: پژوهش حمیدرضا اردستانی رستمی- جهان فروری بهرام فره وشی- پژوهش سجاد آیدنلو- مجله بخارا

در آخر شاهنامه با ناخوشی بازتاب می یابد و «شاهنامه فردوسی در اوضاع و احوالی خاتمه می پذیرد که ناخوش ترین و غم انگیزترین روزگار پادشاهان ایران باستان را به آخر می رساند».

محیط طباطبایی معتقد است از کلمه خوش در این مثل معنای ناخوش اراده می شود به سخنی دیگر لفظ خوش به قصد ریشخند و ضد معنی خود یعنی ناخوش است که آن را در علم بدیع صنعت «تهکم» می خوانند. بر این بنیان کسی که این مثل را به کار می برد به مخاطب می گوید درنگ کن و بنگر که پایان کار مورد نظر به مانند پایان کار شاهنامه، برای تو به گونه ای ناخوش به آخر می رسد. به جز محیط طباطبایی برخی دیگر نیز پس از پژوهش ها به این نکته اشاره کرده اند چون: مفتاح، خالقی مطلق، سرامی، باستانی پاریزی که همه این دانشمندان این مثل را کنایه از پایان تلخ و دردناک شکست یزدگرد از تازیان می دانند محیط طباطبایی و امید سالا در سخنی دیگر پایان ناخوش شاهنامه را نه تنها با داستان پایان آن یعنی شکست ایرانیان از تازیان مرتبط می دانند، بلکه رد شاهنامه را از جانب محمودغزنوی پس از اتمام شاهنامه نیز مرتبط با پایان ناخوش آیند شاهنامه می دانند. در برخی



## شاهنامه آخرش خوش است (بخش چهارم)

چون بیژن دستور کشتن ماهوی خاین را می دهد و به این صورت انتقام خون یزدگرد را می ستاند، پایان شاهنامه را خوش دانسته اند. در جایی دیگر می گوید «شاهنامه آخرش خوش است» با مثال هایی دیگر چون «جوجه را آخر پائیزی می شمارند» و یا سخن «هنوز اول عشق است، اضطراب مکن» یا:

### دریدی تو ناکرده گز جامه را

**نخواندی تو پایان شهنامه را**  
همه این مثال ها کنایه از امری ناخوش است که در ظاهر برای دیگری خوش می نماید اما این خوشی ابتدای کار است و می گوید تا انتظار نتیجه از شتاب زدگی در صدور حکم قطعی خودداری کن. بنابراین مثل هنگامی به کار می رود که انسان بخواهد به مخاطب خودش بگوید که در کاری شتاب نکند و پیش از قضاوت درباره آن ببیند آخر کار چه خواهد شد.

امید سالار معتقد است که چون این مثل در هیچ یک از متون کهن نیست و تنها در شعر شاعران متأخر همچون یغمایی ورود یافته، پس کم و بیش جدید است و در همین روزگار اخیر، در دوره صفویه یا قاجاریه وارد فضای ایران شده است در دوره این سلسله مبلغان مسیحی در ایران نفوذی گسترده یافته بودند و شاید این عبارت از متون آنها به ادبیات عامیانه ایران وارد شده است. در کتاب جامعه تورات (باب هفتم، فخره ۸) آمده است که انتهای امر از ابتدایش بهتر است و دل حلیم از دل مغرور نیکوتر (امید سالار ۱۳۹۴: ۶۴، ۶۸، ۷۳، ۷۰)

از میان پژوهندگان شاهنامه، محیط طباطبایی می گوید با نابودی ساسانیان به دست تازیان، روزگاری ناخوش برای ایرانیان رقم می خورد و پایان خوشی آنان

در این گفتار فقط پژوهش های پژوهشگران و استادان را در مورد ضرب المثل «شاهنامه آخرش خوش است» نقل می کنم و مرجع می دانم که از اظهار نظر در برابر گفتار این بزرگان خودداری کنم: در مورد این جمله گروهی کلمه خوش را در غیر معنی واقعی خود به معنی ناخوش می دانند که در علم بدیع صنعت «تهکم» نامیده می شود. زیرا پایان شاهنامه جز حسرت و اندوه و ناخشنودی برای ایرانیان ندارد و شکست سلسله ساسانی و برچیده شدن آن امپراطوری بزرگ از نظر ایرانیان نمی توانست خوش آیند باشد مگر این که خوش بودن پایان شاهنامه را به گفته «دیک دیویس» از زبان مسلمانانی در نظر بگیریم که این شکست و آن پیروزی خوش آیند ایشان بوده است.

گروهی دیگر معتقدند که چون به عقیده ایرانیان قدیم، سرانجام نیروهای ایزدی بر نیروهای اهریمنی پیروز می شوند واقعا عاقبت پاسخ ستم هایی که بر ایرانیان رفته است داده خواهد شد و عاقبتی خوش در انتظار است.

در پژوهش حمیدرضا اردستانی آمده است که از نظر گروهی از دانشمندان، هنگامی که برای کسی امری ناخوش پیش آید و دیگری از آن خشنود باشد این سخن طعنه آمیز در واکنش به آن به کار می رود و این کلامی طعنه آمیز است.

گروهی دیگر پایان شاهنامه را به این جهت به معنی واقعی آن خوش می دانند که چون «ماهوی» خاین باعث مرگ یزدگرد پادشاه جوان ساسانی شد، بیژن به کینه کشی از او برخاست و در باور ایرانی انتقام از کشته شده شاه واجب و مقدس است و این مساله در جای جای شاهنامه فردوسی به چشم می خورد. پس



- Residential sales
- Commercial sales
- Business Opportunity sales
- Farmland sales
- Commercial Management & Consultation
- Investment Syndications/Partnerships

**RealPlac.com**

Ardalan Alizadeh  
Broker/principle  
Tel: +1 510 205 8177 | +1 510 995 8117 | Fax: +1 510 995 8137  
1151 Harbor Bay Ste208F, Alameda, CA 94502  
BRE #: 01704065  
RealPlacid@gmail.com



## اطلاعیه

آدرس جدید دفتر خدمات بیمه سحر سلاخی

**2239 Moorpark Ave., # 200  
San Jose CA 95128**

**برنامه‌های مرکز اسلامی و فرهنگی شمال کالیفرنیا در ماه ژوئن و جولای ۲۰۱۸**

1433 Madison Street, Oakland, CA 94612    www.iccnc.org    (510) 832-7600  
 info@iccnc.org or Pr@iccnc.org    facebook.com/ICCNCORG    Telegram: @iccnc

**مدرسه اندیشه**

با کلاس های فارسی، هنر، اخلاق و مدیریت  
برای سال تحصیلی ۲۰۱۸-۲۰۱۹ ثبت نام می کند.  
نارژد و نیناجا نینسه ۸ سپتامبر ۱۰ صبح الی ۱ بعد از ظهر

**Andeeshah Farsi School's  
Open House & Registration**  
Registration: Sep.8, 2018: 10 a.m.-1 p.m.  
School day:hours: Saturdays, 9:30 am - 3 pm  
Farsi, Art, Etica and Leadership Classes



**ثبت نام برای مدرسه اندیشه فارسی**

مدرسه اندیشه فارسی برای سال تحصیلی ۲۰۱۸-۲۰۱۹ ثبت نام می کند.  
بازدید و ثبت نام روز هشتم سپتامبر، ساعت ۱۰ صبح الی یک بعد از ظهر است.  
کلاس ها در روزهای شنبه هر هفته از ساعت ۹ و ۳۰ صبح تا ۳ عصر است.  
تدریس دروس فارسی از مقطع اول ابتدایی تا سال پنجم دبستان.  
آموزش های جانبی به دو زبان انگلیسی و فارسی با معلمان و مربیان مجرب.

شنبه ۱۱ آگوست، سخنرانی مهندس عبدالعلی بازرگان - ساعت ۶ عصر در مرکز  
موضوعات سخنرانی مهندس بازرگان تفسیر قرآن کریم به خصوص با تکیه بر مفاهیم اخلاقی است

**درس گفتارهای دکتر عبدالکریم سروش در ماه های جولای و آگوست**



- درس گفتار شرح تک غزل دیوان شمس مولانا جلال الدین  
شنبه ۷ جولای و ۴ آگوست. ساعت ۴:۳۰ عصر در مرکز.

- درس گفتار شرح دفتر نخست مشنوی ۸، ۱۵، ۲۲ و ۲۹ جولای  
و ۵، ۱۲، ۱۹ و ۲۶ آگوست - ساعت ۶ عصر در منلو پارک.

- درس گفتار شرح بوستان سعدی جمعه ۲۰ جولای و ۱۷ آگوست  
ساعت ۷ و ۳۰ عصر در بنیاد توحید سن حوزه.

**دعای کمیل: پنجشنبه ها ساعت ۷ و ۳۰ عصر در مرکز**

برنامه: صرف شام مشارکتی (Potluck)، دعای کمیل، و نماز مغرب و عشاء است.

**Dua Kumayl**  
As taught by Imam Ali (as)  
Thursdays 7:30 P.M.  
Potluck Dinner, Dua Kumayl, followed by Prayer  
All Families are Expected to Bring Their Food to Share with each other  
1433 Madison St, Oakland CA , 94612

**Official Services of ICCNC خدمات رسمی مرکز فرهنگی اسلامی شمال کالیفرنیا**

شامل عقد و ازدواج، طلاق، اسلام آوردن، و تدفین مورد تایید دفتر حفاظت منافع

1433 Madison Street, Oakland, CA 94612    www.iccnc.org    (510) 832-7600  
 info@iccnc.org or Pr@iccnc.org    facebook.com/ICCNCORG    Telegram: @iccnc



**Marriage:** The Islamic marriage ceremony and recitation of "Khotbeh Aghd" may be held at the Center or at another location of your choice. The Center will issue a marriage certificate that is accepted by the Interest Section of the Islamic Republic of Iran.



**Divorce:** The Islamic divorce ceremonies and recitation of "Khutbeh Talagh" are held at the Center. ICCNC will issue a Divorce Certificate that is accepted by the Interest Section of Islamic Republic of Iran.



**Joining to Islam:** ICCNC helps individuals interested in converting to Islam to go through the simple process. Also for those who require a document to show that they have officially become a Muslim, ICCNC will issue a certificate to this effect.



**Islamic Burial:** The Center provides complete funeral services. ICCNC has purchased burial sites at Chapel of the Chimes in Hayward, California in the Muslim Section.

آرژانتین نیز در برابر ایسلند با لیونل مسی تنها به یک مساوی دل خوش می کند. آیا بهترین مذهب حقیقت است! در روسیه و در بازی تیم ایران در برابر مراکش خانم های ایرانی پایه پای همسر، برادر و پدر خود در ورزشگاه حضور دارند و از پیروزی تیم ایران شادمانی خود را در برابر دوربین های تلویزیونی نشان می دهند.

ماریوزاگالو برزیلی گفته بود من ترجیح می دهم ما بازی را ببریم تا خوب بازی کنیم و ببازیم، و ایرانی ها با صبر و حوصله چنین کردند. آیا ورزشکاران سوار بر احساسات مردم اند. چیزی که هم تشنه آینده پیروزی یا تساوی بعدی است. فوتبال همواره یک بازی ترکیبی از آمادگی بدنی، تکنیک و توانایی تصمیم گرفتن های سریع است. تجربه یک مربی به تیم امنیت می دهد، هم چنان که به بازیکنانش اعتماد به نفس تا تصمیم های بهتری بگیرند. در فوتبال امروزی هنگامی که بازیگری سخت در تنگنا می افتد، با تدبیری زیرکانه و با اعتماد به آنچه فرا گرفته است خود و تیمش را از مهلکه نجات می بخشد. او تمامی معادلات آنالیزها را بهم ریخته است و جمعیت را به هیجان در می آورد. چیزی که در بازی مکزیک ها در برابر تیم قهرمان جهان بارها و بارها از سوی مکزیک ها دیده شد.

دنباله مطلب در صفحه ۱۷

که عقب ماندگی آنها درمیان اروپائی ها تحقیر می شد حالا دست به آزار رسانی می زند. در مکزیک کارخانه آبجوفروشی دکانه بعد از پیروزی مصرف آبجورا در آن روز مجانی اعلام می کند. تمامی مکزیک ها در میدان های بزرگ شهرها پایکوبی می کنند و رئیس جمهور فوراً تبریک می گوید. در جهان امروز مشکل هویت ملی به ویژه حاد است. ما باید درک کنیم که دنیا اگر چه پر از تضاد است اما با این همه فقط یک دنیاست. این را در مسکو می توان دید. همه پرچم کشور خود را حمل می کنند. این ملت ها را عصبانی می کند. آنان بیمناکند که فرهنگشان، زبانشان و شیوه زندگی شان را از دست دهند. بعضی از تماشاگران از شادی می گریند. این خوب است یا بد باید به آن با احترام نگریست. فراموش نکنیم که در دیدار آلمان و مکزیک، داورها ایرانی بودند و باسرافرازی مسابقه را اداره کردند، آقای فغانی و کمک هایش برتر از دو تیم بودند. آنها نشان می دهند که حضورشان در چنین میدانی دلشوره آور نیست. فوتبال همان گونه که در مدار زندگی بازیکنان را از برندگان جدا می سازد، بنوعی زندگی است. تنها آلمانی ها نیستند که می بازند، برزیلی ها از پس سوئیس بر نمی آیند و



## ورزش از نگاه من

احمد طوسی

Email: tousi1515@aol.com

شود، چرا چمن را روی زمین کاشت؟ فوتبال کامل که عرضه کننده آن هلندی ها بودند که امروز حتی از غایبین بزرگ این جام هستند و فوتبال سامبای برزیلی ها. حالا فوتبال در همه دنیا بسیار بهم نریک شده است. دفاع مطلق، اشتباه نکن و به امید اشتباه تیم حریف بمان. چنین است که ایرانی ها در برابر مراکش به دومین پیروزی خود در جام جهانی دست می یابند و مردم در خیابان های تهران به رقص و پایکوبی می پردازند، چیزی که حکومت را وحشت زده می کند. فرهنگ فوتبال عبارت از نظمی است که از طرف مربی به حواس بازیکنان انتقال داده می شود. چنین است که ایسلند کوچک، آرژانتین بزرگ را متوقف می کند و مکزیک در برابر آلمان قهرمان دوره گذشته جام، کاری می کند کارستان و در پایان بازی این ژرمن ها هستند که با باخت زمین را ترک می کنند. باور کنید در این جام جهان سومی ها

جام جهانی در روسیه آغاز شده است. فوتبال یک شیفتگی جمعی است که آدم ها را به ورزشگاه های بسیار تمیز، زیبا و بازسازی شده می کشاند. روس ها چهره دیگری از کشورشان نشان می دهند. در روز افتتاحیه آقای پوتین را در جایگاه می شد دید. او خوشحال بود که کشورش با پنج گل عربستان صعودی را درهم کوبیده است و در کنار پادشاه عربستان لبخند می زد که در چهره اش احم دیده می شد. سی سال پیش چهار سبک در فوتبال وجود داشت.

فوتبال دفاعی ایتالیایی ها با هلینوهررا متفکرترین مرد دفاعی جهان و کسی که او را جادوگر می نامیدند. فوتبال انگلیسی ها با روی آوردن به توپ های بلند که حالا هیچ تیمی چنین نمی کند چرا که ریسک از دست رفتن توپ بسیار است و حتی یک مربی انگلیسی، برایان کلاف، در سال ۱۹۸۰ گفته بود، اگر خدا می خواست که بازی روی هوا انجام

# Springtown Exxon

Serving Livermore and surrounding area

## (925)443-8866

We'll Beat Anybody's Price

Open 8:30-5:30  
Sorry, No Checks




WALK-INS WELCOME  
We Rent U-Hauls



**SMOG INSPECTION**  
Most Cars 2000 & New  
Hybrids to Vans, Trucks, SUVs & Motor Homes Extra.  
Star Smog Test Extra. **\$19.99**  
\*Plus State Cert. \$8.25  
95 and Older Evap Extra if Required  
WE HONOR ALL LOCAL COMPETITORS COUPONS.  
Offer valid to 8/31/18

**A/C SERVICE**  
Evacuate + Recharge  
Check Belts  
& Hoses **\$49.95**  
Plus Freon & Dye  
Offer valid to 8/31/18

**OIL CHANGE & LUBE**  
Includes up to 5qts.  
oil (5w30, 10w30 or 10w40)  
plus disposal fee **\$19.99**  
Most cars  
Offer valid to 8/31/18

**BRAKE SERVICE**  
Starting Per Axle  
Plus Parts  
Includes  
Machine Rotors **\$69.95**  
Offer valid to 8/31/18

**RADIATOR SERVICE**  
Drain & Refill  
Check Belts,  
Hoses, Accessories **\$34.95**  
Plus Coolant  
Most cars  
Offer valid to 8/31/18

**TRANSMISSION**  
FLUSH **\$99.95**  
99% Fluid Exchange  
Includes Flush  
Additives up to 12Qts. **\$49.95**  
Most cars  
Offer valid to 8/31/18  
Reg. \$149.95+Tax, Haz Fees  
SERVICE  
Plus Parts & Disposal Fee

**FREE \$50 GAS**  
W/TIMING BELT SERVICE  
Most cars  
Offer valid to 8/31/18

**MINOR TUNE UP**  
Starting at **\$49.99**  
Plus Parts  
Most cars  
Offer valid to 8/31/18

**SCHEDULED MAINTENANCE**  
30/60/90K  
Miles Service **From \$189.95**  
Most cars  
Offer valid to 8/31/18

4700 1st Street, Livermore, CA 94551



به اندازه این سگ برای ماندن در کلاس آنقدر علاقه و پافشاری از خود نشان می دادند، چه دنیای آکادمیکی داشتیم...!

نفس راحتی کشیدم و از شما چه پنهان کلی دلم سوخت چرا او که به من آسیبی نرساند و رفت. ماه بعد طرف های عصر بود که دوستم تلفن کرد و مژده داد که مهدخت از تهران آمده و فردا شب پیش ما می آید ضمن دعوت خواهش کرد مهدخت را هم که دوست دوران کودکی مان بود سر راه از هتل برداشته دور هم دیداری تازه کنیم...

شنبه شب موعود فرا رسید. ما در باغ مصفا و خنک کنار بار و باربیکیو جمع شده بودیم. بساط شادمانی برپا بود که خانم صاحبخانه گفت: استخوان های جوجه را دور نریزید که به «گرگی» بدهیم. ای وای این ها هم سگ دارند! خوب شد هنگام ورود نمی دانستم والا به این راحتی وارد منزل نمی شدم. حالا کو؟ به دور و بر باغ نگاه کردم یک مرتبه چشمم به سگ بزرگی افتاد که زیر درخت ساکت خوابیده بود. کنجکاوانه نگاهش کردم. خودش بود. بلند گفتم: این سگ یکبار همکلاسی من بود و شرح ماجرا را گفتم... دنباله مطلب در صفحه ۵۸

با صحبت من ناگهان به هیجان آمد گوشه‌هایش را تیز و سرش را کج کرده نگاهش به دهانم میخکوب شد خنده ای کردم گفتم: «خوب حالا بزار برم، باشه؟!» قلبم از جا کنده می شد. دیر شده بود، فریاد رسی هم نبود. چاره ای جز رفتن نبود. یواش یواش به راه افتادم تازه متوجه شدم هنوز دستم افقی و با انگشت سبابه کلاس را نشان می دادم! او هم پا به پای من آمد. جرات نمی کردم نگاهش کنم یا به طریقی ایزه به گریه، ببخشید به سگ گم کنم و با ترفندی خودم را نجات بدهم. خلاصه به اتفاق آمدیم تا دم کلاس. بی محابا خودم را داخل کلاس انداختم که او هم رفیق نیمه راه نشد، ورود کرد و پای نیمکت من نشست و به چشمانم نگاه می کرد. با پیچ و پیچ و خنده شاگردان، معلم که عمیقا در کار درس و تدریس بود متوجه شد. کمی مکث کرد و پرسید: Estaausted «مال شماست؟!» من هم شانه ها را بالا انداخته گفتم: No...No...

با گفتن «No» بچه ها به هم ریختند و برای سگ بی نوا نقشه ها کشیدند و بالاخره با تشر و زور حیوان بی زبان را خرکش کرده از کلاس بیرون انداختند. با خود گفتم: که اگر همه محصلین عالم



## خاطرات در گذر زمان

هوشمند عقیلی

### فارسی شکر است

نداشت ولی من که از مجسمه اش هم می ترسیدم، دستم به هیچ جایی بند نبود، نمی دانستم چه بکنم، هیچ کس هم در پارکینگ نبود. خوشبختانه یاد فرمول مادرم افتادم که بارها به علت دل و جرأت من پندم داده بود که مثلا هنگام مقابله با سگ حتما بی حرکت بایستم و یا بنشینم و حالت ترس هم نداشته باشم. دست ها و کتاب هایم را صلیب وار به سینه چسبانده و میخکوب ایستادم، او هم ایستاد. کلاس دیر شده بود. اهل چخه، برو گمشو و تشر هم نبودم. البته از ترس، مثل مظلومانی که تقاضای بخشش دارند، نمی دانم چرا با زبان فارسی خیلی دوستانه گفتم: «خوبی، دیرم شده...!» بعد آب دهانم را قورت داده با اشاره دست به طرف ساختمان، مهربانانه، گفتم: «دارم می رم کلاس اسپانیش!»

خانم زیبایی از دوستان خانوادگی ما که لازم به توضیح است که شدیداً از بعضی از حیوانات بی زبان و بدشانس مثل مار و سوسک و موش و سگ می ترسند، شبی تعریف می کردند:

اوایل که برای تحصیل به آمریکای دانشجو خوار آمده بودم، ضمن ادامه تحصیل برای تکمیل زبان اول و دوم از کلاس های شبانه هم استفاده می کردم. شبی که دیروقت به کلاس اسپانیش می رفتم، به محض اینکه اتومبیل را پارک کردم و با عجله پیاده شده و در اتومبیل را قفل کردم، متوجه شدم سگ بزرگ و سفید و سیاهی به طرف من می آید. یکهو جا خوردم. ای دل غافل... نه وقت باز کردن در اتومبیل و نه فرصت فرار، راه نجاتی نبود. سگ هم مثل این که در عمرش آدم ندیده، با اشتیاق فراوان نزدیک شد و البته حالت تهجمی



Immigration & Translation Services

۱۳۱۸-۵۵۴-۴۰۸

## شرکت ساعی

مشکل گشای شهر شما



کارت سبز، ویزای نامزدی

امور مربوط به دفتر حفاظت ایران

ترجمه کلیه مدارک، عکس گذرنامه

تشکیل شرکت ها

تعویض نام

تابعیت

www.saeicompany.com

I am not an attorney

(408)554-1318

برای اطلاعات بیشتر با آقای داریوش گیلانی تماس بگیرید

940 Saratoga Ave., Suite #112, San Jose, CA 95129

گرفتن مدارکشان برای اقامت هستند. پدر خانواده در جنگ کشته شده و اینک پسر یازده ساله آنها نقش مرد خانواده را در عین کودکی با مسئولیت هایی که ناخواسته به گردنش آویز شده، به عهده



سودابه مرتضائی

می گیرد و در تجمع پناهندگان با مادر و دو خواهر کوچکترش زندگی سخت خود را می گذرانند.

«مرتضائی» قبلا فیلم «فرزندان پیامبر» (۲۰۰۷) را ساخته بود که درباره مراسم مذهبی محرم و عاشورا در تهران دور می زد. او متولد آلمان و بزرگ شده ایران و مقیم اتریش است. بازیگران فیلم هیچکدام قبلا در فیلمی ظاهر نشده اند و همین به رئال بودن شخصیت های فیلم کمک می کند تا با داستان و شخصیت های قابل پذیر (واقعی) روبرو باشیم. **دنباله مطلب در صفحه ۵۲**

همین سبک را بعدها با فیلم «چه کسی از ویرجینیا ولف می ترسد» را تکرار کرد که باز در جای خود دیدنی و قابل ستایش بود. «کازان» از دنیایی می آید که داستان مهمترین نقش را در یک اثر سینمایی یا تئاتری دارد. از آنجا که خودش فیلمنامه فیلم هایش را هم می نوشت، دقیقا می دانست چگونه شخصیت ها را پرورش دهد تا تاثیر بیشتری روی صحنه یا پرده داشته باشد.

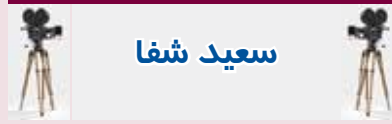
«آمریکا آمریکا» تلاشی است برای تنازع بقاء و چیدن نخستین پایه های یک زندگی در اوایل قرن گذشته که خیلی ها آن راه را هموار کردند و هر کدام داستانی شنیدنی دارد ولی «کازان» به خاطر وسیله ای که داشت (سینما) توانست آن را با زبان فیلم با دیگران تقسیم کند.

رسیدن به مدینه فاضله با دشواری و ریسک توام است. فقط آنهایی که می توانند تمام موانع را درهم بکوبند قادرند به این مدینه دست یابند که یکی از آنها عمومی «کازان» بود که باعث شد دنیای فیلم و سینما، یکی از مهمترین و برجسته ترین کارگردانان خود را از این طریق به دست بیاورد.

**ماکاندا، نگاهی به مشکل پناهندگی**  
نخستین فیلم بلند «سودابه مرتضائی» داستان یک خانواده پناه جوست از چینیا که در وین اتریش در انتظار

## آمریکا آمریکا

سعید شفا



استفاده کرد تا شخصیت های فیلم واقعی تر جلوه گر شوند. زمان آن نزدیک به دو ساعت و نیم است، اما باوجود این، چنان تماشاگر را مجذوب و درگیر داستان می کند که طول آن را احساس نمی کند. «استاورس» جوانی است یونانی که با یک ارمنی در ترکیه به یخ فروشی مشغولند. پدر او تاجر است و زندگی بهتری نسبت به بقیه دارند، اما محیط برای ادامه زندگی تنگ می شود و خانواده او کلیه مایملک خود را به او می سپارند تا به استانبول به نزد عمویش برود تا او بتواند زندگی تازه ای را آغاز کند. در راه اتفاقاتی که بر او می گذرد، بخش عمده ای از این سفر طولانی را که به آمریکا منتهی می شود تشکیل می دهد. اتفاقاتی که اکثرا منجر به از دست دادن همه چیز و اجبار به شروع دوباره است. او با تمام حوادثی که بر او می گذرد،

«من از خون یک یونانی، متولد ترکیه و یک آمریکایی هستم- به خاطر سفری که عمویم کرد.» این نخستین سخنانی است که در ابتدای فیلم «آمریکا آمریکا» (۱۹۶۴)، توسط «الیا کازان» سازنده فیلم، با صدای خودش بیان می شود، سفری که عمویش با منهدم کردن پل های پشت



الیا کازان سازنده فیلم «آمریکا آمریکا»

سرش برای رسیدن به مدینه فاضله (آمریکا) در اوایل قرن گذشته انجام داد و کلیه افراد خانواده اش را یکی یکی بجز پدرش که در ترکیه ماند و همانجا هم درگذشت به آمریکا آورد و «الیا کازان» سازنده معروفترین فیلم های دهه پنجاه و شصت (شرق بهشت، دربارانداز، اتوبوسی به نام هوس، زنده باد زاپاتا...) این فیلم شخصی را نگارش و با بودجه شخصی ساخت که کاندیدای چهار جایزه اسکار هم شد. با این فیلم درواقع تماشاگر با عمومی «کازان» همگام می شود.

کتاب «آمریکا آمریکا» را من زمانی که در دبیرستان در ایران تحصیل می کردم خواندم، بعد توانستم فیلم را هم همان زمان ببینم اما چیزی که سال ها بعد مرا با این فیلم مرتبط کرد، زمانی بود که از فیلمبردار برجسته این فیلم «هسکل و کسلر» دعوت کردیم تا به جشنواره بین المللی فیلم تیران بیاید و جایزه ویژه ای را که به مناسبت یک عمر فیلمسازی انجام داده بود تقدیمش کنیم. برای این منظور از «جرج لوکاس» هم دعوت کردیم تا در این مراسم شرکت کند و جایزه را به «وکسلر» بدهد که همین طور هم شد.

فیلم سیاه سفید است، همانگونه که فضای داستان ایجاب می کند. «وکسلر» فیلم را بیشتر با دوربین روی دست گرفت تا حالت مستند وارث را حفظ کند و «کازان» هم از بازیگران گمنام و تازه کار



از هدفش که رفتن به آمریکا است غافل نمی ماند و چیزی نمی تواند خدشه ای در این راه در او ایجاد کند. «کازان» با فضایی که خلق می کند و با داستان گیرایی که ضمن شخصی بودن آن خاطره انگیز هم هست، زندگی نسلی که می خواهد به دنیای نو بپیوندد را بازسازی می کند که سخت گیرا و به پادماندی است.

گرچه «کازان» فیلم های با ارزش بسیاری ساخت، اما برای من این فیلم یکی از خاطره انگیزترین فیلم هایی است که دیده ام شاید به خاطر آشنایی با داستان و یا نزدیکی با فضا و مکان و شاید هم به خاطر رابطه ای که «کازان» با تماشاگر ایجاد می کند. زیبایی فیلم بیشتر به فیلمبرداری سیاه و سفید آن

## شیوا موزون

وکیل رسمی دادگستری



Shiva Moozoun

Attorney at Law

♦ دفاع در برابر IRS, FTB, BOE

♦ تشکیل ثبت و انحلال شرکت ها ♦ برنامه ریزی و آماده کردن اظهارنامه های

مالیاتی برای اشخاص و شرکت ها ♦ تهیه و تنظیم وصیت نامه و تراست

♦ تهیه و تنظیم انواع قرارداد و اسناد حقوق ♦ آماده کردن فرم های مهاجرت

♦ Business, Corporation, Nonprofit ♦ IRS, BOE, FTB disputes

♦ Tax preparation for individuals and small businesses, Trusts, Estates, Nonprofit

♦ Will, Trust, Estate Planning, Probate

♦ Draft/ Review/Renew legal contracts ♦ Immigration Services

Office: (800) 493-7065 ♦ Cell: (415) 314-1003

3550 Stevens Creek Blvd, Suite 340, San Jose, CA 95117

من سال پیش لگن راستم را عوض کرده ام و اجازه نداشتم این حرکات سنگین ورزشی را انجام دهم. معلم ورزش نگاهی به من کرد و گفت: «بہتر است شما بہ سراغ ورزش های آسانتری بروید!» فریاد زنان گفتم: «برای چی من نباید ژیمناستیک کنم. بہ من نگاه کن بین چقدر جوانم بہ شکم نگاه کن، بہ سینہ ہایم کہ مثل دختران بیست سالہ است، بہ صورتم، بہ چشم ہایم، بہ لب های قلمبہ ام. من ہمہ این کارہا را کردہ ام کہ جوان شوم و مثل دخترهای بیست سالہ بنظر بیایم.»

همینطور کہ فریاد می زدم متوجہ شدم کسی مرا تکان می دہد تا از خواب بیدار شوم. این شوہرم بود کہ با نگرانی مرا نوازش می کرد و می گفت: «عزیزم فکر می کنم دچار کابوس شدہ بودی چون مرتباً می گفتی (من جوانم بہ خدا... من جوانم اگر چہ مادربزرگم و اگر نمی توانم راہ بروم یا اگر نمی توانم مثل دختران جوان ورزش کنم، ولی من جوان شدہ ام، زیبا شدہ ام، من عمل زیبایی کردہ ام. اینہمہ خرج کردہ ام کہ با جوانان باشم) بعد با حیرت اضافہ کرد: «شاید فکر و خیال عمل زیبایی بہ کلہ ات افتادہ راستش را بگو!»

با خجالت بہ شوہرم گفتم: «نہ عزیزم معذرت می خواہم این فقط یک کابوس بود، یک کابوس.»

داریم کہ چند نسل بعدمان ہم می توانند راحت زندگی کنند.

یادم نیست چقدر طول کشید یا چند روز در بیمارستان بودم فقط می دانم کہ وقتی بہ خود آمدم خودم را دوبارہ لخت و عریان جلوی ہمین آئینہ دیدم. از دیدن «من تازہ» فریادی کشیدم. آہ خدای من یعنی این منم با چہرہ ای بہ این جوانی و زیبایی. دستی بہ شکم سفت و صافم زدم. پستان ہایم درست مثل بیست سالگی ام محکم و شاداب سرچایشان بودند. آنقدر ذوق زدہ شدہ بودم کہ نمی دانستم چکار کنم. شوہرم لباس ورزشیم را بدستم داد و گفت: «حالا کہ آنقدر جوان شدہ ای برو ورزش کن و در مسابقہ دو شرکت کن و کلاس یوگا برو. نمی دانم ہرچہ دوست داری بکن.» بہ کلوب رفتم. دخترہا در سالن مشغول ژیمناستیک بودند. از اینکہ قاطی جوانها شدم از خوشحالی فقط می خندیدم. پسر جوانی کہ مربی ژیمناستیک بود اشارہ ای بہ من کرد و گفت: «دختر خانم اسم شما چیست؟» با خوشحالی از اینکہ مرا دختر خانم صدا کرد ہول شدم. بطرفش دویدم کہ ناگہان از درد زانوی چپم کہ تازہ عمل کردہ بودم بخود پیچیدم ولی بروی خودم نیاوردم و با اشارہ مربی مشغول حرکات ژیمناستیک شدم کہ ناگہان سوزش عجیبی در قسمت راست باسنم احساس کردم و تازہ بیاد آوردم کہ



نوشخند و پوزخند

لبخند و زہر خند

عترت گودرزی (الہی)

etratelahi@aol.com

## کابوس

سالہ ام مقایسہ کنم. لباس می پوشم و با اندوہ بہ طرف مقصدی معلوم حرکت می کنم. در پارکینگ خلوت آنجا ماشینم را بہ آسانی پارک می کنم، وارد ساختمانی بزرگ می شوم و بہ اطاق روشنی می رسم. در اطاق جراح پلاستیک مشہور و خوش قیافہ ای کہ می شناسمش منتظر من است. او می تواند تمام عقدہ های مرا بگشاید. او می تواند چہرہ ام را جوان کند و پستانهای آویزانم را سرجای خود برگرداند و شکم بزرگ و چروکیدہ ام را صاف و صوف کند.

بہ زحمت توانستہ ام از این دکتر مشہور وقت بگیرم. البتہ از نظر مالی اصلاً مشکلی ندارم چون شوہر ارتشی ام پیش از انقلاب تا توانستہ مملکت را چاپیدہ و پول بی حسابش را بہ تدریج بہ خارج از ایران فرستادہ. ما بہ اندازہ ای ثروت

روبروی آئینہ تمام قد اطاق خوابم ایستادہ ام. اطاق تاریک است و آئینہ روشن و من خود را در آئینہ می بینم. خدای من پلک ہایم بطور عجیبی پف آلود و زشت شدہ است. موهای سفید و سیاہم در اطراف صورت بدجوری چروک ہا و خطوط دور لبم را بہ رخ می کشد. با عصبانیت لباس خوابم را از تن بدر می آورم. آہ از دیدن شکم بزرگ و بدشکل کہ مثل زنہای نہ ماہہ آبستن است حامل بہم می خورد. بخصوص پستان ہایم کہ آویزان روی شکم جاخوش کردہ اند تکانم می دہد. عکس نوہ بزرگم کہ روی آئینہ چسبانندہ ام مرا بہ فکر می برد. دختری زیبا بہ تمام معناست. بیست سال بیشتر ندارد و در آن مایوی دو تکہ اش ہوش از سر آدم می برد. احساس می کنم حسادت نامرئی بہ جانم افتادہ است. بعد بہ خود می گویم نباید من ہفتاد سالہ مادربزرگ را با نوہ بیست



# ہنرستان موسیقی نژاد

آموزش تمامی سازهای موسیقی (ایرانی و غربی) برای رده سنی ۴ تا ۸۴ سال

Individual & Group Lessons for All with Persian Traditional & Western Instruments



(408)559-7864

Cell: (408)771-3996

کلاس های خصوصی و گروهی

14505 Union Ave San Jose, CA 95124

www.nejadmusic.com

# سهیلا رضایی

متخصص در امور خرید و فروش املاک در شهر ساکرامنتو و حومه

## اکازیون بسیار عالی:

خانه ای زیبا، لوکس و ویلایی در یکی از بهترین مناطق

*El Dorado Hills* (حومه شهر ساکرامنتو) با چشم انداز دریاچه *Folsom Lake*

و مناظر دل انگیز، با قیمت ۱,۵۴۹,۰۰۰ دلار به فروش می رسد!



Soheila Rezae  
Lic.: 01834116

*Beds: 6 ♦ Baths: 5(Full) 1(Half) ♦ Sq Ft: 6272 ♦ Lot size: 0.4760 ac*  
*Lot Sq Ft: Approx. 20735 ♦ Year Build: 2008 ♦ Price: \$1,549,000*



Soheila.Realtor@gmail.com

916-616-7395

9217 Sierra College Blvd #120, Roseville, CA 95661

Nick Sadek  
Sotheby's  
INTERNATIONAL REALTY

## منطقه فضول آباد

## کانون سرد خانواده

امیر از کار که برمیگردد خانه لم میده روی مبل، روبروی تلویزیون و از این کانال به آن کانال. هر برنامه ای را هم تماشا می کنه. البته تا حالا ندیده ام هیچکدام را تا آخر نگاه کنه. نه سریال، نه فیلم سینمایی و نه خبرها. شامش را همانجا که نشسته روبروی تلویزیون برایش می برم. بعد از شام کم کم می افته به چرت زدن. از وقتی هم که می افته به چرت زدن، همان برنامه یا فیلمی که داشت می دید ادامه پیدا می کنه تا آخر. من هرکجای خانه باشم صدای یک فیلمی تو سرم هست. صدای فیلم را می شنوم ولی خود فیلم را نمی بینم. بهر حال هرگز فکر نمی کردم وقتی شوهر کنم چنین شوهری خواهم داشت یا چنین کانون سردی. من چقدر حرف های خوب، فکرهای خوب دارم، یا از راه مطالعه کتاب، یا در روز تونستم نکات تازه ای یاد بگیرم. دلم می خواد همه را با امیر در میان بگذارم و امیر هم مطالب تازه ای که می داند یا شنیده است به من بگوید و باهم شام بخوریم. باید بفهمم این غذا را دوست داشت که امشب برایش پختیم! اگه دوست نداشت دیگه درست نکنم. اما امیر که وقتی می آید پیش من که نمی نشیند و یا با من دو کلمه حرف نمی زند. وقتی هم به خانه پدری می روم و به پدرم از امیر می گویم و از رفتار سردش، پدرم عصبانی میشه و میگه که اینهایی که تو میگی اشکال نیست. برو خدا را شکر کن شوهرت امیر آقانه، نه قمار بازه، نه زن بازه، نه مال مردم را خورده و نه آب زیرکاه... سرجمع مرد خوبیه. آخرش هم میگه دیگه از این حرفا نیای بمن بگی. از قدیم گفتن گرگه خوشی، مرگه یا درویشی. دیدین پدر همه درد منو نمی فهمه. شما که غریبه نیستین، مادر هم که ندارم تا برم سفره دلمو پیشش پهن کنم. از اون آدمها هم نیستم که برم داستان زندگیمو به همه بگم، حتی خواجه حافظ شیرازی. چه کنم که مانده ام توش.

مشقی تازه  
در روزهای غربتحسینعلی مکوندی  
فریمانت-کالیفرنیا

e-mail: ha@makvandi.com



## سینما تاج آبادان

بنای این سینمای دیدنی و مشهور توسط شرکت سهامی نفت ایران و انگلیس، در عصر پهلوی اول در منطقه بوارده جنوبی آبادان آغاز به ساخت شد و در سال ۱۳۲۲ در روزگار پهلوی دوم افتتاح گردید.

این سینما دیدنی از جنس آجر قرمز است و خصوصیاتی دارد که در هیچ بنای سینمای ایران دیده نمی شود. من شنیده بودم سقف سالن این سینما طوری طراحی شده که چنانچه در سالن آن آتش سوزی بوجود آید از سقف سالن باران آب خواهد بارید و حریق را خاموش خواهد کرد. جلو پرده این سینما پرده آبی خوش رنگی نصب بود که هنگام آغاز هر فیلم آرام آرام به کنار می رفت. جالب است بدانید هنگام خرید بلیط در این سینما، نقشه ای به شما نشان می دادند که خودتان صندلی مورد نظر خودتان را

انتخاب کنید. مسئولان شرکت نفت آن زمان خودشان با مدیران شرکت های معروف فیلم سازی جهان ارتباط داشتند و بهترین فیلم های معروف دنیا را برای نمایش در این سینما اجاره می کردند. فیلم ها به زبان اصلی بخش می شد و سانسوری صورت نمی گرفت. ما که اهل آبادانیم وقتی به تهران آمدیم تا چند سال هر وقت فیلم خارجی جدیدی در تهران به نمایش در می آمد ما آن را در سینما تاج یا سینماهای مناطق نفت خیز دیده بودیم. امروز دیگر این سینمای بی نظیر در خاورمیانه نامش تاج نیست بلکه به سینمای نفت تغییر نام پیدا کرده است.

## بختیاری ها

عشایر بختیاری به دو ایل بزرگ تقسیم می شوند. ایل چهار لنگ و ایل هفت لنگ. هر ایل شامل چندین طایفه است. بزرگان هر ایل را ایلخانی می گویند. دنباله مطلب در صفحه ۵۵



## گبریل جک وکیل متخصص امور مهاجرت

## Gabriel Jack Immigration Attorney

Gabriel earned his Bachelor of Arts degree from Sonoma State University in 1995 & his Juris Doctorate from The University of Pacific's McGeorge School of Law, in 2000.

## با همکاری مترجم فارسی زبان از دفتر خدمات بین المللی

- ♦ Business & Investment Visa
- ♦ Employment Based Green Card
- ♦ Family-Based Green Card
- ♦ Deportation & Asylum
- ♦ Citizenship & Naturalization
- ♦ Fiance Visa
- ♦ Tourist Visa
- ♦ Student Visa
- ♦ Entertainment Visa



- ♦ ویزای کار و سرمایه گذاری
- ♦ کارت سبز از طریق کارفرما
- ♦ کارت سبز از طریق خانواده
- ♦ پناهندگی و اخراج از آمریکا
- ♦ تابعیت
- ♦ ویزای نامزدی
- ♦ ویزای توریستی
- ♦ ویزای تحصیلی
- ♦ ویزای مخصوص هنرمندان

Phone: (408) 909-9060 ♦ Toll Free: (888) 350-9060 ♦ Fax: (408) 503-0040

900 S. Winchester Blvd. #6, San Jose, CA 95128

و می برد و مغروقتان می کند. و وقتی از استاد صاحب نظر، صاحب دل خوش محضر پرسیدیم که: - پس چرا این روزها کلاس مولانا و حافظ آنقدر زیاد شده و حتی اجنبی ها ادعا می کنند که با دف و داریه و رومی خواندن از جهان سفلی به عالم علوی می روند، استاد باز هم به ریشخند فرمود: - برای اینکه با این دو بزرگوار می شود دکان باز کرد. منتهی با مولانا می شود سوپر مارکت داشت که در آن همه جور جنسی از خمیر دندان تا شکلات کشی می توان پیدا کرد و لاجرم از خانم «مادونا» تا آقای «جروم کلینتون» مشتری آن هستند اما با حافظ فقط باید بوتیک وا کرد تا ملانک در آن فر شش ماهه بزنند.

و سپس غش غش خندید و فرمود: - سوپر مارکت مولانا و بوتیک حافظ مد روز است آقا، خوشحال باشید آقا... خوشحال باشید، دلتان شور نزند. دیده ام که اعلام می کنند در شش جلسه مولانا را درس می دهند و در سه جلسه حافظ را خلاصه می کنند. عیبی ندارد شما در مملکت بیزنس زندگی می کنید. بگذارید یک دسته هم از راه سوپرمارکت و بوتیک ارتزاق کنند.

معطل شد و ما هنوز کتابچه های آن کلاس را که از ۲۵۰ صفحه متجاوز است، داریم.» استاد ادامه داد که: این تازه حافظ است که جمع و جور است و با چهار صد و اندی غزل قابل دستیابی و دسترسی است وای بر وقتی که به مولانا و دیوان کبیر بپردازیم که بیش از سه هزار و پانصد غزل شوریدگی و آشفته سری دارد که ترا نخوانده مست می کند و می بردت به جایی که لامکان در نزد آن، مکانی محدود است.

**بیا ساقی می ما را بگردان**  
**بدان می این قضاها را بگردان**  
**قضا خواهی که از باده بگردد**  
**شراب پاک بالا را بگردان**  
و استاد ادامه داد که:

- دیوان کبیر مولانا که خدمتتان هست. - بله، مرحمت فرمودید و چند سال پیش برایم فرستادید. - استاد بدیع الزمان فروزانفر می فرمود این دیوان نیست اقبانوس است. و ما باز به یاد آوردیم که روزی استاد فروزانفر در کلاس درس به ما گفت: - چون سواد فهم مثنوی در خدمتتان نیست زنهار به دیوان کبیر نزدیک نشوید زیرا که شما را در خود می پیچد

## یادداشت‌های بی تاریخ

صدرالدین الهی



## سوپر مارکت مولانا و بوتیک حافظ

شنود. شعر آنها را هر کس هر طور که بخواهد می تواند تعبیر و تفسیر کند و به دیگران ارائه دهد. در سال هایی که ما جوان بودیم و در محضر حضرت ادیب تلمذ می کردیم ایشان می فرمودند اولاً نه به دیوان شمس و نه به کتاب خواجه بی وضو دست نبرید چون العیاذ بالله کلام آنها از جنس کلام خداست. ثانیاً این دو شاعر را با معلم بخوانید. گلستان را پیش ملا باجی خوانده اید چون شیخ فارسی حرف می زند و فردوسی را در قهوه خانه شنیده اید و در زورخانه به آن تعظیم کرده اید چون عطوفت پهلوانی و خدایگانی دارد. اما مولانا و حافظ را باید با معلمی خواند که آن معلم خود پیش معلم دیوانشان را خوانده باشد.

استاد فرمود که مرحوم ادیب می گفت: «استاد من یک بار شش ماهی در کار تفسیر این غزل حافظ بود که می گوید:

**عکس روی تو چو در آینه جام افتاد**  
**عارف از خنده می در طمع خام افتاد**  
**اینهمه عکس می و نقش مخالف که نمود**  
**یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد**  
و این بنده به یاد آوردم که در سال سوم دانشکده ادبیات کلاس ما از مرحوم دکتر معین خواهش کردیم که نیم سالی حافظ برایمان بخواند و تفسیر کند. از آن کلاس، مهرداد بهار و حمید محامدی رفته اند و عمر بدرالزمان قریب و مسعود فقیه و مهین صنیع دراز باد که همه از کرده پشیمان شدیم چون معین شش ماه تمام روی غزل:

**سال ها دل طلب جام جم از ما می کرد**  
**آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد**

در محضر استادی صاحب نظر، صاحب دل و خوش محضر صحبت از این بود که چقدر حلقه های درس مولانا شناسی و جرگه های تجزیه و تحلیل حافظ زیاد شده است. در هر شهری که می روی استادی، بچه استادی، جوجه استادی دکانی دارد که در آن متاع

شعر فارسی را عرضه می کند و مشتریانی دارد که سر از پا نشناخته به نزد او می روند تا از خرمن دانشش خوشه برچینند. از حضرت ایشان پرسیدم: «چرا مولانا و حافظ در این سال ها گل کرده اند؟» با ریشخندی که خاص استاد است فرمودند: «برای اینکه این دو شاعر قدر اول ادب فارسی قابل این هستند که بشود به نامشان دکان باز کرد.

- یعنی چه؟

- یعنی اینکه فردوسی زبانی دارد به ارتفاع کوهستان های صعب و رسیدن به قله دریافت او پای طلب را پر آبله می کند و تازه معلوم نیست با زبان صریح و صاف و روشن او بشود دکان باز کرد. سعدی هم که به قول خود سرکار دکانی دارد در بازارچه

زندگی که اصلاً نمی توان با او سر بسر گذاشت چون هر جنسی که عرضه می کند در بسته بندی مشخص و معینی است و نه می توان مثقالی بر آن افزود و نه می شود گرمی از آن کاست. این است که ما می مانیم و مولانا و حافظ. این دو شاعر هر دو از جایی می آیند که برتر از خیال و گمان و وهم است و چون نازل می شوند، صدای دلپذیر پر فرشتگان را در کلام آنها می توانی

## حمید ابطحی

متخصص و مشاور در امور سرمایه گذاری  
خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری



Hamid Abtahi

منطقه

منطقه

منطقه

آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییرات و تحولات در امور خرید و فروش خانه و املاک، مهمترین مسئله می باشد. من می توانم شما را در این امر مهم مطلع نمایم!

**Location! Location! Location!**  
**Why Do You Pay Rent?!**

Whatever my client's goals, my goal is to make it happen.  
I am an expert seeking to add value to your next transaction.

hamid@true-vision.com F DRE# 01071456



(408)366-2180 F (408)253-5100

12376 Saratoga Sunnyvale Rd. Saratoga, CA. 95070

Notary  
Public

(408) 909-9060

By Appointment Only

## پنج مورد که نباید هرگز برای Collection Agency آشکار کنید!

آرش زاد

کارشناس-دارای بورد تخصصی تعمیر اعتباری  
arash@zenithfg.com



موارد خاص را که باید از گفتن آن تا پایان مکالمه با کالکشن اجنسی ها جلوگیری کنید، مطرح کنیم.

### Collection Agency ها می خواهند اطلاعات شخصی شما را دریافت کنند

یکی از اولین مواردی که ممکن است متوجه شوید این است که هنگامی که تماسی از یک کالکشن اجنسی با شما گرفته می شود آنها می خواهند تعداد زیادی سوال از شما بپرسند. آنها حتی از شما می خواهند که اطلاعات شخصی و یا مورد دیگری را به آنها بگویند. در دام نیفتید، ساکت باشید و به آنها بگویند درخواست شان را در نامه ای برایتان ارسال کنند.

اولین چیزی که باید بدانید این است که هرگز هیچ گونه اطلاعات شخصی را در اختیار آنها قرار ندهید. منظور از اطلاعات شخصی، هر چیزی است که نمی خواهید یک غریبه بداند. این امر به ویژه شامل مکانی است که در آن مشغول به کار هستید. **دنباله مطلب در صفحه ۵۳**

ما در شرکت زینت، سال ها هست که در برنامه های رادیویی و تلویزیونی در مورد خطرات ناشی از صحبت با کالکشن اجنسی ها برنامه های آموزشی داریم، و تماس های زیادی از طرف بینندگان و شنوندگان برای مشکلاتی که با کالکشن اجنسی ها دارند دریافت می کنیم. قبلا مطلبی منتشر کردیم در مورد مصاحبه ای که با یک کالکشن اجنسی انجام شده و این کالکشن اجنسی اسرار کارشان را با ما در میان گذاشته است. اگر شما نیز می خواهید بدانید که سیستم کاری کالکشن اجنسی ها چقدر می تواند به ضرر شما باشد، می توانید این مصاحبه را بخوانید. کالکشن اجنسی ها تنها به یک مورد اهمیت می دهند و آن این است که شما را وادار به پرداخت بدهی تان کنند تا بتوانند چک کمیسون خود را دریافت کنند. به طور کلی شما نباید با کالکشن اجنسی از طریق تلفن ارتباط برقرار کنید. ما در این مقاله قصد داریم تا برخی از

## چگونه یک Repossession را از کردیت ریپورت خود حذف کنید!

مانی حاتمی

کارشناس-دارای بورد تخصصی تعمیر اعتباری  
mani@zenithfg.com



### آیا Repossession می تواند از روی کردیت ریپورت حذف شود؟

شما زمانی که می خواهید Repossession را از گزارش کردیت خود از بین ببرید چند گزینه دارید. شما هم می توانید خودتان اقدام به حذف آن کنید و یا می توانید از یک تیم حرفه ای برای حذف Repossession که بروی کردیت ریپورت شما بوجود آمده است. اگر شما خودتان می خواهید اقدام به حذف Repossession کنید، چند راه در این مورد وجود دارد.

**برای پرداخت های جدید مذاکره کنید**  
اولین گزینه این است که اقدام به مذاکره با کسی که به شما وام داده است کنید. معمولا یک بانک و یا یکی از وام دهندگان بزرگ است که معمولا به نمایندگی این کار را انجام می دهد. هدف مذاکره کردن این است که درباره یک طرح بازپرداخت صحبت کنید که شما توانایی مالی آن را داشته باشید. **دنباله مطلب در صفحه ۵۶**

هنگامی که پرداخت یک وام خودرو را متوقف می کنید، بانک ممکن است عمل Repossession خودرو را انجام دهد. این کار می تواند به دو روش انجام شود. شما می توانید به طور داوطلبانه خودرو را تسلیم کنید و یا بانک به سادگی می تواند آن را از شما بگیرد. در واقع، در بسیاری از موارد حتی لازم نیست به شما اعلام کنند که آنها در حال گرفتن خودرو هستند. هنگامی که ماشین شما به تصرف آنها دربیاید، روی امتیاز کردیت تان تاثیر منفی می گذارد. تاثیر این حساب منفی میتواند بسیار قابل توجه باشد و امتیاز کردیت تان به حد زیادی کاهش دهد! مهمتر از همه، اگر بانک از شما برای تفاوت بین ارزش خودرو و مبلغی که بدهکار هستید شکایت کند، این نیز می تواند به عنوان یک Judgment علیه شما بروی کردیت ریپورت شما قرار گیرد که باعث می شود امتیاز کردیت تان باز هم بیشتر صدمه ببیند.

## دفتر خدمات اجتماعی ایرانیان

با مدیریت آذر نصیری

با سال ها تجربه، سرعت عمل،  
و دقت، شما را یاری می دهیم!

Azar Nassiri

Non-Attorney



### خدمات سوشیال سکیوریتی

**Iranian  
Services**

- ♦ مدیر و مدیکل
- ♦ سوشیال سکیوریتی (SSI)
- ♦ دریافت حقوق و مزایای دولتی (CAPI)
- ♦ دریافت حقوق پرستار
- ♦ دریافت حقوق بازنشستگی
- ♦ مصاحبه های سالانه سوشیال سکیوریتی
- ♦ انجام درخواست تجدید نظر در امور سوشیال سکیوریتی (Appeal)

در سراسر بی اریا

(408) 348-2595 F (925) 998-5340 F (415) 446-8682

Fax: (408) 247-5006

920 Saratoga Ave. #215, San Jose, CA 95129

## کنسرت ترانه های خاطره انگیز

SONGS OF  
NOSTALGIA

NASSER SABOURI  
KEN HABIB  
AZADEH NEMAT-GORGANI  
NEEMA HEKMAT  
NARIMAN ASSADI  
FATHI ALJARRAH  
FAISAL ZEDAN

BPM, JULY 28, 2018.

CONCERT + WINE RECEPTION

Finn Center, Mountain View, CA  
\$60 general admission  
songsfnostalgiabrownpapertickets.com



نمی آید. خصوصاً در سرایشب سالخوردگی و تنهایی و دست تنگی در بیابان برهوت دور افتاده. آه که چقدر پیری و بازنشستگی در وطن شیرین و خوش می گذشت و تا چه حد آرام و فراهم. بزرگترها طفیلی و مزاحم و بی شعور در انزوا نفس نمی کشیدند و مرکز ثقل و عقل خانه و خاندان احترام داشتند. چه ناگوار است قانون و قرار این کشور بی در و پیکر و چه دردناک می شود دور انداخته شدن گوشه خانه سالمندان. فقرا در یک شهر غریب و این احساس انگل شدن و ناتوانی و بی مصرفی نفس را بریدن هر چند ممد حیات باشد که دیگر با کیفیت طفیل شمردن آدمیزاد را از رغبت دور می کند. آنها که ماندند، دار و ندار را فدای طمع فرزندان آمریکا نشین کردند، مطلقاً وضع آبرومندتری دارند و اواخر عمر را راحت تر به پایان می برند. در خانه خود، شهر خود، وطن خود، کس و کار خود و بسیاری مزایای ایرانی بودن خود بدون احساس خفت پیری و درماندگی نفس تازه می کنند و در کنج خاک غیر از تنگی نفس هم نمی هراسند. در این «دار مکافات» با نفس و بی نفس در هر صورت ناگوار است و بهای نفس چه بسیار بیش از وسع ما از پا افتادگان طفیلی. روح شاد شاعر بزرگوار، شیراز کجا و ما کجا.

ای که ایران آباد بود و هوا پاکیزه، خانواده ها پزشک خانوادگی داشتند که با یک خبر می آمد، می نشست، وقت صرف می کرد، بیمار را دلداری می داد و خلاصه مایه امید بود و مژده بهبودی و خوش خبری. چه می شود گفت، آمدیم و عجلتاً نفس به زحمت می کشیم چرا که اینجا ملک جوانان است و خرج دلار که ما از هر دو امتیاز بی بهره ایم و سالمندی دستمایه تفریح و اسباب مضحکه. چرا آمدیم نمی دانم که چهل سال رفت و ندانستیم چرا. آنها که ماندند راضی ترند. حداقل در موارد نیاز در و همسایه ای هست و آشنائی. در این جنگل که اولاد را فراری می دهند سایر بستگی ها منتفی، ما هم انتظاری نداریم. بدون دلبستگی، دوستی و مودت و شاید امید مختصری انسانیت که خیر. غریبه ایم و ناچار پناهنده. نفسی می کشیم و همان کافی که راکبان دست و مالیات نمی گیرد. گرچه در هر گام بدهکاری و نفس کش که به فرموده سعدی زندگی بخش است و واسطه بودن با درک اهمیت نفس و کیفیت نفس عمیق صبحگاهی که آرامش بخش است و موجب سلامت جان و تن. می توان اذعان نمود که تنها با نفس کشیدن نتوان بار سنگین زنده بودن این دوران ناهنجار را سبک کرد و به دوش خسته کشید، آنهم در خاک بیگانه که حکم طفیل داری و به حساب

## از درگوشی ها

به قلم پیرایه

استاد سخن، سرلوحه عالم معانی، سعدی در گلستانش که الحق گلزار نظم و نثر ادب پارسی است در ابتدای باب اول با سرآغاز نیایش می فرماید: هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است و چون بر می آید مفرح ذات، پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر «واجب». ما هم نفس می کشیم و شکر گزاریم که نفس بهتر از بی نفسی است. در عین حال گرچه اینجا هوا تا حدودی پاک تر و سبک تر است، نفس کشیدن در غربت مشکل تر و سنگین تر می گذرد.

چه کنیم، هوا هم مال ما نیست. ما سالخوردگان فراری اینجا از هر جهت غریبه ایم. هیچ چیز هم مال ما نیست. در حاشیه زندگی می لولیم و دلمان خوش است که هنوز نفس می کشیم و هوای بیگانه را می بلعیم. غافل که در این دیار بی بنیاد بازپچه نیرنگ های سیاسی و جذب افسون دلار دور خودمان می چرخیم و ادای زندگی و زنده بودن در می آوریم. اگر این چنین بی خانمان



**Poline Maiel** NMLS #844344  
polin.miles@usbank.com

## پولین مایل

متخصص و مشاور انواع وام ها با بیش از ۲۵ سال تجربه

*I am committed to provide you with  
the best service & help in every step of the way*



بهترین نرخ وام، متناسب با شرایط شما، با سرویس سریع و مطمئن از یکی از معتبرترین بانک های آمریکا

- \* Wide Variety of programs to fit your needs
- \* Conventional & Portfolio Programs
- \* Self-Employed Borrower Programs
- \* Lot/Land Programs

- \* New Home Purchase Loan Options
- \* Pre- Approvals & Purchases
- \* Refinance Loan Options
- \* Fast Closing

**Let my knowledge & experience work for you!**

**(408) 561-5770**

برای اطلاعات بیشتر و یا تعیین وقت قبلی، لطفاً با من تماس بگیرید!

1480 W. Campbell Ave., Campbell, CA 95008



اشیاء و افراد داخل اطاق مربوط می سازد. رابط معروف قرن نوزدهم دانیل داگلاس هوم «D.D.Hum» همراه با کارهای برجسته دیگر می توانست در یک اطاق بنشیند و در اطاق دیگر جریان گاز را خاموش کند. و این کار را با یک دست جدا از بدن انجام می داد.

اگرچه ممکن است بسیاری از افراد به دلیل عدم آگاهی و نداشتن اطلاعات درست و نداشتن علاقه به مطالعه مسائل فراوانشناسی منکر وجود پدیده های مربوط به توانائی های روحی افراد باشند که نتیجه نبودن علاقه و نداشتن اطلاعات کافی در خصوص مسائل پارانرمال است زیرا به نظر من علائق و استعدادها نشانگر درجات کمالی افراد است. آن کس که زندگی را فقط در خور و خواب و خشم و شهوت تلقی می کند مسلم است در مرز حیوانیت و انسان زیست می کند، هنوز لیاقت اطلاق صفت انسان بودن را ندارد. من معتقدم که آدمها را از لحاظ خصوصیات اخلاقی می توان به حیوانات تشبیه کرد. صرفنظر از خصوصیات اخلاقی چنین آدم های ابتدایی در بسیاری از موارد چهره انسانهای این رده کاملا شبیه حیوان خاصی است که نشانگر وجود خصوصیات آن حیوان در چنین آدمی است. دنباله مطلب در صفحه ۵۳

و بر روی قوطی کبریت، نمک پاش، لیوان و اشیاء دیگر به آهستگی پاس می دهد و آنها را به حرکت در می آورد. بعضی اوقات که لیوان پر از آب است و حرکت می کند آب بیحرکت است.

قبل از نشان دادن این پدیده نلیا با تمرین بر روی سوزن قطب نما خود را گرم می کند و آماده می شود. هرچند که بعضی ایشان را متهم به تقلب کردند اما دانشمندان روسی و آمریکایی مدرکی دال بر تقلب او پیدا نکردند. خود او گفته است در هنگام عمل «P.K» احساس می کنم ضرباتی از سولارپلکزوس شروع می شود و از ستون مهره ها بطرف سرم بالا می آید.

### چه کسی اشیاء را با قدرت روحی تکان می دهد؟

یک سایکیک لهستانی بنام «مل استایی سالواتامزیک» دستهایش را در طرفین شی قرار می دهد و شی حرکت می کند و بالا می آید و در هوا بدون هیچ تکیه گاهی شناور می شود. دکتر جولیان اوکرویکیز که او را هیپنوتیزم کرده بود گفته است «او می تواند یک نخ روحی یا خط نیرو را در فضا احساس کند هنگامی که دست هایش را تکان می دهد. زمانی که دست ها را دور می کند و فاصله می دهد این نخ یا خط نیرو فاز کمتر می شود» آزمایش دیگر نشان داده که نخ های ظریفی مدیوم ها را به



### سایکوکینسیس Psychokinesis

اثر فکر بر اشیاء را بطور اختصار «P.K» می نامند و آن قدرتی است فکری که سبب تغییر در اجزاء اشیاء، جان دادن و بیجان کردن و انتقال اشیاء از مکانی به مکان دیگر می شود، مانند خواستن شماره خاصی از دایس (طاس تخته نرد) یا انداختن تصویر ذهنی بر روی فیلم داخل دوربین. یک تئوری وجود دارد که ذهن انسان و حیوان بصورت سایکوکینسیس می تواند بر روی حوادث آینده اثر بگذارد، اما دلیل قاطعی بر اثبات آن وجود نداشته اما خیلی از فراوانشناسان در روسیه بر این باور بوده اند که ذهن انسان می تواند ضربه های الکتریکی یا مغناطیسی به فضا پرتاب کند. هر نیرویی که بتواند بدون لمس اشیاء را حرکت دهد یا اعمال «P.K» را سبب شود ممکن است همان نیرویی باشد که در تله پاتی، روشن بینی و مسائل دیگر پارانرمال عمل می کند.

**با قدرت ذهن اشیاء را حرکت دادن**  
خانم نلیا میخائیلوف پشت میز می نشیند

دانشجوی نوزده ساله چنین نوشته بود: انتظار دارم روز دوشنبه آینده در صفحه اول روزنامه «نیوز اند ایزرور آف رالی» این عنوان را بخوانم: در برخورد دو جمبوجت در فرودگاه سانتا کروز ۵۸۳ نفر کشته شدند، بزرگترین فاجعه تاریخ هواپیمایی. در واقع روزنامه فوق به دنبال برخورد دو جمبوجت در فرودگاه سانتا کروز با این عنوان منتشر شد (در سانحه ناشی از مه غلیظ ۵۳۰ نفر کشته شدند). این روزنامه زیر این عنوان چنین نوشت: «بزرگترین فاجعه تاریخ هواپیمایی.»

بدین ترتیب لی فراید در پیش بینی خود تعداد کشته شدگان را بیشتر از گزارش های اولیه مربوط به فاجعه اعلام کرده بود. در فاجعه سانتا کروز بیش از ۵۷۰ نفر کشته شدند. لی فراید که با حیرت فوق العاده اطراف خود روبرو شده بود، گفت: «چقدر دلم می خواست که مثل پاره ای از موارد گذشته در مورد این پیش بینی اشتباه می کردم.»

## S & S Tire And Auto Repair

### Complete Automotive Repair Service



Family Owned & Operated

**Oil Change Special**  
**Get \$5 OFF on**  
**Regular Oil Change**

**Oil Change Special**  
**Get \$10 OFF**  
**Synthetic Oil Change**

For Scheduled Maintenance & any other information please visit our website at  
[www.sstireandautorepair.com](http://www.sstireandautorepair.com)

Established in 1996

(408)738-1960  
597 S. Murphy Ave. Sunnyvale, CA 94086

We Are #1

همه دارایی های کشور را. بدهی خارجی کشور به یکصد و بیست و چهار میلیارد دلار رسیده است. هیچ سرمایه گذار خارجی دیگر قدم به آنجا نمی گذارد. سالهاست که خشتی روی خشت گذاشته نشده است. فقر و بیکاری در هر گوشه و کنار خرناسه می کشد. آدمیان گویی مسخ شده اند.

روزی در یک کتابفروشی، یک نویسنده آرژانتینی با زبان انگلیسی بسیار فصیحی برآیم از مصیبتی که بر آدمیان رفته است سخن میگوید. از تیر باران های پیدا و پنهان. از ناپدید شدن پدران و پسران و دختران و دخترکان. از عقاب جوری که سال های سال بر سراسر آن سرزمین بال گسترده بود. از زندان های مخوف و از مرگ و ترس و بیداد می گوید: «اکنون دیگر برای آدمیان این آب و خاک بلا زده فرقی نمی کند چه کسی سکان کشتی قدرت را بدست گرفته است. فرقی نمی کند آنکه رییس جمهور است چه است، راست است یا میانه. یگانه آرزوی شان این است نانی بر سفره خود و پای افزاری برای پاهای خسته و خونین خویش بیابند. برای این آدمیان دیگر تفاوتی بین هیتلر و موسولینی و گاندی و دوگل و چرچیل و پرون نیست. ما نان می خواهیم، نان. و این یگانه آرزوی ماست.»

آیا ایران امروز را در آینه آرژانتین می بینید؟

«دلار...دلار.» دلار می خردند و دلار می فروشدند. فقط دلار. می خواهیم چند ده دلاری به پزو تبدیل کنیم. قیمت دلار را نمی دانیم. می رویم صرافی. صد دلار می دهیم. صد پزو می شمارد و به ما می دهد. به خیالمان می آیم. یکی از آن دلار فروشان به ما نزدیک می شود و می گوید: «دلار...»

دلار... با زبان بی زبانی می پرسیم: «دلار چند؟» می گوید: «صد دلار دویست پزو!» می بینیم در همان قدم اول صد پزو سرمان کلاه رفته است. چاره ای نیست. تجربه نا خوشایندی است. تلخ هم هست.

از فردا چشم های مان باز تر می شود. احتیاط می کنیم. می ترسیم. نگرانیم. دلهره امان مان را بریده است. تورم بیداد می کند. قیمت ها ساعت به ساعت افزایش پیدا می کنند. دخترکم، آلم، شیر می خواهد. یک قوطی شیر امروز یک پزو است، فردا دو پزو. پس فردا چهار پزو و پسین فردا دوازده پزو. دیگر کسی با پول ملی معامله نمی کند. همه جا دلار. همه چیز با دلار.

کارمندان و کارگران و مزد بگیران همین که حقوق شان را می گیرند به خیابان می آیند و پول شان را به دلار تبدیل می کنند. پول ملی هیچ ارزش و بهایی ندارد.

نظامیان کودتا گر، چند سالی از کشته ها پشته ساخته اند. کشته اند و سوخته اند و چپاول کرده اند. همه دار و ندار ملت را.



دلار...دلار...

(از داستان های بوینوس آیرس)

به فتوای کاردینال کلیسای کاتولیک. همین مردی که امروز پاپ اعظم است. عالیجناب فرانسیس.

می گفتند اجساد کشتگان را به دریا می ریخته اند. راست و دروغش را نمی دانم. زنان عزادار، صبح و عصر، حوالی کاخ ریاست جمهوری با عکس هایی از فرزندان و پدران و برادران خود رژه می رفتند. می خواستند بدانند چه بر سر عزیزان شان آمده است. یکی دو روزی خسته و گیج و مات هستیم. در خواب و بیداری. نوعی خلسه آمیخته به دلهره و نگرانی و اینکه فردا چه خواهد شد؟ و اوای از این فرداها. از این فرداهای ناپیدا.

می آیم به خیابان. خیابان ریوا دا ویا. خیابانی دراز با ساختمان های سنگی. عظیم. زیبا. یادگار روزگاران شکوه. روزگاران که آرژانتین یکی از معدود کشورهای ثروتمند جهان بود. اینجا و آنجا، مردانی کیفی بر دوش، بالا و پایین می روند. نزدیک می شوند و زیر گوش مان زمزمه می کنند:

اول پاییز بود. سی و پنج سال پیش. از زمستان بی بهار وطن مان می گریختیم. در تهران سوار هواپیما شدیم. با موجی از ترس و دلهره. مقصد: بوینوس آیرس سی و چند ساعت در راه بودیم، با توفقی کوتاه در فرانکفورت و توفقی کوتاه تر در ریو دو ژانیرو. رسیدیم بوینوس آیرس. اولین روز بهار بود. سی و چند ساعته دو فصل را پشت سر نهاده بودیم. از پاییز به بهار رسیده بودیم.

آنجا، در آن سرزمین شگفت، حکومت سیاه نظامیان به آخر خط رسیده و یک حکومت نیم بند غیر نظامی قدرت را به دست گرفته بود. کشور از خواب خونین آشفته ای بیدار شده بود. رمقی بر تن نداشت. بیمار و علیل و وامانده.

ده ها هزار زن و مرد و کودک و پیر و جوان به کام مرگ رفته بودند. نا پدید شده بودند. تیر باران شده بودند. البته



## دفتر خدمات بین المللی

Office of International Services



قبول وکالت در کلیه امور حقوقی در دادگاه های ایران با همکاری **دکتر جمیله زنده نام** وکیل پایه یک دادگستری ایران

فارغ التحصیل حقوق از ایران و آمریکا و کارشناس قوانین ایران در دادگاه های آمریکا

دارای بیش از ۳۵ سال سابقه در امور حقوقی داخلی ایران و بین المللی

**ارائه خدمات حقوقی در ایران، از طریق دفتر حقوقی ما در تهران و وکلای همکار خواهد بود**

- ◆ Legal Consultation
- ◆ Real Estate
- ◆ Family Law
- ◆ Business Law
- ◆ Wills & Probate
- ◆ Contracts & Power of Attorney
- ◆ Retirement Pension
- ◆ Expert Witness
- ◆ Handle all issues & due diligence relating to the Interests Section of Iran

- ◆ مشاوره حضوری
- ◆ طرح دعاوی ملکی علیه اشخاص و نهادهای دولتی
- ◆ امور خانوادگی، ازدواج و طلاق
- ◆ امور تجاری، بازرگانی و ثبت شرکت ها
- ◆ تنظیم وصیت نامه و انحصار وراثت
- ◆ تنظیم انواع قرارداد و وکالتنامه
- ◆ برقراری حقوق بازنشستگی و مستمری
- ◆ کارشناس قوانین ایران در دادگاه های آمریکا
- ◆ انجام کلیه امور مربوط به دفتر حفاظت منافع ایران

Phone: (408) 909-9060 ◆ Toll Free: (888) 350-9060 ◆ Fax: (408) 503-0040

900 S. Winchester Blvd. #6, San Jose, CA 95128

اثرات جانبی منوکلونال آنتی بادی ها شبیه واکنش های آلرژیک را هستند و بستگی به بیمار و روش استفاده متفاوت هستند. **ایمینوترابی غیراختصاصی:** این تکنیک ها روش های کمکی بوده و هنگام و یا بعد از روش های درمانی دیگر نظیر شیمی درمانی و یا پرتودرمانی استفاده شده و سیستم ایمنی بدن را تقویت می کنند و یک روش کلی و غیراختصاصی هستند و در همه نوع درمان های سرطان به دو طریق استفاده می شوند.

**A- مصرف Interferon** که به سیستم ایمنی کمک می کنند.

**B- مصرف Interleukin** که در سرطان های کلیه و پوست استفاده می شوند. عوارض جانبی این دو ماده پائین افتادن فشارخون و اضافه وزن می باشد. بعضی بیماران عوارضی شبیه فلوز او خود نشان می دهند.

**درمان تومورهای سرطانی با ویروس های بخصوص (Oncolytic Virus Therapy):** این جدیدترین روش

ایمینوترابی است که در بعضی از انواع سرطان بسیار موثر بوده است. ویروس های غیربیماری زا (Non-Pathogenic) بخصوصی را در آزمایشگاه تغییر ژنتیکی داده که بوسیله پزشکان در داخل تومور ها تزریق می شوند. **دنباله مطلب در صفحه ۵۴**

**منوکلونال آنتی بادی (Monoclonal Antibody):** زمانیکه باکتری ها و ویروس ها به بدن انسان وارد می شوند، سیستم ایمنی آنها را شناسائی کرده و از بین می برد. این کار بوسیله پروتئین هایی انجام می گیرد که به آنها آنتی بادی می گویند. در چندین سال گذشته این آنتی بادی ها شناسایی شده و در آزمایشگاه ساخته می شوند و به بدن انسان تزریق می کنند. به اینها منوکلونال آنتی بادی می گویند که به راه های گوناگون مورد استفاده قرار می گیرند. بعنوان مثال این پروتئین ها می توانند ساختن یک ماده در سلول های سرطانی را متوقف کرده و باعث مرگ آن شوند یا اینکه به سلول های سرطانی متصل شده و با علامت دادن (signal) سیستم ایمنی بدن را آگاه کرده تا آنها را از بین ببرد. سیستم ایمنی بدن انسان سلول های آشنا (خودی) را از سلول های غیرآشنا (غیرخودی) تشخیص می دهد و هر سلول مخرب را نابود می کند و رشد سلول های سرطانی را متوقف می کند. در حال حاضر شش منوکلونال آنتی بادی به تصویب FDA رسیده است تمام آنها با کلمه MAB ختم می شوند. مثال (Infliximab).



## ایمینوترابی Immunotherapy

های سرطانی. **۲- متوقف کردن و پخش شدن بیماری به قسمت های دیگر بدن.**

**۳- کمک به سیستم ایمنی که خود این سیستم علیه سلول های سرطانی بجنگد.**

### انواع ایمینوترابی

در حال حاضر پنج روش ایمینوترابی وجود دارند که بستگی به نوع بیماری و موقعیت بیمار توسط متخصصین سرطان استفاده می شدند.

**۱- منوکلونال آنتی بادی.**

**۲- ایمینوترابی غیراختصاصی.**

**۳- استفاده از ویروس های مخصوص جهت درمان.**

**۴- روش درمان با سلول های T-Cells T**

**۵- واکسن سرطان**

اکنون هرکدام این روش ها را توضیح بیشتری خواهم داد.

ایمینوترابی یک روش درمان بیماری سرطان بوده که اخیراً مورد توجه فراوان قرار گرفته و در این باره بطور کلی سخنی پیرامون این موضوع مهم خواهیم داشت. اصول این روش بر پایه تقویت و یا بالابردن قدرت سیستم ایمنی بدن می باشد. در این صورت این سیستم نه تنها با عوامل خارجی که به بدن آسیب می رسانند نظیر باکتری ها و ویروس ها بلکه عواملی نظیر سلول های سرطانی خواهد جنگید. در روش ایمینوترابی یا از مواد داخلی بدن استفاده شده و یا اینکه پروتئین هایی در آزمایشگاه طبی ساخته و به بدن تزریق می کنند تا قدرت مقابله بدن انسان را بالا برده و با عوامل بیماری مقابله کند. در حال حاضر این درمان، به سه روش و یا اصول پایه ریزی شده است. **۱- توقف و یا آهسته کردن رشد سلول**

## Siamak Jastan

خواننده پر شور و پر هیجان با سال ها تجربه و سابقه ای درخشان با گروه اختصاصی خود و دی جی آماده برگزاری جشن، عروسی و نامزدی

با آهنگ های بین المللی برای مهمانان غیر ایرانی

سیامک  
جستان

برای گرفتن اطلاعات بیشتر لطفاً با ما تماس بگیرید!

(650) 520-6091





# سوپر مارکت اطمینان درمحل جدید، افتتاح شد

میوه و سبزیجات      انواع برنج و حبوبات      وسایل آشپزخانه و کادوئی  
ادویهجات      شیرینی و آبنبات      گوشت و فرآورده های گوشتی



**1373 Kooser Rd. San Jose CA 95118**  
**(408) 622 - 6778**

شگفت انگیزی به زبان فارسی میانه و لفظ دری داشت از بهترین سرمایه های این نهضت زیرزمینی بود چون می توانست نقش بسیار مهم و موثری را در تصنیف و توزیع شب نامه ها و رساله های فلسفی و عرفانی و آزادیخواهی مبتنی بر افکار ایرانی و چگونگی برتری آن بر فرهنگ جاهلی عرب ایفا نماید. معاشرت با سایر اعضاء انجمن باعث شد که فردوسی زبان پهلوی را نیز بیاموزد و از کمک های مالی و معنوی سایر اعضاء در کار تالیف شاهنامه برخوردار شود. فردوسی از شاهنامه ابومنصوری که به نثر فارسی دری بود و سایر خداینامه ها و نیز کارنامه اردشیر بابکان و داستان بهرام چوبین برای تالیف شاهنامه کمک گرفت و پس از آشنایی و مرور در شاهنامه دقیقی که شاعر جوان مرگ آن فقط فرصت یافته بود هزار بیت از آن را بسراید، مصمم شد کار شاهنامه دقیقی را دنبال کند و با بهره وری از استقامت روحی و توان شعری فوق العاده ای که داشت به خلق این شاهکار بی نظیر تاریخ و ادب فارسی همت گمارد و اثری را خلق کند که صاحب نظران معتقدند پرمایه ترین دفتر شعر فارسی و مهمترین سند عظمت و فصاحت این زبان است.

بسیار در مضیقه بوده است. در شصت و پنج سالگی قدرت شنوایی و بینایی اش بسیار ضعیف شده بود و از لحاظ سلامت جسم نیز وضع رضایت بخشی نداشته و در این سن کهولت زندگی اش با از دست رفتن تنها پسرش دستخوش حرمان و غم بزرگی شده است. مرثیه ای که در عزای فرزندش در شاهنامه آورده از جمله غم افزارترین داستان هاست.

در دوران جوانی به علت عشق و وفاداری به سرزمین آباء و اجدادی اش ایران که تحت اشغال و سلطه تازیان بود، به منظور مبارزه با اشغال گران به جمعیت سری زیر زمینی شعوبیه پیوست. شعوبیه یک نهضت فرهنگی- سیاسی- اجتماعی آن زمان بود که توسط عده ای از دهقانان و آزاد مردان ملی گرا که اکثرا شیعه و اهل فتوت و جوانمردی و علاقمند به تصوف و عرفان و فرهنگ ایرانی بودند در شهرهای مختلف به ویژه خراسان به طور مخفی دایر شده بود. هدف این گروه مردان مبارز رهایی ایران از چنگال تازیان و تجدید حیات اندیشه و تفکر و فرهنگ و زبان ایران باستان، حفظ و بقای هویت ایرانی و مبارزه فرهنگی- اجتماعی و سیاسی بود. فردوسی که با بهره وری از نبوغ ذاتی اش از اوان جوانی تسلط

## سیر و سفری در گلستان ادب پارسی

گردآوری و نگارش: پرویز نظامی



## فردوسی

می باشد. به هر تقدیر، چنین به نظر می آید که فردوسی در یک خانواده کشاورز در اطراف شهر طوس به دنیا آمده و خود نیز از طریق کشاورزی در املاک موروثی امرار معاش می کرده است. تحصیلات ابتدایی اش را در شهر طوس به انجام رسانید و در محفل شیخ محمود معشوق طوسی و شیخ ابوبکر طوسی با عرفان و تاریخ و شعر و ادب آشنایی پیدا کرده است. نظامی عروضی در شرحی که از زندگانی فردوسی حدود یکصد سال پس از فوت شاعر در چهار مقاله نگاشته است، می گوید فردوسی ملاک بزرگی بوده و تا شصت سالگی زندگانی بالنسبه راحتی داشته، لکن به علت اشتغال شدید در مدت حدود سی سال به کار تالیف شاهنامه تدریجا املاک کشاورزی خود را از دست داده و در پایان عمر از لحاظ مالی

حماسه سرای بزرگ ایران زمین، سراینده والامقام شاهنامه که به جرأت می توان گفت سند هویت و قومیت ملی و تاریخی ایرانیان را با سرودن حدود شصت هزار بیت رقم زده و زبان فارسی را از دل آن بیرون آورده و تجدید حیات بخشیده، حکیم ابوالقاسم فردوسی به سال ۳۲۹ هجری قمری در قریه باژ از توابع طوس به دنیا آمد و به سال ۴۱۱ هجری در سن ۸۰ سالگی چشم از جهان فروبست و به سرای جاودان شتافت. می گویند کوزه گر از کوزه شکسته آب می خورد! این ضرب المثل در مورد تاریخچه زندگانی فردوسی صدق می کند زیرا که از جزئیات زندگانی مردی که خود تاریخ کهن ایران را به رشته نظم درآورده اطلاعات دقیق و صحیحی در دست نیست. داستان هایی هم که از زندگانی او نوشته اند اکثرا ضد و نقیض

## Ali Driving & Traffic School

### کلاس های تعلیم رانندگی و ترافیک علی

برای بزرگسالان و نوجوانان

We Offer a Complete Course in Drivers' Education & Training with Professional Instructors

- ◆ Driving
- ◆ Training
- ◆ Traffic School
- ◆ Drivers Education
- ◆ Seniors, Teens & Adults
- ◆ Free Home & School Pickup
- ◆ Hiring & Training Instructors

Safe Driving  
Saves Lives



Safety is our most  
important concern

Licensed & Bonded

افرادی که جریمه رانندگی دریافت کرده اند می توانند در مدرسه ما شرکت کرده و امتحان خود را به راحتی قبول شوند. این کلاس ها به زبان فارسی نیز عرضه می گردد

آموزش رانندگی توسط کادری مجرب و حرفه ای

(408)370-9696 ◆ (408)394-5249

## ارایه خدمات مهاجرتی با کیفیت عالی و هزینه کم (به زبانهای فارسی و انگلیسی)



Immigration  
&  
Citizenship Services

- کسب تابعیت (سببی زن شیب)
- کارت اقامت دائم (کارت سبز)
- درخواست مهاجرت خانوادگی

■ تمدید کارت سبز

■ مجوز اشتغال

■ معافیت از پرداخت هزینه

لظا برای تعیین وقت در شمال و جنوب کالیفرنیا با اقلین طایر قابل ترمیمه

408-261-6405

818-616-3091

Pars Equality Center  
1635 The Alameda  
San Jose, CA 95126

Pars Equality Center  
4954 Van Noy Blvd, Suite 201  
Sherran Oaks, CA 91403

www.parsequalitycenter.org

A DOJ Accredited Agency

501 (c)(3) Nonprofit Organization

یا عدد شخصی شماست. اگر در جمع با ۵ عدد مجدداً دو رقمی شد دوباره با هم جمع کنید که به عدد یک رقمی برسد.

**آقایان:** عدد تک رقمی خود را از ۱۰ کم کنید. این عدد KUA شماست.

**عدد کوا = ۱ عنصر = آب**

فردی هستید میل بسیار زیاد به کار. کار کردن برای شما می تواند آرامش خوبی را رقم بزند، معمولاً میل به تک روی و تنها بودن در شما نمایان است، انعطاف پذیر هستید و همچنین باهوش، رنگ های آبی، سورمه ای و حتی مشکی رنگ های عنصر شماست.

**عدد کوا = ۲ عنصر = خاک (مهربان)**

فردی هستید عاطفی، میل به هنر، شعر و یا موسیقی در شما می تواند بیشتر باشد. عشق برای شما از اهمیت خاصی برخوردار است و افرادی دوست داشتنی و قابل اعتماد هستید.

**عدد کوا = ۳ عنصر = چوب (بهاری)**

فردی هستید فعال، معمولاً برای شروع و آغاز هر کاری انرژی خوبی دارید. ایده های بسیار عالی و خوبی در موارد گوناگون به ذهنتان می رسد و اصولاً ایده پرداز قابلی هستید. سخاوتمند هستید و رنگ سبز می تواند برای شما رنگ خوبی باشد.

دنباله مطلب در صفحه ۵۸

یعنی روز، ماه، سال و ساعت تولد. در این صورت شما می توانید متوجه شوید که کدام ناحیه از خانه برای انجام کارهای شما بهترین جا هست، همینطور می توانید عناصر، رنگ ها و سمبل های منفی را از خودتان دور کنید.

**فرض کنید:** شما عنصر آب قوی دارید ولی عنصر آتش در شما ضعیف است. در این صورت نیاز دارید عنصر آتش را در خودتان تقویت کنید که تعادل چی در زندگیتان برقرار شود. فهمیدن و به کار گیری این اصول درمان های فنگ شویی هستند.

**یافتن عنصر تولد شما:** اول باید سال تولدتان را تبدیل به میلادی کنید. تاریخ تولد هر سالی که هست با ۲۱ جمع می کنیم. دو رقم آخر سال تولد را با هم جمع می کنیم. اگر حاصل عدد دو رقمی بود هم مجدداً با هم جمع می کنیم تا به عدد یک رقمی برسیم.

**نکته:** اگر کسی سال تولدش از ۱ فروردین الی ۱۵ بهمن هست با ۲۱ جمع کنید و از ۱۶ بهمن تا آخر اسفند را با ۲۲ جمع کنید. حالا بر اساس اینکه خانم یا آقا هستید محاسبات زیر را باید انجام دهید که به یک عدد برسید. این عدد بنام KUA هست.

**خانم ها:** عدد به دست آمده را با ۵ جمع کنید. عددی که حاصل شده عدد کوا و



## فنگ شویی برای اتومبیل شخصی شما

بسیار از ما ساعتی از روز را در اتومبیل مان می گذرانیم، بنابراین وسیله نقلیه شما به یک مینی خانه تبدیل شده است. علم فنگ شویی برای همه چیز در ایجاد انرژی مفید و مثبت، در جایی که ما زمانی را در آن سپری می کنیم وجود دارد همانند منزل و محل کار. بنابراین قطعاً می توانیم علم فنگ شویی را برای بهبود انرژی در ماشین خود اعمال کنیم.

### یکسری اصول اساسی و قوانین اولیه برای اتومبیل شما وجود دارد که باید رعایت شود:

❖ داخل اتومبیل شما انباری و یا کمد لباس نیست که تمام وسایل خود را در آن نگه دارید و یا کاغذها و مقالات مربوط به محل کار خود را در صندوق عقب ماشین یا صندوق عقب بگذارید. این انباشتگی در اتومبیل باعث راکد ماندن انرژی می شود. بنابراین هر چه سریع تر اتومبیل خود را از هر گونه به هم ریختگی و انباشتگی پاکسازی کنید.

❖ شیشه های خودروی شما همیشه باید تمیز و پاک باشد. زیرا انرژی «چی» را به داخل اتومبیل دعوت می کند و حس امنیت، آرامش و آسایش را برایتان به ارمغان می آورد. بنابراین همیشه از درخشش پنجره ها مطمئن شوید.

❖ همیشه از خوشبوکننده ها و اسانس مخصوص اتومبیل استفاده کنید که هر زمان وارد ماشین می شوید بوی تازگی و بوی ماشین جدید را احساس کنید.

❖ همیشه در ابتدا چند ثانیه پنجره های اتومبیل را پایین نگه دارید تا هوای راکد داخل اتومبیل خارج شده و انرژی تازه جایگزین انرژی کهنه شود.

❖ اگر شیشه های ماشین شما دارای ترک باشد یا اطراف آن اثر تصادف یا تخریب وجود داشته باشد انرژی آن بر روی شما نیز تاثیرگذار خواهد بود. اتومبیل شما جزو دارایی های شماست و هر گونه مشکل در آن تاثیر غیرمستقیم بر روی شما خواهد داشت.

❖ اگر جلوی وسیله نقلیه خود را شمال در نظر بگیرید و صندوق عقب را جنوب، می توانید یک هشت وجهی نقشه پاکوا روی اتومبیل خود به هشت جهت (شمال، جنوب، شرق، غرب، شمال غرب، شمال شرق، جنوب غرب و جنوب شرق) داشته باشید. هر یک از این جهات دارای انرژی مخصوص به خود هستند و تاثیر خود را روی شما خواهند داشت. به عنوان مثال زمانی که بخش شمال اتومبیل شما یعنی

## پاریناز کدخدایان

مشاور با گواهینامه رسمی

راهنمایی برای بوجود آوردن آرامش بیشتر در زندگی شما و ارتباط تان با افراد دیگر در مسئله کاری و یا رابطه احساسی با استفاده از دانش کهن چینی فنگ شویی و ستاره شناسی با من تماس بگیرید



Parinaz Kadkhodayan

*Transform your environment,  
Transform your life.*

I can help you better understand & realize  
your path in life by discovering it's meaning  
& direction through your birth chart

**(650) 704-5687**

Parinazkadkhodayan@gmail.com



# idents®

## RS FOR SERIOUS INJURIES

### CAMERON YADIDI

ATTORNEY AT LAW



# No Fees

## Until We Win Your Case!

### Settlements & Verdicts



[Powerfulinjurylawyers.com](http://Powerfulinjurylawyers.com)

burg & Brock, does not warranty or guarantee the outcome of any legal matter.





# ACC

## POWERFUL LAWYER

### دکتر کامران یدیدی

### وکیل تصادفات و صدمات شدید بدنی

### نامی معتبر و شناخته شده در شرکت های بیمه



## Over \$200,000,000 Collected in S



Vehicle Accidents



Motorcycle Accident



Slip & Fall



Dog Bites

# (888) 979-7979

Powerful Injury Lawyers are subsidiaries of Law Offices of Burg & Brock. Law Offices of B

**بسته دام قفس باد چو مرغ وحشی / طایر سدره اگر در طلبت طایر نیست**  
 طایر = (مورد اول) پرنده، (مورد دوم) در حال پرواز. طایر سدره = پرنده مقربى که بر سدره می نشیند، پرنده بهشتی. [اگر مرغ بهشتی قدر تو را نداند که به سوی تو پرواز کند، (همان بهتر که با همه عزتت) چون مرغ وحشی در بند و دام گرفتار آید.]  
**منت سدره و طوبی ز پی سایه مکش / که چو خوش بنگری ای سرو روان این همه نیست**  
 [ای دوست! به خاطر حظ و بهری گذرا، حتی اگر آن نشستن در سایه سدره و طوبی باشد، منت این و آن را مکش که چون نیک بنگری ارزش آن را ندارد.]

**مرغ روحم که همی زد ز سر سدره صغیر / عاقبت دانه خال تو فکندش در دام**  
 در مصرع اول، گوینده والامقام خود را به مرغ بهشتی تشبیه کرده که بر شاخ درخت بهشتی نشسته است. بیت به داستان آدم و حوا و گندم خوردن و رانده شدن آنان از بهشت اشاره دارد. صغیر = بانگ و آواز. خال و دام کنایه از دانه گندم و اسارت در دنیای خاکی است. [مرغ آزاد و بلندپروازی بودم، ولی سرانجام فریب خوردم و اسیر عشق تو شدم.]

## خار مغیلان

مُغیلان یا اُمُغیلان به معنای مادر غولها درختچه یا بوته‌ای است بیابانی، خاصه در وادی عرب، پُر خار و مولد صمغ که باور داشتند غول بیابان در زیر آن بچه می کرده است. در غالب اشعار، راهبان خانه دوست زخم این خار را در رسیدن به مقصود و منزل جانان به‌جان خریدارند، با سه بیت زیر از سنایی، سعدی و صائب:

**هر که مغرور بانگ غولان است / اجلس زیر امُغیلان است**

**جمال کعبه چنان می کشاندم به نشاط / که خارهای مغیلان حریر می آید**

**خویش را برهم شکستم قبله حاجت شدم / کعبه را در بوته خار مغیلان یافتیم**  
 بیت زیر از فردوسی (خسروپرویز: ۸/۲۲۲) به بئرمی مغیلان اشاره دارد:

**گر از تو یکی شهریار آمدی / مغیلان بیبر به بار آمدی**

[اگر تو پادشاه شوی، حتی خار بیابان هم به بار خواهد نشست.]

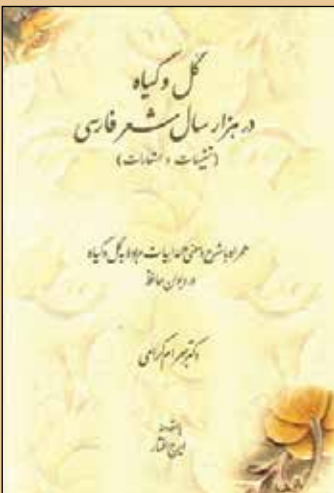


حافظ زخم خار مُغیلان را، در راه خانه دوست و وصول به مقصود، به‌جان خریدار است. واژه مُغیلان دو بار در دیوان غزلیات حافظ آمده است:

**در بیابان گر ز شوق کعبه خواهی زد قدم / سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور**  
 ز شوق = از سر شوق. سرزنش خار = ملامت خار (به رهرو که چرا راه بیابان در پیش گرفته)، با ایهام به زینش خار با سر تیز آن. [اگر از سر شوق در راه وصول به معبود قدم برمی‌داری، از مشکلات راه و ملامت مردم ناراحت مباش.]

**یا رب آن کعبه مقصود تماشاگه کیست / که مغیلان طریقش گل و نسرين من است**  
 تماشا (مشق از مَشی به معنای راه رفتن) و تماشاگه به معنای گردش و گردشگاه است. راهبان طریق عشق ثابت قدمند و خار راه را چون گل و نسرين می‌دانند، [خدایا! چه کسی به معبود من نظر دارد، معبودی که راه سخت وصالش برای من سهل و هموار است.]

## گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی



این کتاب که با مقدمه ایرج افشار چاپ دوم آن در بهار ۱۳۸۹ در ۵۴۰ صفحه در تهران منتشر شد، حاصل بیش از ده سال تحقیق مستمر مؤلف است. این کتاب در زمانی کوتاه با استقبال کم نظیری از سوی مراجع علمی و ادبی روبرو گردید. بیش از چهار هزار بیت شعر انتخابی از ۱۵۶ شاعر (از آغاز شعر فارسی تا نیم قرن قبل از مشروطیت) در مورد ۱۱۰ گونه گیاهی (گل‌ها، درختان، میوه‌ها) و تصاویر آنها با شرح و معنی ابیات دشوار و نیز شرح و معنی همه ابیات مربوط به گل و گیاه در دیوان حافظ آمده است.

لُس آنجلس، شرکت کتاب  
 ۱-۸۰۰-۳۶۷-۴۷۲۶



## سدر و سدره

«در هزار سال شعر فارسی»

بهرام گرامی

bgrami@yahoo.com

منت سدره و طوبی ز پی سایه مکش

که چو خوش بنگری ای سرو روان این همه نیست

(حافظ)

از سدر به عنوان درختی زمینی و از سدره به عنوان درختی آسمانی، هریک دو بار، در قرآن نام برده شده است. سدر در زبان فارسی همان کنار است، ولی دلیل روشنی بر قرابت سدر عربی و کنار فارسی در دست نیست.

واژه سدر در قرآن یک بار در آیه ۱۶ سوره ۳۴/سبأ به عنوان درختی زمینی که پس از تخریب باغ بر جای مانده و یک بار در آیه ۲۸ سوره ۵۶/واقعه در اشاره به درختی بیخار در بهشت آمده است. بسیاری از مفسران این درخت را همان سدر لبنانی یا «Cedar tree» (Cedrus libani) دانسته‌اند که مکرر در تورات با همین نام آمده است. درخت Cedar را در عربی شجره‌الله یا شجره‌الزب و گونه‌های جنس Cedrus را در هیمالیا به زبان سانسکریت درخت خدا یا چوب خدا می‌نامند. دلیل روشنی بر قرابت سدر عربی با کنار فارسی که، علاوه بر مصارف طبّی، از برگ ساییده آن برای شستن سر و بدن (میّت) استفاده می‌کنند در دست نیست، با دو بیت از نورعلیشاه اصفهانی و شیخ بهایی:

**گاه خیم گاه میّت گاه تابوت و کفن / گاه سدر و گاه کافورم نمی دانم کیم**

**به جای سدر و کافورم پس از مرگ / غبار خاک کوی او پسند است**

واژه سدره دو بار در آیه های ۱۴ و ۱۶ سوره ۵۳/نجم به‌عنوان درختی آسمانی یا بهشتی آمده است. بنا بر اعتقادات اسلامی، این درخت در مرز جهان خاکی با حریم عرش الهی است و از این رو سدره‌المنتهی نامیده می شود. می‌گویند پیامبر اسلام در معراج خود بدان مکان راه یافته و فراتر از آن پای گذارده است. نام سدره در قرآن همراه با درختان میوه نیامده و در چهار آیه نامبرده با سدر و سدره اشاره ای به ثمر درخت نشده است. در شعر قدیم فارسی، درخت سدره مُشَبَّه‌به قامت معشوق بوده است، با ابیتی از جامی در فاتحه‌الشباب:

**گیرم که به سدره سر کشد سرو / با قد تو کی شود برابر**

در پنج بیت زیر از مجیرالدین بلیقانی، قاتی، سلمان ساوجی، نظیری نیشابوری و سنایی، سدره نمادی از تعالی فکر و بلندی همت و عظمت عشق و عرش الهی است:

**هر شب که سر به جیب تحیر فروبرم / ستر فلک بدرم و از سدره بگذرم**

**جبریل اگر به سدره با منتهی رسید / ما بارگه به سدره بی منتهی زبیم**

**همت عالی او از سدره بی منتهاست / کز بلندی آسمان در سایه احسان اوست**

**معراج ما نهایت افتادگی بود / در عشق، قرب سدره بود قعر چاه را**

تو چه دیدستی هنوز از طول و عرض ملک او / کانکه در سدره‌ست هم آن را نداند منتهای

★★★★

واژه سدره، به‌عنوان درختی آسمانی در مقامی رفیع، چهار بار در دیوان غزلیات حافظ آمده است:

**که ای بلندنظر شاهباز سدره نشین / نشیمن تو نه این کنج محنت‌آباد است**

خطاب بیت به انسان است که به باز بلندپرواز و بلندهمت، نشسته بر درخت سدره، تشبیه شده است. محنت‌آباد = جای رنج و محنت، کنایه از این دنیا. [ای انسان! که همچون ملک مقرب در بالاترین مرتبه تقرب به ذات حق هستی، جایگاه تو این دنیای پُررنج خاکی نیست.]

## اطلاعی

آدرس جدید دفتر خدمات بیمه سحر سلاخی

2239 Moorpark Ave., # 200  
 San Jose CA 95128

بینیم مولوی از داستانی به داستان دیگر می رود و بین آن نیز داستان های دیگر می آورد که خواننده بی اختیار تصور می کند رشته اصلی از دست نویسنده خارج و اصل ماجرا و مطلوب حقیقی فراموش شده که یکبار نویسنده بامهارتی خاص و اعجاب انگیز با گردشی که فقط مخصوص اوست به داستان باز می گردد و خواننده را با آن داستان می کشاند که این روش در متن دیگری به چشم نمی خورد. تقریرات فیه مافیة در سال ۶۵۴ ه ق یعنی پس از تعطیل شدن مجالس رسمی درس مولانا آغاز شده و تا آخر عمرش یعنی سال ۷۱۲ ه ق ادامه داشته است که ابتدا به صورت یادداشت در مجالس تهیه و بنظر مولانا رسیده که گاهی خود آنها را اصلاح کرده است. یادداشت های اصلاح شده توسط سلطان ولد پسر مولانا یا شخص دیگری محفوظ نگاه داشته شده و بعد از مرگ جلال الدین تدوین گردیده است. فصول کتاب عاری از نظم و ترتیب است. گاهی در یک فصل موضوعات مختلفی طرح شده که ربطی باهم ندارند یا مطالب دو یا چند نشست متوالی در یک فصل تدوین گردیده و یا سبک و سیاق کلام با فی البداهه بودن که لازمه پرسش و پاسخ است تضاد دارد. **دیناله مطلب در صفحه ۵۴**

آدم، قضیه زکریا، عیسی و مریم، ابراهیم و نمرود، موسی، صالح و هابیل و قابیل و بسیاری از قصه های دیگر بر می خوریم. فصل بندی و عناوین کتاب غالباً بوسیله کتب اولیه بدون نظم دیده می شود که معلوم نیست عناوین در فصل ها بوسیله چه کسی نظم یافته. مثلاً از عنوان کتاب عالم بر مثال کوه است، دو شخص در این وجود درجنگند، مطلوب نه زیر و نه بالاست. این اثر که اولین بار در سال ۱۳۳۰ ه ش توسط مرحوم استاد بدیع الزمان فروزانفر منتشر شده از روی نسخه های کتابت یافته های سال های ۷۱۶ و ۷۵۱ ه ق که نسخه های بسیار قدیمی و در خور اعتبار است استفاده شده است و در هر کجا که در متن نسخه اول اشتباهی بنظر می رسیده از نسخه دوم سود جستند. جلال الدین در این اثر به طوری که گفته شد به پرسش ها جواب می دهد. ذهن پویای او در مبادی معقولات متوقف می شود تا مطلبی درخور یابد و معلوم است که سوال های نخستین فقط بهانه و نقطه حرکت برای بازگویی مطالبی است که هنوز به رشته پیوسته نیست و به مرور قسمت های ناپیوسته را به هم پیوند می دهد که در حقیقت تمرین خوبی برای نوشتن مثنوی است و در مثنوی می



## سبک شعر و نگارش مولوی

دکتر حسن مسیح پور

رازهای گفتنی گفته شود  
این کنایات دقیق مستتر

بوک فیما بعد دستوری رسد  
با بیانی کان بود نزدیکتر

که ضمن توصیف و مدح شمس تبریزی و صلاح الدین زرکوب و اظهار عشق سوزان به این مصاحبان در پایان بسیاری از این غزلیات توجهش به عشق معبود و محبوب حقیقی ختم می شود.

دیوان کبیر یا غزلیات شمس محتوی ۱۴ ترجیح بند و ۱۳۷ بند و ۱۹۹۵ رباعی و قصاید و مقطعات فارسی و عربی و ۳۳۶۵ از ملامعات و اقیانوس موجی با انبوه از صدف و درهای رنگارنگ که سراسر احساس و هیجان است و خواننده را با خود به عالمی از شور و شوق و عشق و بیخبری فرو می برد. نکته قابل توجه آن است که در مورد میزان ابیات این دو اثر مهم مولانا اختلاف نظر وجود دارد که گاهی اوقات تعداد ابیات دیوان غزلیات مزبور بین ۳۶ تا ۴۲ هزار و مثنوی را بین ۲۶ تا ۲۹ هزار بیت تخمین زده اند.

از آثار دیگر مولوی فیه مافیة است. در این اثر مولوی که همواره از تنگنای وزن و قافیه و رعایت قواعد عروضی گریزان است باخیال راحت در میان دوستان و مشتاقان نشست و به سوال های آنان پاسخ می گوید با گفتاری ساده و بی تکلف و غیر مصنوع که سخنش از دل بر می آید و بردل می نشیند و سخنان او پاسخ اهل ذوق و کشف و شهود است. در این کتاب به قصه هایی تفسیرگونه مانند قصه های اسلام و عمر، گشتن ابلیس در قالب

که دو بیت آخر را روزهای آخرین زندگی با فرزندش عنوان کرده است. ملاحظه می شود که مولوی علت پوشیده داشتن گفتار خود را عاری بودن عامه از شعور و فهم و کینه بدخواهان عنوان می کند نه غامض بودن اسرار الهی.

مولوی از سال ۶۴۶ شروع به سرودن شعر نموده است و مثنوی را با توصیه و همکاری حسام الدی چلبی شاگرد برجسته اش در بحر رمل متضمن ۲۹۷۲۴ بیت به رشته نظم کشیده که شب ها در مصاحبت حسام الدین چلبی مولانا می سروده و حسام الدین یادداشت می کرده است. مثنوی در شش دفتر در بحر رمل یکی از وزن های ۱۹ گانه عروض شامل سه یا چهار بار فاعلاتن سروده شده که حاوی مطالب فلسفی، عرفانی، اخلاقی، روانی، اجتماعی و دینی است که جلال الدین در نهایت دقت تمام شئون زندگی انسان ها را به نحوی بارز و مطلوب به تصویر کشیده و از هیچ چیز فروگذار نکرده است و با آنکه در قرن سیزدهم میلادی سروده شده در قرن ۲۱ هنوز به صورت خورشیدی درخشان بر آسمان ادب جهان می درخشد. این اثر زیبا به مدت ۱۵ سال با همکاری حسام الدین چلبی خلق شده است. اثر دیگر مولوی غزلیات شمس یا دیوان کبیر است که متضمن حدود ۴۲۰۰۰ بیت و در بحرهای زیاد به رشته تحریر کشیده شده است

## کنسرت موسیقی دستگاهی ایران

Persian Classical Music Concert



تار: شاهین شهبازی



آواز: فهیمه نورفردی



دف و تمبک: نریمان اسعدی

Saturday, July 21, 2018  
7:30-9:00 pm, Doors Open at 7:00 pm  
Tickets Purchased in Advance: \$35,  
At the Door: \$42

زمان: شنبه ۲۱ جولای ۲۰۱۸  
ساعت ۷:۳۰ تا ۹  
هزینه بلیط: ۳۵ دلار شب کنسرت: ۴۲ دلار

Community School of Music and Arts (CSMA) at Finn Center  
230 San Antonio Circle, Mountain View, CA 94040

برای تهیه بلیط لطفاً به لینک زیر مراجعه کنید

<https://www.eventbrite.com/e/persian-classical-music-concert-tickets-47479169474>

یا با این شماره تماس بگیرید: Nariman Assadi (530) 574-4636

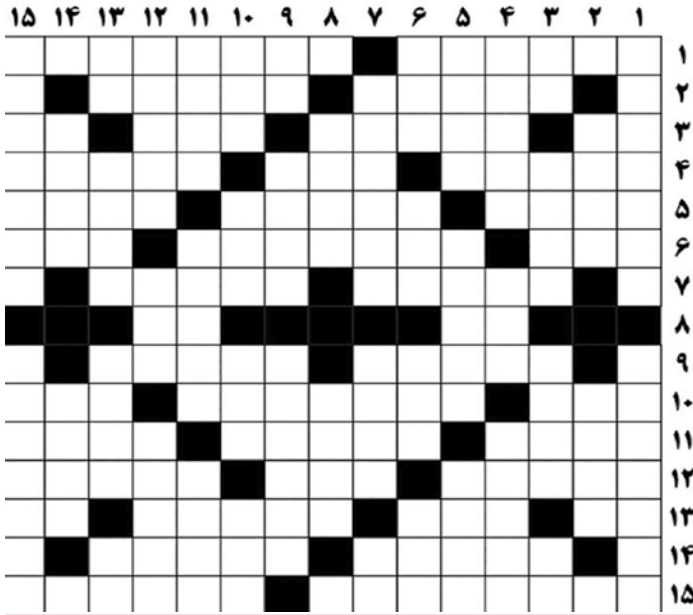
## مکانیک سیار

با مدیریت گیلبرت با بیش از ۱۵ سال تجربه  
انجام کلیه امور مکانیکی با نازلترین قیمت  
تعمیر هر نوع اتومبیل در خانه و یا محل کار شما

Quality Mobile Auto  
Repairs & Service Guaranteed  
Free Estimate

(408) 646-0782

حل جدول در صفحه ۴۲  
**سرگرمی**



**مدرسه فارسی البرز**  
تجربه یادگیری زبان فارسی را  
برای فرزندان شما زیباتر می سازد

(408)829-8296  
1954 Camden Ave. #3, San Jose

- | عمودی  | افقی   |
|--|--|
| ۱- پایتخت قزاقستان - دماسنج                            | ۱- روبروی رئال در ساختار اندیشه است - نام قدیم شهر گرگان |
| ۲- شجاع - وجب  | ۲- محکم کردن - بلند نظری                                 |
| ۳- اشاره به دور فرنگی - انیس - حقه - تولد              | ۳- باب روز - شکست خورده - راه آذری - حرف فاصله           |
| ۴- وزیر ملعون خشایارشا - جای بازگشت - درخت انار        | ۴- در دل افکندن - محموله - دوستان                        |
| ۵- سنگ تابان - حصیر - پوست کن                          | ۵- در امان - حرکات صورت - مبارزه                         |
| ۶- لغزنده - آقا - گله - میوه تابستانی                  | ۶- شکننده - از کوههای مهم ایران - آشیانه مرغ             |
| ۷- از عوارض چشم - اسپهال - ع مت جمع                    | ۷- حافظه کامپیوتری - دیو شاهنامه                         |
| ۸- قابله - کمر بند مسیحی                               | ۸- واحد سطح - از شهرهای کرمان                            |
| ۹- زهر - اثر آلفرد دوموسه - پدر چنگیز                  | ۹- نسل پنجم - اثر دانیل استیل                            |
| ۱۰- نوعی خواهر و برادر - خوراک ساعت - رفوزگی - اسبنجیب | ۱۰- سود حرام - درگذشتن از گناه - سلاح کاشنی              |
| ۱۱- حکایتگر - لوچ - گاز مرداب                          | ۱۱- امروزی - مرکز ویتنام - شتر بیکوهان                   |
| ۱۲- آگهی - بی خطر - حکومت غیر مذهبی                    | ۱۲- اندیشه شیطانی - قوچ - دارایی سابق                    |
| ۱۳- صنم - بیعانه - آرزوها - رمزینه                     | ۱۳- شیر خرم - تقویت رادیویی - صداقت - منقار کوتاه        |
| ۱۴- فرق سر - جناح راست                                 | ۱۴- خاکروبه و اشغال - دانه به دانه                       |
| ۱۵- خمیازه - مقصر                                      | ۱۵- گدای دوره گرد - عمده فروش                            |

بی سوادان قرن ۲۱ کسانی نیستند که نمی توانند بخوانند و بنویسند، بلکه کسانی هستند که نمی توانند آموخته های کهنه را دور بریزند و دوباره بیاموزند. الوین تافلر

## تقویم برنامه های فرهنگی و هنری در شمال کالیفرنیا

### Pezhvak of Persia

#### پژواک

نشریه برگزیده ایرانیان  
شمال کالیفرنیا

با درج آگهی در نشریه پژواک  
کسب و خدمات خود را به ایرانیان  
شمال کالیفرنیا معرفی نمایید!

(408)221-8624

### جلسات انجمن فردوسی

هر دو هفته یکبار در دومین و  
چهارمین جمعه هر ماه

[www.ferdosi.org](http://www.ferdosi.org)

۴۰۸-۲۹۵-۱۲۴۰

ورود برای عموم آزاد است

### جلسات شعر فریمانت

اولین و سومین شنبه های هر  
ماه میلادی در شهر فریمانت.  
مکان:

**Fremont, Main Library**

۵۱۰-۲۲۶-۷۱۶۰

۵۱۰-۷۴۵-۱۴۰۰

ورود برای عموم آزاد است

### شب شعر در ساکرامنتو

دومین چهارشنبه هر ماه در  
رستوران فیمس کباب.  
تلفن اطلاعات:

۹۱۶-۴۸۳-۱۷۰۰

**1290 Fulton Ave., #3  
Sacramento, CA**

### انجمن فرهنگی آذربایجان در شمال کالیفرنیا

سازمان غیر انتفاعی، بدون وابستگی  
سیاسی و جناحی، با ارائه کلاس های  
رایگان یادگیری ابزار موسیقی، رقص و  
زبان انگلیسی.

با برگزاری رویدادهای فرهنگی و کنسرت  
۴۰۸-۸۵۸-۹۸۶۲

[secretary@acsnc.org](mailto:secretary@acsnc.org)  
16400 Lark Ave. #260  
Los Gatos CA

### برنامه تلویزیونی رهنمودهای مسیح

با کشیش فرید فروتن  
شنبه ها ساعت ۸:۳۰ شب  
از کانال ۱۵ سن حوزه  
یکشنبه ها ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر  
از کانال ۲۹ سانفرانسیسکو

### شب بانوان

دومین چهارشنبه هر ماه  
شروع برنامه با شام و موزیک  
از ساعت ۷ عصر تا ۱۱:۳۰  
۱۲۳۴-۳۶۹-۴۰۸  
۶۴۴۰-۳۷۱-۴۰۸  
مکان: رستوران ساقی  
**1392 S Bascom Ave, San Jose**  
ورودیه با شام 25 دلار

### کلاس خصوصی

کلاس خصوصی عرفان و رفع مشکلات  
آثار مولوی، سعدی و حافظ توسط دکتر  
مسیح پور، استاد دانشکده ادبیات  
دانشگاه تهران  
برای کسب اطلاعات بیشتر لطفا  
با ما تماس حاصل فرمایید.  
۲۹۲۲-۷۲۵-۴۰۸

## دفتر خدمات بین المللی

Office of International Services

✧ قبول وکالت در کلیه امور حقوقی در دادگاه های ایران

✧ کلیه امور مهاجرت به آمریکا و کانادا

✧ امور مربوط به Social Servies در آمریکا

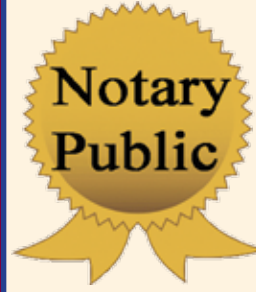


(408)909-9060

(888)350-9060



900 S. Winchester Blvd. #6, San Jose, CA 95128



(408) 909-9060

By  
Appointment  
Only

ماهنامه پژواک

نشریه برگزیده ایرانیان شمال کالیفرنیا

(408)221-8624

# فال ستارگان

### دعا

افراد زیر دستتان را مورد تحسین قرار دهید. پس از مدتی خواهی دید که کارایی آنها بهتر خواهد شد. کسی سخاوتمندانه به سمت شما می آید و باید او را ملاقات کنید. اگر به دنبال سفر یا تعطیلات هستید بهتر است آن را به ماه آینده موکول کنید. اخبار خوش حال کننده ای خواهید شنید. از نظر مالی این ماه طبیعی خواهد بود و ممکن است پول غیر منتظره ای دریافت کنید. در اواسط ماه معامله پر سودی صورت خواهد پذیرفت.

### بهمین

گذشته را فراموش کنید و فقط از آن درس بگیرید و از تجربیات به دست آمده جهت موفقیت استفاده کنید. عریزی از شما دور شده که موجب دلواپسی تان شده است به زودی خبرهای خوشی از ایشان دریافت میکنید و دیدارها تازه خواهد شد. به موفقیت هایی دست می یابید، بدانید که همواره دوستانی هستند که پشتیبان شما بودند تا به این موفقیت ها برسید، پس فقط به نفع خود کار نکنید. همیشه زاردار دیگران باشید.

### اسفند

موضوعی از گذشته شما را رنج میدهد که باید هرچه زودتر آن را به دست فراموشی بسپارید تا اینقدر وقت و انرژی شما را نگیرد! قصد تغییری در زندگی خود دارید توجه داشته باشید که بدون مطالعه و مشورت با دیگران دست به هیچ تغییری نزنید و فراموش نکنید که نا امیدی افت زندگیت، پس با آن مبارزه کنید. راه های تازه ای برای کسب و کار آماده است و این ماه مشغول جلسات و مسافرت هستید.

### مهتر

اگر واقعا به کاری که می خواهید انجام دهید، ایمان دارید مدام تحت تاثیر حرفهای منفی دیگران قرار نگیرید و در رابطه با آن، با کسانی که شما را به انجام آن کار تشویق کرده اند مشورت کنید. با کسی ملاقات خواهید کرد که مدت ها انتظارش را می کشیدید ولی ملاقات با او شرایطی خواهد داشت که شما باید آنها را بپذیرید. پس دست به کار شوید. در زندگی شغلی تان با تصمیم گیری های مستقل نتایج بسیار ارزنده ای بدست می آورید.

### آبان

با زیردستانان مدارا کنید و از برخوردهای پرخاشگرانه خودداری کنید. این ماه در فکر شروع کاری هستید اما نتیجه آن شما را دچار نگرانی کرده است؛ بهتر است پس از همفکری با افراد ذیصلاح و آگاه هرچه زودتر تصمیم مقتضی را بگیرید، چون گذشت زمان بیش از حد به نفع تان نیست. ممکن است از طرف دوست یا برخی افراد نزدیک، مشکلاتی برای تان ایجاد شود. روابط خانوادگی شما گسترش خواهد یافت.

### آذر

در زمینه کاری با یک رقابت سخت روبرو خواهید شد. شما از رقیبان خود هیچ چیز کمتر ندارید و با تصمیماتی عقلانی موفق خواهید شد. پیشنهادی خواهید داشت که شروعی برای پیروزی های شما خواهد بود، فقط باید با احتیاط عمل کنید و پله های ترقی را باحوصله و بدون عجله طی کنید. خبر خوشحال کننده و امیدوارکننده ای به شما می رسد. در شناخت افراد سیاست و دقت کامل بخرج دهید. ماهی که شروع کرده اید برای اقدام به معاملات اقتصادی مناسب نیست.

### تیر

گره کور زندگی تان بعد از مدت ها باز می شود. احساس آزادی خواهید کرد. مسائل و مشکلات مالی را پشت سر گذاشته، به تعادلی در دخل و خرج خواهید رسید. عده یی از متولدین این ماه به مسافرت های شغلی می روند. دلخوری که از محبوب تان به دل داشته اید، بعد از گذشت چند سال از بین می رود و دوستی از سر گرفته می شود. برای برخی از متولدین این ماه جابه جایی شغلی پیش می آید.

### مرداد

ملاقات بسیار مهمی در روزهای آتی در پیش دارید و این امر میتواند در زندگی تان نقطه عطفی باشد پس به سادگی از آن نگذرید؛ پیغامی از راه دور دریافت میکنید که برایتان مسرت بخش است. مدتی است تمام هم و غم شما معطوف به کار شده است، باید سعی کنید کار و زندگی را از هم جدا کنید تا دچار سردرگمی نشوید. این ماه می تواند یک ماه بزرگ برای قدمهای محکم زندگی باشد. زندگی را سخت نگیرید که هرچه سخت گیر باشید، زندگی هم برای تان سخت خواهد گذشت.

### شهریور

کسالتی دارید که به زودی برطرف خواهد شد. فعلا از این که چیزی را به زندگی خود اضافه یا کم کنید خودداری کنید که زمان مناسبی برای این تغییرات نیست. عده ای از خوش قلبی شما می خواهند سوء استفاده کنند، به شدت مراقب باشید و با چشمانی باز به اطراف نگاه کنید و بی جهت به کسی اطمینان نکنید. به زودی در یک مهمانی حضور خواهید داشت و با کسی در این مهمانی آشنا می شوید که می تواند روند زندگی شما را تغییر دهد.

### فروردین

ذهن خود را به مسائل حاشیه ای معطوف نکنید. به فکر کینه و انتقام از کسی نباشید. گذشت از خطاهای دیگران، در درجه اول به خود فرد آرامش می دهد. تعطیلات را فقط به تفریح و استراحت فکر کنید. اوضاع مالی و اقتصادی گروهی از متولدین این ماه تا پایان این نیمه رو به بهبودی خواهد رفت. به زودی اوضاع همان گونه خواهد شد که شما می خواهید. منتظر اتفاق خوشایندی هستید که به وقوع خواهد پیوست.

### اردیبهشت

بحث های احساسی همیشه جلوی تفکرات منطقی تان را می گیرد. عجول هستید و عجلوانه تصمیم می گیرید. در خرج کردن کمی دقت کنید. تمامی نگرانی های مالی شما تا چند ماه آینده برطرف خواهد شد. در دوره ای هستید که باید انتقادها را تحمل کنید و در مقابل بی احترامی ها عکس العمل نشان ندهید. بیش از حد نگران اطرافیان و بخصوص اعضای خانواده هستید. اطرافیان همچنان از حمایت های بی دریغ شما برخوردار خواهند بود.

### خرداد

به فکر تغییر شغل هستید. دوره یکتواختی را طی می کنید، اما به زودی باید آماده کار و فعالیت در زمینه شغلی خود باشید. مراقب برخوردتان با بزرگترها باشید. این دوره بهترین فرصت است برای تصمیم گیری های جدید در مورد تحصیل و کار. در این دوره قادر به دست زدن به ریسک های بزرگ خواهید بود. اثرات شکست عاطفی تان کمتر می شود. وقت آن است به رویاهای تان جامه عمل بپوشانید.

# کاباره رستوران ساقی

عروسی ها، جشن ها و میهمانی های خصوصی خود را در سالن مجلل رستوران ساقی همراه با پذیرایی کامل با انواع غذاها و دسرهای لذیذ ایرانی برگزار کنید.

هر روز ناهار با انواع غذاهای متنوع در رستوران ساقی

جوجه - کوبیده - خورشت قیمه - خورشت قرمه سبزی

دیزی مخصوص و کله پاچه - کباب زغالی

## Lunch Special

باقالی پلو با ماهی - زرشک پلو با مرغ

**\$10.95**



دومین چهارشنبه هر ماه شب بانوان در کاباره رستوران ساقی

## Catering Saaghi

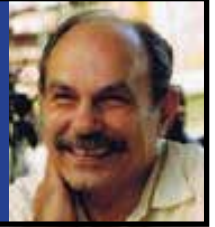
*Let us prepare our delicious food at your location so you can focus on your guests!*

**(408) 998-0122**

Delivery by doordash & Uber

1392 S. Bascom Ave. San Jose, CA 95128

## عشق، هوس، نفرت

بخش شانزدهم  
عباس پناهی

گرفته و به راه راست هدایت کرده و از رفتن به سوی شیطان بر حذر داشته. کلودیا آنقدر خوشحال بود که شروع به خواندن ترانه های خیلی قدیمی و کلاسیک کرد. صدایش با آنکه کلفت و توگلوپی بود، اما آوازش دلنشین به گوش می رسید.

فریدون و سامان وقتی به اطاق رفتند، فریدون ماجرا را آنطوری که واقع شده بود، برای سامان تعریف کرد. سامان از همه وقایع در حیرت شده بود بخصوص از تیز هوشی و حيله گری ربکا و نقشه های ماهرانه ای که کشیده بود تا به مقصودش نایل شود و هم چنین به میزان زیبایی او، به سکس و قدرت جنسی اش و به آن گونه جذابیتی که فریدون برای آن دوخواهر داشت. به شوخی گفت: «واقعا خرشناس که می گویند، خود تو هستی. دختره نقشه می کشد که حتی به قیمت جان خواهرش، تو را مجبور کند تا به رختخواب ببرد. آن یکی از غصه از دست دادنت رو به دیوانگی می رود. هر دو خواهر برای خدمت به تو با هم مسابقه می دهند- مادر دو دختر که هلاکت شده. دامادشان هم می خواهد به دیدارت بیاید و بگوید دستت درد نکند که ...- دیگر از دنیا چه می خواهی؟ بقول معروف (پس دعا کن باران ببارد)». **دنباله مطلب در صفحه ۵۸**

گوارا خواهد شد». سامان آمد و دست داد و نشست و گفت: «کجا بودی که ماما کلودیا من را از گرسنگی کشت؟ تو که میدونی این بی تو نفس هم نمی کشه. پس دیگه خودت رو طاقچه بالا نذار که من رو گرسنگی بدی.»

در حالی که مشغول خوردن شام بودند کلودیا پرسید: «عزیزم، آیا توانستی نادزارینا را ببینی؟» فریدون گفت: «بله» و بی اراده خواست ماجرا را تعریف کند اما به یاد آورد که کلودیا چقدر به اصول اخلاقی پایبند است. جلوی دهانش را گرفت. کلودیا پرسید: «آیا ربکا راست گفته بود؟» فریدون گفت: «بله و خیلی کمک کرد که نادزارینا را از اشتباه در آورد و به او گفت که خودش مقصر بوده و آن صحنه را خودش ایجاد کرده بوده تا نادزارینا از من رنجیده بشود و مرا رها کند.» داستان را تا آنجایی که کلودیا را وحشت زده نکند که تا صبح در مقابل مجسمه مریم بنشینند و برایش طلب مغفرت کند، تعریف کرد و سرو ته قضیه را هم آورد.

کلودیا کمال شادی را در خود احساس می کرد و از مریم مقدس سپاسگزاری می نمود که به دعاهايش پاسخ داده و طبق خواسته او، نادزارینا را برای ماریوی عزیزش نگه داشته و نیز ربکا را در آغوش پرمهرش

شکی در دل نادزارینا وجود نداشت و این عمل ربکا را یک محبت خواهرانه تلقی می کرد. فریدون ناچار قدری سر را خم کرد و اجازه داد که ربکا لب هایش را ببوسد. ربکا از نادزارینا پرسید: «آیا میایی با هم به خانه ماما برویم؟» نادزارینا پرسید: «تو میخواهی آنجا بروی؟» ربکا گفت «بله» نادزارینا گفت: «پس تو برو و من با اتوبوس میروم.» ربکا گفت: با این زمین های لیز نمی توانی تا ایستگاه اتوبوسی که به سمت خانه میروم بروی و ممکن است تا آن راه دور، چندین بار زمین بخوری.» نادزارینا گفت: «نه- من همراه فریدون با اتوبوس به میدان ریپابلیکا میروم که تا آنجا هم با او باشم و در آنجا سوار تراموایی که به سمت خانه میروم شده برمیگردم.» ربکا خواست بگوید پس منم با شما میآیم که در برگشت تنها نباشی اما متوجه شد که نادزارینا می خواهد این ساعت آخر را هم با فریدون تنها باشد و به این خاطر حرفش را خورد و تلفن را برداشت و یک تاکسی صدا زد.

فریدون و نادزارینا تا پانسیون رفتند، ساکش را برداشت و با مدیر پانسیون خدا حافظی کرد و به سمت راه آهن راه افتادند. تا زمانی که قطار رم به کاسینو راه بیفتد، نادزارینا در کنارش ماند و پس از حرکت قطار، آنقدر در ایستگاه به قطار در حال دور شدن نگاه کرد تا دیگر ناپدید شد و بعد به سمت ایستگاه تراموا برگشت.

کلودیا از ساعت پنج منتظر فریدون بود و تا آن ساعت مدام چشمش به ساعت و به در بود. ساعت هفت و نیم فریدون به خانه رسید. کلودیا به سمتش دوید و او را بغل کرد، بویید و بوسید و با خود وارد آشپزخانه کرد. بوی خوراک در آشپزخانه پیچیده بود و با آنکه سامان هم گرسنه بود، هنوز تا آمدن فریدون شام را به میز نمی آورد. صدا زد سمان- سمان- بیا شام آماده است. و سامان هم از اطاق باصدای بلند گفت: «حتما ماریوی عزیزت رسیده!» کلودیا از ته دل شروع به خندیدن کرد و به فریدون گفت: «از یکساعت پیش می خواست شام بخورد و من می گفتم صبر کن تا ماریو برسد. حالا همان حرف مرا تکرار می کند.» و با صدای بلند و در حالی که هنوز با آن صدا و گلوئی قدرتمندش می خندید فریاد زد: «بیا عزیز دلم. حالا که هم تو هستی و هم ماریو، شام خیلی

با شنیدن صدای تلنگر به در، نادزارینا دوید و در را باز کرد. ربکا لباس ها را عوض کرده بود و خود را دوباره سازی نموده بود. نادزارینا را در آغوش کشید و بوسید و آرام از او پرسید: «چطور بود؟ رفتارش خوب بود؟» و نادزارینا گفت: «بله- او یک ایده آل است.» ربکا همچنان درگوشی گفت: «باید آنقدر با او مهربان باشیم تا هرگز از پیش تو نرود. من با آنتونیو هم صحبت کردم و او به من گفت که باید بیشتر هوای فریدون را داشته باشم تا او خود را یکی از اعضای خانواده مان بداند و هر زمانی که دلش خواست به خانه ماما و یا خانه من و یا خانه کارینا رفت و آمد کند و همه مان را مانند اعضای خانواده خودش احساس کند.» نادزارینا گفت: «چه خوب که تو و آنتونیو به فکر من هستید.» ربکا گفت: «تازه آنتونیو می گفت برایش می خواهد یک هدیه خوب بخرد و با دست خود و یا با دست من به او هدیه کند.»

افکار ربکا مانند ساعت دقیق و درست کار می کردند و هیچ وقفه ای در اجرایش نمی افتاد. دوباره در گوشی به نادزارینا گفت: «حالا تماشاکن که چگونه می خواهم در آغوش بگیرم و نوازشش کنم.» و نادزارینا را رها کرد و رفت دست هایش را به دور گردن فریدون انداخت و او را در آغوش سخت فشرد و بوسه ای داغ گرفت و گفت: «آه فریدون؛ تو نمیدانی که برای همگی ما چقدر عزیزی. آنتونیو هم راغب بود که بیاید و تو را ببیند اما من توصیه کردم که صبر کند تا من از تو رسماً دعوت کنم تا بخانه ما بیایی و در آنجا مراتب دوستی تان را بجا بیاورید.» فریدون با آنکه از آغوش گرم ربکا و نرمی پستان های او که محکم به سینه اش فشرده میشد، لذت می برد اما حیران بود که ربکا چگونه اینکارها را می تواند انجام دهد و شکی ایجاد ننماید. هیچ واکنشی نشان نداد و راست همچنان ایستاده بود و ربکا برای آنکه بتواند او را ببوسد، مجبور بود روی نوک پنجه سوار شود. چشمش به چشمان نادزارینا بود و می خواست عکس العمل او را ببیند. نادزارینا، هیچ ناراحتی احساس نکرد بلکه با سر و چشم به فریدون اشاره کرد که جواب محبت ربکا را بدهد چون هیچ

**زبان ما هویت ماست**

مدرسه فارسی البرز با کادری با تجربه در خدمت  
علاقمندان به یادگیری زبان فارسی می باشد

- ♦ کلاس های پیش دبستان (برای دانش آموزان ۴ ساله)
- ♦ کلاس های اول دبستان تا هشتم (برای دانش آموزان ۵ سال به بالا)
- ♦ جهت یادگیری خواندن، نوشتن و مکالمه
- ♦ کلاس های خصوصی برای بزرگسالان و غیر فارسی زبانان

**دانش آموزان دبیرستانی می توانند با حضور  
در کلاس های البرز، واحد دبیرستانی دریافت کنند**

برای کسب اطلاعات بیشتر با ما تماس حاصل فرمایید

(408)829-8296

1954 Camden Ave. #3, San Jose

با عنوان کردن این آگهی، یک جلسه رایگان میهمان مدرسه البرز باشید!



## با هادی خرسندی

www.asgharagha.com  
hadikhorsandi@aol.com

### تکان نخور ای بز متحرک!

متحرک (انیمیشن) پیدا شده! جامی پیدا کرده اند از شهر سوخته باستانی که بر لبه آن دور تا دور نقش بزی است که با پنج حرکت خود را به درختی می رساند و بالا می پرد و برگ آن را می خورد. این طرح، قدیمی ترین نشانه از نقاشی انیمیشن است. بنابراین، جامی است که عقل عتیقه بنابرین، جامی است که عقل عتیقه فروش و عتیقه خر آفرین میزندش! بیخود نیست که ناگهان از موزه مربوطه خبر آمد که «بز شهر سوخته گم شده است!» جنجالی برخاست و بعد گفتند که جام پنج هزار ساله پیدا شده و جنجال خوابید! پس امتحانی گم شده بوده! گم شدنش را «تست» زده بودند برای سر فرصت! خبر گم شدنش که آمد دلم مثل شهر سوخته سوخت.

دنباله مطلب در صفحه ۵۱

«شهر سوخته» که بقایایش در پنجاه کیلومتری زاویل در سیستان است گنجینه ایست که آثار با ارزشی را از پنج هزار سال قبل تا ۲۲ بهمن ۵۷ در خود نگهداشته بوده! در این شهر، آثار تمدنی از سه هزار سال قبل از میلاد پیدا شده که باستان شناسان تعجب می کنند که چطور در دو هزارسال بعد از میلاد، در این چنین سرزمینی «بسیجی» هست و نیروی انتظامیست چنین رفتاری دارد و بعضی آدم هایش چرا به انسان های ما قبل تاریخ میمانند.

«گفته شده است که جهان در شهر سوخته ساخته شده». در شهر سوخته نشانه های دیرینه ترین تمدن بشری به جا مانده. مثلاً اولین خط کش دنیا و یا اولین چشم مصنوعی در آنجا یافت شده و در این شهر اولین اثر نقاشی

## «شهر سوخته»



شواهدی بر وجود جنگ افزار هم در شهر سوخته ندیده اند، اینکه موضوع آتش سوزی به دوره چهارم برمی گردد آنجایی که شهر دچار فروپاشی شده و مردم به عنوان دامدار از جایی به جای دیگر حرکت می کنند، این مردم هم به علت خشکسالی و محدود شدن منابع آب تنها از دام ها و محصولات که از آن ها تولید می شود، استفاده می کنند. از طرفی این مردم برای درست کردن غذا، زمین را می شکافتند و آتش روشن می کردند، با این شرایط نخستین باستان شناسان وقتی از این منطقه بازدید داشتند مشاهده کردند که یک سطح وسیع خاکستر وجود دارد، پس نخستین لقبی که به آن دادند، شهر سوخته بود. آنچه در شهر سوخته موج می زند، تخصص، همبستگی، دوستی و صلح بوده و جنگی در کار نبوده است.

دنباله مطلب در صفحه ۵۱

شهر سوخته نام بقایای دولت شهری باستانی در ایران است که در ۵۶ کیلومتری جنوب زاویل و در حاشیه جاده زاویل-زاهدان در استان سیستان و بلوچستان (شرق ایران) واقع شده است. شهر مزبور در روی آبرفت های مصب رودخانه هیرمند به دریاچه هامون و زمانی در ساحل آن رودخانه بنا شده بود. دوره بنای این شهر بزرگ با دوره برنز تمدن جیرفت مقارن است. زروانیان در حدود ۶۰۰۰ سال پیش در این شهر زندگی می کرده اند.

در سی و هشتمین اجلاس یونسکو در تاریخ ۲۲ ژوئن ۲۰۱۴ مطابق با ۱ تیر ۱۳۹۳ شهر سوخته به عنوان میراث جهانی یونسکو ثبت گردید. این محوطه باستانی هفدهمین اثر تاریخی ایران در فهرست یونسکو محسوب می شود که با برخورداری از قدمت ۵۰۰۰ ساله هم اکنون به عنوان یکی از پیشرفته ترین شهرهای باستانی دنیا شناخته می شود.

حمله اقوام مهاجم همسایه، تغییر مسیر رودخانه هیرمند و آتش سوزی را از جمله مهمترین علل تخریب ناگهانی تمدن شهر سوخته ذکر کرده اند. در واقع به هیچ عنوان آتش سوزی در کار نبوده است. حتی



## انجمن آذربایجانی های شمال کالیفرنیا

غیر انتفاعی، فرهنگی، هنری و بدون وابستگی سیاسی و مذهبی!

با هدف ترویج و گسترش فرهنگ و هنر آذربایجان

برنامه های انجمن: برپایی جشن های ملی، تفریحی، کمپینگ و پیک نیک، مسابقات تخته نرد، شب های

شعر و موسیقی، برنامه های هنری، کلاس های زبان ترکی و انگلیسی، کلاس های رقص و موسیقی

خدمات و مشاوره رایگان در امور: + مهاجرت + کاریابی و مسکن + انجام خدمات اولیه برای افراد تازه وارد به آمریکا

+ سرمایه گذاری + خرید و فروش املاک + مشاوره در امور تحصیلی + مشاوره در امور خانوادگی

برای اطلاعات بیشتر لطفاً با ما تماس حاصل فرمایید!

e-mail: secretary@acsnc.org

(408)858-9862

website: www.acsnc.org

عضویت در این انجمن بدون شرط سنی، عقیدتی، سیاسی و ملیتی می باشد!

Azerbaijan Cultural Society of N. California

16400 Lark Ave., Ste. #260, Los Gatos, CA 95032



## یک شب با قماربازها در کازینو

ماهرخ غلامحسین پور

قماربازی؛ بازی هر دو سر بُرد یا هر دو سر باخت؟ برای یافتن پاسخی درخور برای این سوال یک شب را در کازینو سر کردم.



«صد دلاری را که می گذارم داخل ماشین، تو بگو انگار کاغذ کاهی خرج ماشین می کنم، اصلا ارزش مادی اش را فراموش می کنم. باید قمارباز حرفه ای باشی تا درک کنی چه می گویم. گاهی می شود تا شش صبح روی میز پوکر ام اما خیال می کنم ده دقیقه بیشتر نگذشته، نه گرسنگی را می فهمم نه تشنگی را و زمان را به کلی گم می کنم. سپیده که می شود تازه یادم می آید که هشت ساعت است دارم قمار می کنم و همه چیزم را باخته ام، اما غصه ای ندارم، چون برد و باخت واقعی برایم چیز دیگری است.»

با خانم فتانه وارد «بارونا»، کازینویی حوالی شهر سن دیگو می شویم. یک ماشین سه چرخه کنار پایمان توقف می کند و هنوز پایمان را از در ماشین بیرون نگذاشته ایم که با یک لیوان آب پرتقال طبیعی ازمان پذیرایی می شود و یک سیگار هم می گیرانند برای خانم فتانه. آنها مثل ملکه ها از ما استقبال می کنند. کمی بعد یک قمارباز ایرانی دلیل این احترام فوق العاده را برایم رمزگشایی می کند: «کازینوها معتادان به ماشین را مثل خدا می پرستند، به این دلیل که آنها مثل یک دستگاه چاپ اسکناس عمل می کنند.»

سر و ته سالن شلوغ بارونا پیدا نیست. هزاران چراغ نئون و رنگی چشمک می زنند. صدای ماشین ها در هم قاتی شده و وسط کازینو روی یک سن بزرگ مردی در کنار دو دختر زیبا با لباس آبی ایستاده و یک سری شماره می خواند. دیگران جیغ می کشند و کف می زنند. به سختی می توان یک صدنلی برای قمارباز تازه از راه رسیده پیدا کرد. اما فتانه خانم را اینجا همه می شناسند. به محض ورود زنی با یک گاری و یک صندوقچه که به گردش آویزان شده جلویمان می ایستد. وسط بساط گاری می توان فلاسک قهوه، تنقلات، آب میوه، انواع و اقسام نوشیدنی های الکلی، شراب شیراز و سیگار هم پیدا کرد. اینها برای اعضای ثابت کازینوست که کارت عضویت دارند.

از خانم فتانه می پرسم چرا به آسانی پولش را هدر می دهد؟ «راضی هستم. آرامشی که به من دهد برایم ارزش دارد. انگار که پول می دهم می روم پیش روانکاو»  
-بیشترین رقمی که برنده شده ای چقدر

دارم. گاهی می آیم با دوستانم شوخی می کنم، دیداری تازه کرده، شام می خورم و تا سقف ۲۰۰ یا ۳۰۰ دلار بازی می کنم و می روم. وقتی می بینم اوضاع دارد بیخ پیدا می کند ادامه نمی دهم چه ببرم چه ببازم، چون در کازینو در نهایت بردی به نفع قمارباز وجود ندارد و این سیستم کازینو است که برنده نهایی است.

-بیشترین رقمی که برده اید چقدر بوده؟  
-هفت هزار دلار  
-در یک شب؟

-بله؛ جک پاد کردم  
اما اگر آن طور که آقای هوشنگ می گوید، برنده اصلا وجود ندارد و همه می آیند اینجا تا پولشان را ببازند، پس این جمعیت مشتاق اینجا چه می کنند؟ خانم «فتانه» که خودش را یک قمارباز حرفه ای می نامند و در این مورد به «رضایت خاطر و هیجانی» اشاره می کند که هیچ جای دیگری قابل تجربه کردن نیست.

«من اگر بردم روی همان میز آن بردم قمار می کنم. چندی پیش ۱۸۰۰ دلار بردم. روی میز ماندم تا یک سنت آخرش را هم ببازم.» **دنباله مطلب در صفحه ۵۰**

شرط بندی می کنند کماکان در جامعه مذموم نیستند.»

می پرسم: «منظور شما از تعریف کلاسیک قمارباز چیست؟»

مس گوید: «گروهی که ابایی ندارند تا مخارج زن و بچه شان را صرف میز قمار کنند، در واقع بازی می کنند چون بدون شرط بندی احساس تهی شدن می کنند، برای قماربازهای حرفه ای نفس پول یا برد و باخت اهمیت ندارد بلکه آنها معتاد به هیجان هستند. آنقدر بازی می کنند تا همه پولشان را ببازند و بروند.»

او می گوید در جامعه ایرانی کسی را می شناسد که هزینه تحصیل فرزندش را اینجا باخته. او به خانمی اشاره می کند که هر شب با همسرش در محیط کازینو در حد فحاشی درگیر می شود تا پول بیشتری برای باختن از او بگیرد. در ادامه گفت و گو مرا به آقای «هوشنگ» معرفی می کند. مردی که سالهاست وارد دنیای شرط بندی شده.

شما چند سال است اینجا می آید؟  
-پانزده سال

-به بازی کردن وابسته اید؟  
-خیر، شاید بشود گفت روی آن کنترل

### گروه همایش دوستان

هموطنان عزیز، گروهی از همراهان شما به نام «گروه همایش دوستان» روز چهارشنبه هر هفته از ساعت ۷ الی ۹ عصر در محل Scientology Building در شهر مانتین ویو گرد هم می آیند. همایش دوستان قانونی است برای ایجاد دوستی و همکاری بین هموطنان ایرانی مقیم شمال کالیفرنیا. این کانون غیر انتفاعی کاملاً «غیر سیاسی» و «غیر مذهبی» می باشد و به هیچ گروهی وابستگی ندارد.

برای گرفتن اطلاعات بیشتر لطفاً با

شماره تلفن ۷۲۷۹-۲۰۷ (۴۰۸) تماس حاصل فرمایید.

1080 Linda Vista Ave., Mountain View, CA

بیکر تراش پیرم و با تیشه خیال  
یک شب تو را ز مرمر شعر آفریده ام  
تا در نگین چشم تو نقش هوس نهم  
ناز هزار چشم سیه را خریده ام  
بر قامتت که وسوسه شستشو در اوست  
پاشیده ام شراب کف آلود ماه را  
تا از گزند چشم بدت ایمنی دهم  
دزدیده ام ز چشم حسودان، نگاه را  
تا پیچ و تاب قد تو را دلنشین کنم  
دست از سر نیاز به هر سو گشوده ام  
از هر زنی، تراش تنی وام کرده ام  
از هر قدی، کرشمه رقصی ربوده ام  
اما تو چون بتی که به بت ساز ننگرد  
در پیش پای خویش به خاکم فکنده ای  
مست از می غروری و دور از غم منی  
گویي دل از کسی که تو را ساخت، کنده ای  
هشدار! زانکه در پس این پرده نیاز  
آن بت تراش بلهوس چشم بسته ام  
یک شب که خشم عشق تو دیوانه ام کند  
بینند سایه ها که ترا هم شکسته ام!

نادر نادرپور

«به کجا چنین شتابان؟»  
گون از نسیم پرسید.  
«دل من گرفته زینجا،  
هوس سفر نداری  
ز غبار این بیابان؟»  
«همه آرزویم، اما  
چه کنم که بسته پایم...»  
«به کجا چنین شتابان؟»  
«به هر آن کجا که باشد به جز این سرا سرایم.»  
«سفرت به خیر! اما، تو و دوستی، خدا را  
چو از این کویر وحشت به سلامتی گذشتی،  
به شکوفه‌ها، به باران،  
برسان سلام ما را»

شفیعی کدکنی



جمعه ساکت  
جمعه متروک  
جمعه چون کوچه های کهنه، غم انگیز  
جمعه اندیشه های تنبل بیمار  
جمعه خمیازه های موذی کشدار  
جمعه بی انتظار  
جمعه تسلیم  
خانه خالی  
خانه دلگیر  
خانه در بسته بر هجوم جوانی  
خانه تاریکی و تصور خورشید  
خانه تنهایی و تفأل و تردید  
خانه پرده، کتاب، گنجه، تصاویر  
آه، چه آرام و پرغرور گذر داشت  
زندگی من چو جویبار غریبی  
در دل این جمعه های ساکت متروک  
در دل این خانه های خالی دلگیر  
آه، چه آرام و پر غرور گذر داشت

فروغ فرخزاد

خاکم به سر، ز غصه به سر خاک اگر کنم  
خاک وطن که رفت، چه خاکی به سر کنم؟  
آوخ کلاه نیست وطن تا که از سرم  
برداشتند، فکر کلاهی دگر کنم  
مرد آن بود که این کلهش بر سر است و من:  
نامردم ار که بی کله، آنی به سر کنم  
من آن نیم که یکسره تدبیر مملکت  
تسلیم هرزه گرد قضا و قدر کنم  
زیر و زبر اگر نکنی خاک خصم را  
ای چرخ! زیر و روی تو، زیر و زبر کنم  
جایی ست آروزی من، ار من به آن رسم  
از روی نعل لشکر دشمن گذر کنم  
هر آنچه می کنی بکن ای دشمن قوی!  
من نیز اگر قوی شدم از تو بتر کنم!  
من آن نیم به مرگ طبیعی شوم هلاک  
وین کاسه خون به بستر راحت هدر کنم  
معشوق «عشقی» ای وطن، ای مهد عشق پاک  
ای آن که ذکر عشق تو شام و سحر کنم:  
«عشقت نه سرسری ست که از سر به در شود  
مهرت نه عارضی ست که جای دگر کنم  
عشق تو در وجودم و مهر تو در دلم  
با شیر اندرون شد و با جان به در کنم»

میرزاده عشقی

یاد من باشد فردا دم صبح  
جور دیگر باشم  
بد نگویم به هوا، آب، زمین  
مهربان باشم، با مردم شهر  
و فراموش کنم، هر چه گذشت  
خانه دل، بتکانم از غم  
و به دستمالی از جنس گذشت،  
بزدایم دیگر، تار کدورت، از دل  
مشت را باز کنم، تا که دستی گردد  
و به لبخندی خوش  
دست در دست زمان بگذارم  
یاد من باشد فردا دم صبح  
به نسیم از سر صدق، سلامی بدهم  
و به انگشت نخعی خواهم بست  
تا فراموش نگردد فردا  
زندگی شیرین است، زندگی باید کرد  
گرچه دیر است ولی  
کاسه ای آب به پشت سر لبخند بریزم، شاید  
به سلامت ز سفر برگردد  
بذر امید بکارم، در دل  
لحظه را در یابم  
من به بازار محبت بروم فردا صبح  
مهربانی خودم، عرضه کنم  
یک بغل عشق از آنجا بخرم  
یاد من باشد فردا حتما  
به سلامی، دل همسایه خود شاد کنم  
بگذرم از سر تقصیر رفیق، بنشینم دم در  
چشم بر کوچه بدوزم با شوق  
تا که شاید برسد همسفری، ببرد این دل مارا با خود  
و بدانم دیگر قهر هم چیز بدیست  
یاد من باشد فردا حتما  
باور این را بکنم، که دگر فرصت نیست  
و بدانم که اگر دیر کنم، مهلتی نیست مرا  
و بدانم که شبی خواهیم رفت  
و شبی هست، که نیست، پس از آن فردایی  
یاد من باشد  
باز اگر فردا، غفلت کردم  
آخرین لحظه از فردا شب،  
من به خود باز بگویم  
این را  
مهربان باشم با مردم شهر  
و فراموش کنم هر چه گذشت....."

فریدون مشیری

و یا به اصلاح فرود می آید. هر دستگاه با یک یا چند قطعه بنام «درآمد» شروع می شود و سپس گوشه ها پی در پی ادامه می یابند و معمولا هر گوشه با یک قطعه ارتباطی بنام «فرود» به دستگاه اصلی متصل می شود. گوشه ها معمولا از پنج یا شش نت تجاوز نمی کنند. این رو محدودده اجرائی هر گوشه نسبتا کم است. ولی عاملی که باعث تشخیص و تفکیک گوشه ها از یکدیگر می شود همان نت های شاهد، متغیر و ایست می باشد. نحوه اجرائی و محدودده اجرائی هر گوشه کاملا مشخص است و همین امر باعث می شود که نوازنده آزادی عمل در اجرای گوشه ها داشته باشد و بتواند «بداهه» نوازی کند و قدرت خلاقه و ذوق و شگرد کاری خود را ابراز کند. از این رو اجرای یک گوشه به توسط دو یا چند نوازنده هیچ وقت شبیه یکدیگر نخواهد بود و حتی چندین بار اجرای یک گوشه به توسط یک نوازنده هم نمی تواند کاملا شبیه هم باشد. بهمین جهت است که دستگاه های موسیقی ایران از وسعت اجرائی فوق العاده ای برخوردارند. تا شماره آینده شما را به خدای بزرگ می سپارم.

یک گام مثلا ماهور، دستگاه ماهور را بدون شنیدن گوشه های آن تشخیص داد. در حقیقت گام چکیده تنها و فو اصلی است که یک دستگاه را بوجود آورده اند. ردیف موسیقی ایران به هفت دستگاه اصلی، پنج نغمه فرعی و دوپست و بیست و هشت گوشه تقسیم شده است. هفت دستگاه اصلی عبارتند از شور، سه گاه، همایون، چهارگاه، ماهور، نوا، و راستپنجگاه. نغمات فرعی عبارتند از ابوعطا، بیات ترک، افشاری، دشتی و اصفهان. در هر یک از دستگاه ها و گوشه ها سه صدای اصلی وجود دارد که مشخص کننده آن دستگاه و یا آن گوشه است. این نت ها عبارتند از نت شاهد، نت متغیر و نت ایست. نت شاهد که مرکز ملودی محسوب می شود، نتی است که به میزان یک فاصله به اصطلاح ربع پرده بترف زیر یا بم (BAM) تغییر جا می دهد و برای بوجود آوردن حالات مختلف نظیر غم و شادی بکار می روند. نت متغیر در تمام گوشه ها استفاده نمی شود و موارد استفاده بخصوصی دارد. نت ایست نتی است که آهنگ موقتا روی آن ختم می شود



## دستگاه، نغمه، گوشه

آرمان عطایی

دارای فواصل بخصوص به خود است که به ربع پرده معروف است. در حقیقت ربع پرده به معنی ۱/۴ پرده نیست بلکه فو اصلی است که بنا به شور و حال نوازنده و دستگاه و نغمه که اجرا می شود تغییر پیدا می کند. این تغییر فواصل در دستگاه های گوناگون متفاوت است. این فواصل عملا کمتر از نیم پرده است ولی ربع پرده نیست. فواصل که در ردیف موسیقی ایران بکار می روند عبارتند از فواصل کوچک و بزرگ و درست از موسیقی غربی بیش بزرگ، نیم بزرگ، بیش درست، کم درست و کم کوچک از موسیقی ایرانی. کام به توالی منظم هشت نت که پایه اصلی بوجود آورنده یک دستگاه هستند گفته می شود. چگونگی پشت سرهم قرار گرفتن تنها و فواصل میانی آنها دستگاه های مختلف را مشخص می کند بطوریکه حتی می توان با شنیدن

در مطلب این ماه می خواهم که شما را با تاریخ موسیقی ایران آشنا کنم، ردیف کامل دستگاه ها را بازگو کرده و در اطراف آن توضیحات لازم را بدهم. همچنین از خواص فنی و کیفیت موسیقی خود سخن گفته و سازهای ملی را معرفی می کنم و خلاصه از مباحث مختلف موسیقی ملی گفتگو خواهم کرد. اساس موسیقی ایران بر مقامات است. در کتابهای قدیم، موسیقی ایران را در دوازده مقام مورد بحث قرار داده اند و برخی دیگر دواپری را به آن افزوده اند و بعضی هم از چند آواز نام برده اند ولی بعدها نام مقام به «دستگاه» تبدیل شد و در حال حاضر موسیقی ما از هفت دستگاه تشکیل می شود.

موسیقی سنتی ایران با اصالت و غنائی که در خود نهفته دارد یکی از ارزش ترین موسیقی جهان است که علاوه بر دارا بودن فواصل موسیقی غربی،

# 11<sup>TH</sup> ANNUAL SAN FRANCISCO FUNDRAISING GALA

## یازدهمین جشن سالانه شام و موسیقی خیریه MOMS AGAINST POVERTY

مؤسسه خیریه و غیر انتفاعی MAP  
از ایرانیان گرامی و نیک خواه ساکن شمال  
کالیفرنیا برای شرکت در یازدهمین جشن  
شام خیریه مؤسسه دعوت بعمل میآورد.

با موسیقی دی جی دکتر تی و آی کوت، هنرنمایی گروه رقص نوا و خوانندگی گروه جیسی تریاب در این شب شادی گردهم آییم تا آغاز یازدهمین سال فعالیت مؤسسه و دستاوردهای چشمگین شما نیک اندیشان و نیک خواهان در یاری به کودکان بی سرپرست و بدسرپرست و نیازمند در ایران و سراسر دنیا را جشن بگیریم. **یاری کردن فرشته ها سعادت است.**  
تمامی درآمد حاصله از این جشن صرف برنامه های نیکوکاری مؤسسه خواهد شد.



در روز شنبه ۶ اکتبر ۲۰۱۸ از ساعت ۷ عصر الی  
نیمه شب در طبقه فوقانی ساختمان METREON  
شهر سان فرانسیسکو میزبان شما خواهیم بود.

این میهمانی ویژه افراد بالای ۱۸ سال میباشد و  
خرید بلیت در محل جشن امکان پذیر نخواهد بود.

مؤسسه MAP یک مؤسسه 501 c3 ثبت شده در آمریکا با معافیت مالیاتی IRS و مجوز وزارت دارایی آمریکا OFAC برای ارسال پول به ایران میباشد.

برای تهیه بلیت ورودی (۱۵۰ دلار) به وبسایت [momsagainstpoverty.org/SFGalaTix](http://momsagainstpoverty.org/SFGalaTix) مراجعه فرمایید.  
جهت همیاری در پروژه های حمایت از کودکان و درج آگهی در برنامه جشن می توانید با خانم مرجان جواهریان با شماره تلفن 430-5600 (650) و یا ایمیل [marjan@momsagainstpoverty.org](mailto:marjan@momsagainstpoverty.org) تماس حاصل فرمایید.  
به امید دیدار شما  
حامیان و دوستان  
کودکان نیازمند!

SAT 6 OCT  
2018  
7 PM - 12 AM  
CITY VIEW AT METREON  
135 4TH ST, SAN FRANCISCO, CA 94103

و نشریه، ایجاد مدارس و سایر مؤسسات فرهنگی مانند چاپخانه، زبانکده و هنر کده است.

علاوه بر این ها، این انجمن ها می توانند به فعالیت هایی بپردازند که جنبه اجتماعی دارند و شامل کارهایی اند مثل ایجاد صندوق و مؤسسات خیریه، ایجاد مراکز درمانی، ایجاد تعاونی های تولید و توزیع، ایجاد مهد کودک و مراکز نگهداری سالمندان، ایجاد باشگاه های ورزشی و تفریحات سالم و برگزاری مراسم و اعیاد قومی و انجام گردش های علمی، تفریحی و مذهبی.

ماده ۳۹ این قانون هم تأکید می کند که کلیه موارد مطرح شده در ماده ۲۸ یعنی انجام فعالیت های مذهبی، اجتماعی و فرهنگی و تبصره های ذیل آن، نباید ناقض قوانین و مقررات مملکتی باشد و تشخیص انطباق یا عدم آن، به عهده کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب است.

اساسنامه انجمن اقلیت های دینی علاوه بر شرایط قید شده در تبصره ۳ ماده ۳ آیین نامه اجرایی قانون احزاب، باید دربرگیرنده رابطه انجمن با سایر اقلیت های دینی، رابطه انجمن با همکیشان سایر کشورها، رابطه انجمن با همکیشان خارجی مقیم ایران، رابطه انجمن با همکیشان ایرانی مقیم خارج نیز باشد.

مروری بر فعالیت های انجمن های متعلق به اقلیت های دینی در ایران، نشان می دهد که اغلب این انجمن ها برای سازش با فضای سیاست زده و بسته ایران، به انجمن ها و گروه هایی محدود به خود تبدیل شده اند و نقش و اثر آنها هم به دایره معتقدان و اعضا محدود است و بیشترین گروه های تشکیل شده متعلق به مسیحیان است.

اللهی گنابادی در قم فراهم شده و برای احداث مسجد برای اهل تسنن در تهران و سایر شهرستان ها مجوز صادر نمی شود. بر اساس گزارش های موجود، اقلیت های دینی در ایران ۶۰ انجمن دارند. حق تشکیل انجمن اقلیت های دینی، بر اساس اصل ۱۳ قانون اساسی، عبارت است از ایجاد تشکیلاتی «مربک از اعضای داوطلب همان اقلیت دینی که هدف آن حل مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد».

بر این اساس قانون «فعالیت احزاب، جمعیت های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده» در ماده ۳۷ می گوید که متقاضیان تشکیل انجمن اقلیت های دینی موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی باید همگی از اعضای یک اقلیت شناخته شده باشند.

بر اساس ماده ۲۸ این قانون، در مرامنامه تشکیل انجمن باید اهداف کاملاً مشخص و دربرگیرنده حل مشکلات و مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد. تبصره این ماده مشخص می کند که منظور از مسائل دینی چیست. این مسائل عبارت اند از برگزاری مراسم مذهبی عادی، برگزاری جشن ها و اعیاد و مراسم سوگواری مذهبی، برگزاری سخنرانی ها یا سمینارهای تبلیغی، نشر کتب و مقالات و مجلات مذهبی، دعوت از مبلغان مذهبی سایر کشورها و تعمیر معابد و امکنه مقدسه. تبصره ۲ این قانون هم به تعیین مسایل فرهنگی قابل طرح در این انجمن ها می پردازد که بر اساس آن، بررسی مسائل فرهنگی شامل نشر زبان خاص مربوط به خود از طریق تشکیل کلاس های خصوصی

## اقلیت ها و حق تشکیل گروه در ایران: نه هر اقلیتی، نه هر فعالیتی

نعیمه دوستدار



اما تنها برای برخی از این گروه ها، اصل ۱۲ قانون اساسی ایران «اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری» را به عنوان دین رسمی کشور معرفی کرد و به این که دیگر مذهب های اسلامی همچون حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی و زیدی می توانند مطابق فقه خود عمل کنند، بسنده شد. اصل سیزدهم قانون اساسی ایران هم اقلیت ها را این گونه تعریف کرده است: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی، مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می کنند». این به معنای آن است که اقلیت های خارج از این سه دین، امکان تشکیل انجمن و گروه نخواهند داشت؛ به ویژه بهائیان به عنوان بزرگترین جامعه دینی در ایران پس از مسلمانان از حق تشکیل هرگونه انجمن و گروهی محروم اند.

اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی همه باورها را به استثنای مذهب اکثریت شیعه غیررسمی می داند و در عمل حق برخورداری از پرستشگاه مذهبی و برگزاری آیین های مذهبی و تبلیغ مسالمت آمیز را از پیروان سایر مذاهب و آیین ها به کلی سلب می کند. به همین دلیل است که در سایه این عدم رسمیت، امکان تخریب تمامی اماکن مورد احترام آیین بهائیت، برخی از مکان های مقدس زرتشتیان، تخریب حسینیه در ارایش نعمت

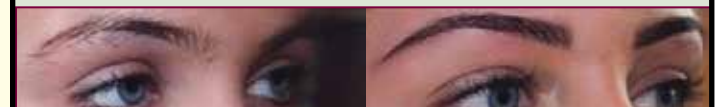
آیا امکان تشکیل هیچ گونه گروه و انجمنی برای گروه هایی غیر از مسیحیان، کلیمیان و زرتشتیان ایران وجود دارد؟ در مورد بزرگ ترین گروه مذهبی پس از مسلمانان که پیروان آیین بهائیت اند نیز، این پاسخ منفی است. جمهوری اسلامی این آئین را ضاله می داند و با تشکیل هرگونه گروه و جمعی که متشکل از پیروان این آئین باشد برخورد می کند.

کشورهای عضو سازمان ملل متحد در ۱۹۹۲ اعلامیه مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیت های ملی یا قومی، دینی و زبانی را به اتفاق آرا تصویب کردند. این اعلامیه ضابطه های ضرور برای تضمین حقوق اشخاص متعلق به اقلیت ها را تعیین کرده و مرجعی کلیدی برای کار سازمان ملل متحد است. بر اساس این اعلامیه، اشخاص متعلق به گروه های اقلیت «حق دارند به گونه ای مؤثر در زندگی فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و عمومی مشارکت کنند»، «حق دارند به طور کامل در همه مسایل اجتماع شرکت کنند» و «انجمن های خود را تشکیل دهند و حفظ کنند». این اعلامیه تأکید می کند که اقلیت ها برای حفظ و ادامه زندگی فرهنگی یا دینی خود می توانند انجمن ها، باشگاه ها یا مراکز فرهنگی، از جمله نهادهای آموزشی یا دینی تشکیل دهند و تأسیس کنند. در ایران هم حق تشکیل انجمن اقلیت های دینی به رسمیت شناخته شده است

## Eyebrows Threading by Nazi

### آرایش و مدل دادن ابرو و بند صورت

مزایای بند ابرو: ماساژ و به جریان انداختن خون زیر پوست صورت، روش کاملاً طبیعی، سریع و تمیز، درد کمتر نسبت به wax



- ◆ Eyebrows \$10 ◆ Upper lip \$5 ◆ Chin \$5
- ◆ Sideburns- cheeks \$8 ◆ Full face including eyebrows \$25

408-832-4158

نازی

با تعیین وقت قبلی

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
د	ا	ب	ر	ا	ت	س	ا	س	ا	ل	ا	د	ا	ی
ه														
ا	ت	ا	و	ل	ی	م	ز	و	م	ه	ز	م	د	م
ا	ر	ا	ر	ا	ر	ا	ب	ا	م	ا	م	ا	ا	ا
د														
ر														
ا														
ه														
ت														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

## خواص گردو



مصرف کردن، امتیازات اضافی ندارد پس زیاده روی نکنید.

**تقویت سلامت مغز:** گردو را غذای مغز می‌دانند. ساختار ظاهری گردو نیز به گونه‌ای است که ظاهر چین و چروک‌دار مغز را به ذهن می‌آورد. گردو حاوی اسیدهای چرب امگا ۳ است که فعالیت مغز را افزایش داده و همچنین ید و سلنیوم گردو، باعث بهبود عملکرد مغز می‌شود.

مطالعاتی که در سال ۲۰۰۹ در نشریه Nutrition منتشر شد نشان داد مصرف غذاهای سرشار از آنتی‌اکسیدان مانند گردو می‌تواند طول عمر سالم را افزایش داده و عملکرد ادراکی و حرکتی را که معمولاً با بالا رفتن سن، ضعیف می‌شود، تقویت کند. مطالعه دیگر نیز می‌گوید گردو غنی از پلی فنول‌هاست که نوعی آنتی‌اکسیدان بوده و به کاهش التهاب در مغز و بار اکسایند آن کمک می‌کنند. اسیدهای چرب چند غیر اشباع موجود در گردو می‌توانند از بروز اختلالات ناشی از سالخوردگی جلوگیری کنند.

در نگاه طلب در صفحه ۴۷

هر گونه تغییر در رژیم غذایی و عادات روزمره با پزشک خود مشورت نمایید و از عدم تأثیر مضر تغییرات مورد نظر بر سلامتی خود اطمینان حاصل نمایید.

گردو یکی از خوراکی‌های بسیار ساده‌ای است که برای سلامتی‌تان فوق‌العاده مفید می‌باشد. گردو، خواص غذایی خاص خودش را دارد و یکی از منابع با ارزش پروتئین، چربی‌های سالم، فیبر، استرول‌های گیاهی و بسیاری از ویتامین‌ها و مواد معدنی محسوب می‌شود. تنها ۳۰ گرم گردو، صد درصد از نیاز روزانه شما به امگا ۳ را تأمین می‌کند.

ویتامین‌های موجود در گردو شامل، ویتامین C، تیامین، ریبوفلاوین، نیاسین، پانتوتینیک اسید (ویتامین B5)، ویتامین B6، اسید فولیک و ویتامین‌های B12، E، K و A می‌شود. کاروتنوئیدهای موجود در گردو نیز شامل بتا کاروتن، لوتئین و زیاکسانتین می‌شود. همچنین گردو منبع غنی از مواد معدنی شامل کلسیم، آهن، منیزیم، فسفر، پتاسیم، روی، مس، منگنز و سلنیوم است. گردو هم مانند سایر مغزها، سرشار از فیبر و پروتئین است. گذشته از همه اینها، گردو طعم خوبی دارد و شما می‌توانید آن را به عنوان بخشی از میان وعده‌ای سالم یا همراه با غلات صبحانه، جو دوسر، اسموتی و یا حتی سالاد مصرف کنید. کیک و بیسکویت‌های گردویی هم در میان بچه‌ها و بزرگسالان طرفداران زیادی دارد.

شما باید روزانه، فقط ۳۰ گرم گردو بخورید که چیزی معادل ۷ عدد گردوی با پوست است. بیشتر از این گردو

گرامی با مفاهیم طب سنتی بوده و به هیچ گونه جهت پیشگیری، درمان و تشخیص بیماری توصیه نمی‌گردد. نگارنده اکیدا توصیه می‌کند قبل از

## طب سنتی

دکتر فرید رمضان



موقعیت جغرافیایی مطرح می‌گردند. اغلب ما افسردگی در زمستان‌ها و یا شادابی در روزهای آفتابی را تجربه کرده و یا شنیده ایم. بنابراین انسان‌ها جهت حفظ سلامتی خود علاوه بر توجه به عواملی از قبیل تغذیه سالم بایستی عوامل محیطی را نیز در نظر داشته باشند.

**مزاج زمان های شبانه روز بر اساس فصل ها می تواند متفاوت باشد اما به عنوان یک قاعده عمومی:**

♦ مزاج صبح به گرمی و تری نزدیک است.  
♦ مزاج ظهر گرایی به گرمی و خشکی دارد.  
♦ مزاج عصر تمایل به سردی و خشکی دارد.  
♦ شب نسبت به روز سردتر و مرطوب تر است.

**فصل های مختلف نیز مزاج های مختلفی دارند که عبارتند از:**

**بهار:** گرم و تر  
**تابستان:** گرم و خشک  
**پاییز:** سرد و خشک  
**زمستان:** سرد و تر

نکته مهمی که بایستی مد نظر بایستی قرار بگیرد این است که فصل طبی کاملاً منطبق بر فصل تقویمی نیست. به عنوان مثال بهار طبی در کالیفرنیا حدوداً از اواخر فوریه و ابتدای مارچ شروع می‌شود که با بهار نجومی منطبق نمی‌گردد. حال با در نظر گرفتن مزاج به راحتی می‌توان درک کرد که چرا ما در تابستان علاقه بیشتری به غذاهای سرد مثل دوغ، خیار و هندوانه داریم و در فصل زمستان علاقمند به مصرف غذاهای گرم مثل حلیم و آش هستیم. توجه به مطالب بیان شده در طب سنتی می‌تواند در موارد دیگر نیز به ما کمک کند. به عنوان مثال مصرف غذای سرد مانند سالاد سبزیجات در وعده شام با مفاهیم طب سنتی مغایرت دارد. توصیه طب سنتی در این موارد مصرف غذای سرد در وعده نهار است چرا که طبع روز در آن موقع گرم و خشک است و مصرف غذای سرد در این زمان بدن را به حالت تعادل نزدیک می‌کند. ذکر این نکته ضروری است که مطالب ذکر شده تنها جهت آشنایی سروران

همان طور که در جلسه اول ذکر گردید، مزاج کیفیتی است که از واکنش متقابل دو یا چند عنصر حاصل می‌شود. به زبان ساده تر، اجزای مواد (عناصر و یا مواد ترکیبی) با یکدیگر کنش و واکنش کرده و پس از رسیدن به تعادل کیفیت جدید و همگونی حاصل می‌شود که به آن مزاج می‌گوییم. برای مثال اگر آب عنصری (کیفیت سرد و تر) و خاک عنصری (کیفیت سرد و خشک) با نسبتی مساوی با هم بیاویزند ترکیب به دست آمده مزاج سرد دارد اما از نظر تری و خشکی به تعادل نزدیک است (تری و خشکی یکدیگر را خنثی کرده و به حالت تعادل رسیده اند). چون تمام جهان هستی از این چهار عنصر ذکر شده به وجود آمده اند، هر جسمی دارای مزاج خواهد بود. بر اساس جهان بینی طب سنتی هر چیزی که برای ما قابل درک باشد دارای مزاج است. در این تعریف نه تنها اجسام، بلکه زمان (صبح، شب، فصلها و ...) و حالات روحی (شادابی، افسردگی و ...) دارای مزاج می‌باشند و می‌توانند بر بدن ما تأثیر بگذارند.

**مزاج در حالت کلی می تواند به نه شکل مختلف وجود داشته باشد که عبارتند از:**

۱. معتدل: در این حالت هر چهار عنصر به میزان یکسان وجود دارند.  
۲. گرم: در این حالت میزان آتش و هوا بیشتر است.  
۳. سرد: میزان آب و خاک بیشتر است.  
۴. تر: آب و هوا برتری دارند.  
۵. خشک: آتش و خاک میزان بیشتری دارند.  
۶. گرم و تر: میزان هوا در جسم بیشتر است.  
۷. گرم و خشک: آتش بر بقیه عناصر برتری دارد.  
۸. سرد و تر: در این حالت میزان آب عنصری بیشتر است.  
۹. سرد و خشک: خاک عنصری بر بقیه عناصر غلبه دارد.

بر اساس مفاهیم ذکر شده و آموزه های علم قدیم و طب سنتی پرتوهای خورشید و ماه بر محیط و آب و هوای اطراف ما تأثیر گذار بوده و سبب می‌شوند تا این عوامل دارای مزاج های مختلفی باشند که تحت عنوان مزاج روز، فصل و مزاج

## به نام آنکه هستی بخش است و جان آفرین



انجام مراسم عقد شرعی و سنتی ایرانی و آمریکایی

توسط دکتر مهری پیروز

در تمام موجودات نور خدا هست، چنانچه این نور بر فروخته شود، بر همه چیز غلبه خواهد شد و زندگی را با آرامش و شفای درونی به حال طبیعی بر می‌گرداند.

۹۴۶۱-۸۵۹ (۴۱۵)

## از ماست که بر ماست

افلیا پرویزاد

سن نوجوانی می رسند، این امر به آنها مشتبه می شود که بیشتر از پدر و مادر در مورد زندگی آگاهی دارند و با نداشتن اطلاعات کافی، به آن صورتی که باید در خارج از منزل توجه و احساس خطر نمی کنند. ما در جامعه ای زندگی می کنیم که این افراد جنایت کار می توانند در سن های مختلف باشند و بسیاری از آنها در ظاهر اصلا نشان نمی دهند که توانایی چنین کارهای کثیفی را دارند.

پیشنهاد دیگری برای خانواده های بچه دار دارم و این است که با مدیر مدرسه ای که بچه تان در آن درس می خواند تماس بگیرید و از او بخواهید که روزی را تائین کرده و جلسه ای برای تمام مادر و پدرها گذاشته و با پخش اعلامیه، آنها را مطلع کنند اگر چنین افرادی در چند مایلی مدرسه زندگی می کنند و با دادن آموزش های لازم به پدر و مادرها، بچه ها را آماده کنیم در مورد چگونه برخورد کردن با چنین افرادی.

یادمان باشد که چنین کسانی که به افراد کم سن و سال و معمولاً زیر سن ۱۶ سال به عناوین مختلف تجاوز جنسی می کنند، از نظر روحی و روانی اشخاص بسیار مریضی هستند و شاید یکی دو درصد از آنها بتوانند خود را کنترل کرده و آزاری به کسی نرسانند، اما بقیه ممکن است که دیر یا زود احساسات جنسی خود را نتوانند کنترل کنند و بچه ای را در همسایگی نشان کرده و در اولین فرصت اعمال کثیف خود را بر روی آن بچه انجام دهند.

لطفاً وقت بگذارید و در مورد این افراد از طریق آدرس اینترنتی که در این مقاله درج شده است آگاهی بگیرید و همچنین به دوستان و آشنایان خود نیز این مهم را یادآوری کنید.

مستقیم برای بچه هایمان داشته باشند، بلکه تعدادی از این افراد بعد از مدتی ناپدید شده و گزارشی از خود و یا از محل سکونت خود به پلیس نمی دهند. به تجربه ثابت شده است که چنین اشخاصی در بیشتر موارد در همسایگی و ناحیه ای که در آن سکونت می کنیم زندگی می کنند و در نتیجه به نظر من آگاهی و دانستن اطلاعات لازم در این مورد بسیار مهم و حیاتی است.

خوشبختانه ما در کشوری زندگی می کنیم که از طروق مختلف اطلاعات در مورد چنین اشخاصی در اختیار عموم گذاشته شده است. اما متأسفانه بسیاری از ما، بخصوص در میان هموطنان، به چنین مهمی توجه و یا حتی فکر نکرده و در نتیجه ممکن است که به دلایلی ناخوشایند، در موقعیت هایی متوجه شویم که بطور مثال همسایه بغلی دستی که یک مرد مسن، با ظاهری بسیار خوش رو و مهربان است، می تواند جزو افرادی باشد که سابقه تجاوز جنسی به افراد زیر ۱۶ سال را دارد.

لطفاً با رجوع به سایت اینترنتی [www.familywatchdog.us](http://www.familywatchdog.us) کد پستی محل سکونت خود را تایپ کنید و اطلاعات کامل به همراه عکس در مورد این افراد را که ممکن است در همسایگی و یا در ناحیه محل سکونت شما زندگی کنند کسب کنید. بخصوص اگر شما فرزند زیر سن ۱۶ سال دارید پیشنهاد می کنم که با کسب آگاهی در مورد این موضوع حیاتی و مهم، به فرزندان خود، با نشان دادن عکس و سابقه کامل این افراد، در این مورد بسیار حساس آموزش دهید و آنها را به فرزندانمان معرفی کرده و به آنها هشدار بدهید که در ارتباط با اشخاصی که نمی شناسند هشیار باشند. متأسفانه اکثر فرزندانمان وقتی به

به هر حال، هیچکدام از ما انسان های کاملی نیستیم و مطمئناً در زندگی به عناوین مختلف کارهای نادرست انجام داده ایم، اما مهم، پیشگیری، توجه و در نتیجه بهتر کردن خود است. البته افرادی نیز هستند که متأسفانه رفتار و اعمال نادرست آنها ریشه های عمیق تر داشته که بنظر من می تواند رابطه ای مستقیم با ناراحتی و بیماری روحی آنها داشته باشد که البته به تجربه نیز ثابت شده است که برای در صد بسیار بالایی از این اشخاص، متأسفانه درمانی برای افکار منحرف و اعمال نادرست آنها نیست.

البته در این مقاله، بیشتر صحبت من در مورد کسانی است که به عناوین مختلف و در هر شکل و شمایل، به افراد کم سن و سال تجاوز جنسی می کنند. مطمئناً برای بسیاری از مردم، بخصوص والدین، این موضوع جالب و خوشایندی نمی تواند باشد، اما حقایق تلخ زندگی را نمی شود و نباید نادیده گرفت.

برای من باعث حیرت و تعجب است که این اشخاص، با اینکه تعداد بسیاری از آنها از نظر قانونی شناخته شده هستند، اما قانوناً اجازه دارند تا با آزادی در بین خانواده ها زندگی کنند. البته درست است که باید بر طبق قانون هر چند وقت یکبار به اداره پلیس مراجعه کرده و از خود و محل اقامت خود گزارش بدهند، اما با این حال در نظر من نه تنها این افراد می توانند با زندگی کردن در میان اشخاصی مثل من و شما، خطر

در زندگی روزانه مان، به اشخاص مختلفی برخورد می کنیم که در اکثر موارد هیچگونه آگاهی از گذشته این افراد نداریم.

با چنین اشخاصی می شود به عناوین مختلف، خواسته و یا ناخواسته، ارتباط برقرار کرد. ممکن است همسایه دیوار به دیوار باشند یا یکی دو کوچه آنطرف تر زندگی کنند. ممکن است وقتی برای خرید به مغازه محلی خود می رویم جزو کارکنان آن سوپر مارکت باشند و یا احتمال دارد حتی در مهمانی های دوستان و آشنایان آنها را ملاقات کنیم.

مسلماً آگاهی و دانش به گذشته تمام افرادی که روزانه و یا هر چند وقت یکبار به آنها برخورد می کنیم امکان پذیر نیست. مطمئناً جزو این اشخاص می تواند کسانی نیز باشند که سابقه سوء پیشینه داشته و از نظر قانونی نیز شناخته شده باشند، اما متأسفانه من و شما از تاریخچه اعمال غیر قانونی آنها، که ممکن است در بعضی از شرایط دانستن چنین اطلاعاتی بسیار حیاتی نیز باشد، بی خبر باشیم.

البته من به شخصه سعی می کنم که حتی با دانستن گذشته بعضی از افراد، در مورد آنها قضاوت منفی نکنم، چرا که در خیلی از موارد اتفاق افتاده است که شخص در موقعیتی قرار گرفته و کار نادرست انجام داده و از نظر قانونی نیز مجازات شده است و در نتیجه از عمل خود عبرت گرفته و توانسته زندگیش را در راه سالم عوض کند.

## آگهی استخدام

شرکت برقکشی ساختمان

(Residential, Commercial, Industrial)

به چند تکنسین برقکار ماهر و نیمه ماهر و نیز کارگر ساده، به طور تمام و یا نیمه وقت نیازمند است.

برای اطلاعات بیشتر لطفاً با ما تماس حاصل فرمایید.

۹۸۶۲-۸۵۸-(۴۰۸)



(408) 909-9060

By Appointment Only



# دفتر خدمات بین المللی

## Office of International Services



قبول وکالت در کلیه امور حقوقی در دادگاه های ایران

با همکاری **دکتر جمیله زنده نام** وکیل پایه یک دادگستری ایران

فارغ التحصیل حقوق از ایران و آمریکا و کارشناس قوانین ایران در دادگاه های آمریکا دارای بیش از ۳۵ سال سابقه در امور حقوقی داخلی ایران و بین المللی

ارائه خدمات حقوقی در ایران، از طریق دفتر حقوقی ما در تهران و وکلای همکار خواهد بود

♦ مشاوره حضوری

♦ طرح دعاوی ملکی علیه اشخاص و نهادهای دولتی

♦ امور خانوادگی، ازدواج و طلاق

♦ امور تجاری، بازرگانی و ثبت شرکت ها

♦ تنظیم وصیت نامه و انحصار وراثت

♦ تنظیم انواع قرارداد و وکالتنامه

♦ برقراری حقوق بازنشستگی و مستمری

♦ کارشناس قوانین ایران در دادگاه های آمریکا

♦ انجام کلیه امور موبوط به دفتر حفاظت منافع ایران

♦ *Legal Consultation* ♦ *Real Estate* ♦ *Family Law* ♦ *Business Law* ♦ *Wills & Probate* ♦ *Contracts & Power of Attorney* ♦ *Retirement Pension* ♦ *Expert Witness* ♦ *Handle all issues & due diligence relating to the Interests Section of Iran*

جهت مشاوره و حل کلیه مسائل حقوقی خود در ایران با دفتر خدمات بین المللی تماس بگیرید

Phone: (408) 909-9060 Toll Free: (888) 350-9060 Fax: (408) 503-0040

900 S. Winchester Blvd. #6, San Jose, CA 95128

امن است، ولی مثل هر جای دیگر اینجا نیز گاه گاهی اتفاقاتی می‌افتد. به همین خاطر ما به مهمانان خود پیشنهاد می‌کنیم که اگر پول، جواهرات یا اسناد با ارزشی با خود دارند آنها را به ما بسپارند تا در صندوق امانات هتل از آنها نگهداری کنیم.»

این پیشنهاد او مرا به فکر واداشت. حاصل تمام زندگی من اکنون در چند برگ کاغذ خلاصه شده بود. مردد مانده بودم که بهتر است آنها را با خود داشته باشم یا به او بسپارم. بالاخره به این نتیجه رسیدم بهتر است که اسناد را به او بسپارم. پاکتی را به من داد و گفت هر چه دارید را در این پاکت بگذارید و در آن را ببندید و به من بدهید. من هم همین کار را کردم و به اتاقم برگشتم.

نمی‌توانم بیان کنم که پیش از خواب رفتن با چه افکار و خیالاتی دست به گریبان بودم! نمی‌دانم کی بخواب رفتم. صبح زود بیدار شدم. به طور عجیبی سرحال بودم و احساس سبکی می‌کردم، ولی نه اشتها داشتم نه احساس کمبودی می‌کردم. بی‌نیازی عجیبی را در خودم حس می‌کردم. به همین خاطر به خودم گفتم به فرودگاه می‌روم، اگر گرسنه شدم آنجا چیزی می‌خورم و تا سوار شدن به هواپیما به طریقی سر خود را گرم می‌کنم. لباس پوشیدم و به دفتر هتل رفتم و به آقای که آنجا بود گفتم که برای من تاکسی خبر کند که مرا به فرودگاه ببرد. او اسم مرا پرسید و گفت: «چند روز است که در هتل هستید و در کدام اتاقی تشریف داشتید؟» به او گفتم: «من دیشب به اینجا آمده‌ام» و شماره اتاقم را به او گفتم. خندید و گفت: «ببخشید فرمودید شماره اتاق شما چه بود؟» وقتی دوباره شماره اتاقم را باو گفتم گفت: «ببخشید اینجا هتل کوچکی

است و بیست اتاق بیشتر ندارد. داشتن صد و بیست دو اتاق را حتی در خواب هم نمی‌توانم آرزو کنم.» گفتم: «آقا دارید با من شوخی می‌کنید؟» داشت کار ما به نزاع و اختلاف می‌کشید که به او گفتم: «اصلاً مهم نیست شماره اتاق من چند است، اسناد مرا بدهید که پول شما را پرداخت کنم.» با تعجب گفت: «چه اسنادی؟! منظور تون چیست؟!»

گفتم: «من دیشب به خانمی که اینجا کار می‌کرد پول و اسنادم را دادم که در صندوق امانات هتل برای من نگهدارد.»

مرد خشم‌آلود گفت: «من که عرض کردم، من صاحب این هتل کوچک هستم. ما اینجا صندوق امانات نداریم. مسافران ما پولی ندارند که نگه‌اش باشند و ما خواهیم برایشان نگهداری کنیم.» داشتم از کوره در می‌رفتم. گفتم: «می‌خواهم با خانمی که دیشب اینجا کار می‌کرد حرف بزنم.» گفت: «آقای محترم ما هرگز در اینجا کارمند زن نه داشته‌ایم و نه داریم! مستخدمین ما هم همه مرد هستند.» سردرگم و کلافه شده بودم. نمی‌دانستم چه باید بکنم. هر دو ساکت ولی عصبانی به هم نگاه می‌کردیم. سرانجام او گفت: «من نمی‌دانم شما کی هستید و دنبال چی هستید، ولی من دنبال دردرس نیستم! خواهش می‌کنم اینجا را ترک کنید و برای من و یا بهتر بگویم بیشتر برای خودتان دردرس درست نکنید.» با عصبانیت گفتم: «من با پلیس بروم بیرون رفتم. دم در با چند ولگرد روبرو شدم. من در تمام عمرم در این منطقه شهر نیامده بودم. اصلاً از وجود چنین جایی خبر نداشتم.

دنباله مطلب در صفحه ۴۹

**نوشتن بر سنگ قبر  
به فارسی و انگلیسی**

با خط نستعلیق  
بدون هزینه

۸۶۲۴-۲۲۱(۴۰۸)



## صندوق امانات

محمد نوری



جیبم کردم تا تنها چیزی را که با خود داشتم احساس کنم و مطمئن شوم که مختصر پول و چکی را که از بانک گرفته بودم سر جایشان هستند. اگر چه راهی طولانی در پیش داشتیم و جاده خیلی شلوغی بود اما چیزی که باعث تعجب من شده بود این بود که او به راحتی راهش را در میان آن همه ماشین پیدا می‌کرد، یا بهتر بگویم همه برای او راه را باز می‌کردند. هرگز به چراغ قرمزی برخورد نکرد و اصلاً توجهی به ترافیک نداشت. انگار ما تنها ماشین در حال حرکت هستیم. من شکفت زده ماشین‌هایی را که به سختی از یکدیگر راه می‌گرفتند را نگاه می‌کردم.

بالاخره به هتل رسیدیم. راننده پیاده شد و در را برای من باز کرد و مرا تا میز خانمی که مسئول پذیرش مهمانان هتل بود همراهی کرد. به او سلام کرد و گفتم: «این آقای محترم به اتاقی برای امشب نیاز دارند.» آن خانم با لبخند خاصی سرش را تکان داد و گفت: «چشم بهترین اتاق هتل را در اختیار ایشان خواهم گذاشت» و از من پرسید: «وسایله‌ای که ندارید، دارید؟» راننده به جای من گفت: «نه.» و هر دو بهم لبخند زدند. من مبلغ قابل توجهی به راننده دادم که از فرم شدن رنگ صورتش و چندین بار خم و راست شدنش فهمیدم که چقدر تعجب کرده و شاید هم خوشحال شده.

به هر دلیلی که برایم روشن نبود احساس می‌کردم در قضاوت و فهمیدن برخورد این دو نفر با هم دچار مشکل هستم. راننده با من دست داد و از من خدا حافظی کرد. آن خانم خودش مرا به اتاق بسیار تمیز و راحتی برد و گفت: «اگر به چیزی احتیاج داشتید این زنگ را به صدا درآورید. هر کاری داشته باشید من خودم در خدمت شما خواهم بود، چون امشب خودم اینجا کار می‌کنم. در ضمن اگر چه این هتل کاملاً

کارمند بانک با حالت خاصی چکی را به دست من داد. از صورتش معلوم بود که چقدر تعجب کرده است! شاید تا به حال چکی با این مبلغ را در دستش نگرفته بود. حق هم داشت: این چک نتیجه زحمات تمام عمر من بود، این چک تمام هستی من. هر چه را داشته بودم فروخته یا بخشیده بودم. بعد از هفتاد و اندی سال زندگی، دور از محل تولدم، حالا تصمیم گرفته بودم به آنجا مهاجرت کنم. به خودم می‌گفتم شاید باید دوباره زبان مردم آن محل را یاد بگیرم، با افراد تازه‌های آشنا شوم، روش زندگی کردن آنها را بیاموزم. دو حال متفاوت داشتم، دو حس ناسازگار، از طرفی احساس آزادی و سبکی می‌کردم و از طرفی احساس بیهودگی و پوچی. نگاهی به عددی که روی چک نوشته بود کردم، نه آن عدد برایم معنی داشت و نه صفرهای فراوان آن!

از بانک بیرون آمدم. حالا دیگر نه خانه‌ای داشتم، نه ماشین آنچنانی و نه آن راننده مؤدب با لباس مخصوص را. برای اولین بار در خیابان منتظر تاکسی شدم. چند تاکسی از جلوی من رد شدند، با آنکه برای آنها دست تکان می‌دادم گویی مرا نمی‌دیدند. هیچ کدام برای سوار کردن من نمی‌ایستادند. من که چنین تجربه‌ای را نداشتم از خود می‌پرسیدم چرا؟ مگر راه دیگری هم برای تاکسی سوار شدن هست؟

در این فکر بودم که یک تاکسی جلوی پای من متوقف شد. جوان موقر و مؤدبی از آن بیرون آمد و گفت کجا تشریف می‌برید؟ و در تاکسی را برای من باز کرد. از او تشکر کردم و سوار شدم گفتم که مرا به هتلی نزدیک به فرودگاه ببرد، چون فردا صبح قصد سفر به خارج را دارم. با لبخند مهربانانه‌ای گفت: «چشم!» و پرسید: «شما جامه‌دانی، باری ندارید؟» گفتم: «نه» و دست در

## اطلاعیه

آدرس جدید دفتر خدمات بیمه سحر سلاخی

2239 Moorpark Ave., # 200  
San Jose CA 95128



## ادامه مطلب خواص گردو... از صفحه ۴۳

مشکلات مرتبط با دیابت را تشدید کند. افراد دیابتی می‌توانند بدون نگرانی بابت افزایش وزن، گردو بخورند، چون گردو حاوی مقادیر زیادی اسیدهای چرب چند غیر اشباع و تک غیر اشباع است. ضمناً مغزهایی چون گردو می‌توانند جزئی سالم از تغذیه دیابتی‌ها و آنهایی که مستعد دیابت هستند باشند.

**کمک به کاهش وزن:** گردو با وجود چربی زیادی که دارد می‌تواند در کاهش وزن‌تان مفید واقع شود. افزودن مقدار مناسبی از گردو و سایر مغزها به رژیم غذایی‌تان می‌تواند به شما کمک کند تا به مرور به وزن ایده‌آل‌تان برسید. چربی موجود در گردو، امگا ۳ و امگا ۹ نیز هست که بدن‌تان برای عملکرد مناسب به آنها نیاز دارد. مقدار زیاد اسید آلفا لینولنیک ضد التهابی، نقش مهمی در کاهش وزن دارد. ضمناً فیبر و پروتئین گردو، احساس سیری بیشتری به شما داده و مانع پرخوری‌تان می‌شود.

مطالعات نشان داده مصرف روزانه گردو، احساس رضایت و سیری را افزایش می‌دهد. رژیم‌های غذایی سرشار از مغزها، وزن بدن را بالا نمی‌برند، دور کمرتان را افزایش نمی‌دهند و بر شاخص توده بدنی‌تان نمی‌افزایند.

**تقویت سلامت استخوان‌ها:** گردو به دلیل سرشار بودن از امگا ۳، برای استخوان‌ها نیز سودمند است. اسید آلفا لینولنیک موجود در اسیدهای چرب امگا ۳، با التهاب مبارزه کرده، ریسک شکستگی استخوان را کاهش داده و از پوکی استخوان پیشگیری می‌کند. امگا ۳های مشتق شده از گیاهان (مانند بذر کتان و گردو)، حامی سلامت استخوان هستند. مس هم نقش مهمی در حفظ کلاژن استخوان‌ها و بافت‌های همبند دارد که در گردو یافت می‌شود. منیزیم هم عنصر مهم دیگری برای سلامت استخوان‌هاست که به جذب کلسیم کمک می‌کند. ضمناً منگنز به تشکیل غضروف هم کمک می‌کند.

**پاکسازی کبد:** مقادیر زیاد اسید آمینه ال آرژینین در گردو به کبد کمک می‌کند تا پاکسازی شده و ضمناً منبع خوبی از گلوکاتایپون و امگا ۳ است که برای پروسه سم زدایی طبیعی کبد سودمند است. پلی فنول‌های گردو، از آسیب کبد که ناشی از تتراکراید کرین و دی - گلاکتوزامین است پیشگیری می‌کنند. ویتامین E موجود در مغزهایی چون گردو، علائم بیماری‌های کبد ناشی از چاقی را کاهش می‌دهند.

گردو می‌تواند از بیماری‌های نورودجنراتیو (از دست دادن تدریجی ساختار و عملکرد سلول‌های عصبی) مانند پارکینسون و آلزایمر پیشگیری کند. همچنین گردو در کاهش ریسک، تاخیر وقوع و کند کردن روند پیشرفت یا جلوگیری از آلزایمر نقش دارد.

**مبارزه با سرطان:** گردو می‌تواند ریسک ابتلا به سرطان را کاهش دهد. گردو حاوی مقادیر مناسبی از پلی فنول‌ها و مواد فیتوشیمیایی است که ویژگی‌های آنتی اکسیدانی داشته و می‌توانند در برابر سرطان‌هایی چون سرطان سینه، کولون و پروستات مانند محافظ عمل کنند. گردو دارای ترکیبات ضد سرطانی مانند الاجیتانین، گاما توکوفرول و اسید آلفا لینولنیک است که خواص ضد سرطانی دارند.

مطالعه‌ای دریافته مولفه اصلی گردو، جاگلون (Juglone)، در کاهش استرس اکسیداتیو که منجر به سرطان می‌شود، نقش محافظ دارد. مصرف گردو می‌تواند امگا ۳ کافی، آنتی اکسیدان‌ها و پلی فنول‌های لازم برای کاهش ریسک سرطان سینه را تامین کند. مطالعه‌ای دیگر هم دریافته، خاصیت فنولیک و ضد تکثیر گردو، رشد سلول‌های سرطانی را مهار می‌کند و از این رو، به عنوان یک عامل Chemopreventive عمل خواهد کرد.

**تقویت سلامت قلب:** گردو حاوی امگا ۳، ویتامین K، منیزیم و اسید فولیک است که تمام اینها مواد مغذی لازم برای سلامت قلب هستند. ضمناً اسیدهای چرب تک غیر اشباع، چند غیر اشباع و فیبر موجود در گردو به افزایش HDL یا همان کلسترول خوب کمک می‌کنند و LDL یا همان کلسترول بد را کاهش می‌دهند.

خوردن چند عدد گردو در روز می‌تواند التهاب عروق قلب را کاهش داد و در نتیجه از بروز بیماری‌های قلبی پیشگیری کند. گردو برای بهبود عملکرد رگ‌های خونی هم مفید است برای همین ریسک ایجاد پلاک در عروق را می‌کاهد. پژوهش‌ها نشان داده گوارش آلفا لینولنیک که به وفور در گردو یافت می‌شود، از بیماری‌های قلبی پیشگیری می‌کند.

**کنترل دیابت:** آنهایی که دیابت دارند می‌توانند به طور مرتب گردو بخورند، چون برای‌شان مفید است. اول از همه، گردو می‌تواند عملکرد اندوتلیال یا لایه درون رگی را بهبود داده و ریسک بزرگ شدن قلب را کاهش بدهد. همچنین پروتئین و فیبر گردو به شما کمک می‌کند کمتر غذا بخورید، در نتیجه کنترل وزن بهتری داشته باشید. چاقی می‌تواند

## منابع حقوق بشری:

### آرش صادقی زندانی سیاسی در گوهر دشت به سرطان مبتلا شده است



برای درمان به مراکز تخصصی منتقل شود. عفو بین الملل بارها خواستار آزادی بی قید و شرط آرش صادقی و همسرش گلرخ ابراهیمی شده است. آرش صادقی که در اوین زندانی است در اعتراض به انتقال همسرش و آتنا دائمی، از روز ۲۷ ژانویه در اعتصاب غذا به سر می‌برد و خواستار بازگرداندن آن دو به زندان اوین شده است. گلرخ ابراهیمی همسر صادقی هم به اتهام نوشتن رمانی که چاپ و منتشر نشده و در آن مجازات سنگسار را محکوم کرده، به ۳ سال زندان محکوم شده است.

بر اساس آزمایش‌های اولیه، آرش صادقی زندانی سیاسی محبوس در زندان گوهر دشت کرج، احتمال به سرطان استخوان مبتلا شده است. او که نیاز به انتقال به بیمارستان و پی گیری مراحل درمانی دارد، اینک با مخالفت دادستانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مواجه شده است.

به گزارش گروه‌های حقوق بشری، مسئولین به او گفته اند به خاطر هزینه کلانی که برای نظام جمهوری اسلامی ایران به بار آورده است اجازه نخواهند داد زنده از زندان بیرون برود.

آرش صادقی روز ۲۳ خرداد امسال، بخاطر احساس درد شدید در ناحیه بازو به یکی از مراکز درمانی نظامی منتقل شد و بعد از معاینه و ام. آر. آی مشخص شد که او به بیماری تومور استخوانی مبتلاست و باید فوراً

## اعتصاب غذای شش زن درویش در زندان قرچک ادامه دارد



به گزارش کمیسیون حقوق بشر ایران شش تن از زنان درویش زندانی از تاریخ ۲۱ خرداد ماه در زندان قرچک در اعتراض به برخورد‌های ناهنجار مأموران زندان، به اعتصاب غذا دست زده‌اند. آنها عبارتند از: شکوفه یداللهی، الهام احمدی، سپیده مرادی، نازیلا نوری، مریم فرسیابی و معصومه براکوهی.

کردند که این تجمع با دخالت نیروی انتظامی و مأموران لباس شخصی به آشوب کشیده شد. در آن شب و صبح روز بعد طبق گفته درویش بیش از ۳۰۰ تن از درویشان بازداشت شدند و ۱۷۰ نفر آنها به دلیل شدت ضرب و شتم پس از بازداشت به چهار بیمارستان منتقل شدند. همه آنها پس از مداوای سریایی و دیگر بازداشتی‌ها، به دو زندان اوین و فشافویه منتقل شدند و زنان نیز به زندان قرچک فرستاده شدند. **دنباله مطلب در صفحه ۴۱**

مادر سپیده مرادی درویش زندانی به کمیسیون حقوق بشر در ایران گفت: «شش نفر از ده نفر زن درویش در زندان قرچک در اعتراض به برخورد‌های بد مأموران زندان قرچک ورامین و ادامه حصر نورعلی تابنده رهبر درویش از تاریخ دوشنبه ۲۱ خرداد ماه به اعتصاب غذای تر دست زده‌اند.»

درویش گنابادی در روز ۳۰ بهمن ۹۶ در اعتراض به محاصره خانه نورعلی تابنده، رهبرشان در خیابان هفتم پاسداران تهران تجمع

## آشغال دونی

خسرو شاهانی

آنوقت‌ها خانه ما واقع در یک کوچه فرعی منشعب از یک خیابان اصلی بود. در این کوچه تنگ و بن بست حدود چهارده پانزده خانوار زندگی می‌کردند. قبل از آمدن من به آن کوچه نمی‌دانم روی چه اصلی کمر کش کوچه زباله‌دانی شده بود و همسایه‌ها صبح به صبح طبق وظیفه‌ای که برای خودشان قابل بودند یک سطل خاکروبه و زباله می‌آوردند و روی خاکروبه‌های قبلی می‌ریختند. سپور محله ما هم جای مناسب و راه نزدیکی پیدا کرده بود همان کاری را می‌کرد که همسایه‌ها می‌کردند و از هر کجا که خاکروبه و آشغال جمع می‌کرد با کمک چرخ دستی‌اش به کوچه ما می‌آورد و روی خاکروبه‌ها می‌ریخت.

یکی دوبار به همسایه‌ها گفتم که «چرا آشغال و خاکروبه‌تان را کمر کوچه می‌ریزید؟» گفتند: «همه می‌ریزند ما هم می‌ریزیم.» به سپور محله گفتم: «تو دیگر چرا از محله‌های دیگر خاکروبه جمع می‌کنی و در کوچه ما می‌ریزی؟» گفت: «ما وظیفه داریم که خاکروبه‌ها را در یک جا جمع کنیم و بعد ماشین شهرداری بیاید و آن را ببرد.»

رفتم به برزن شهرداری محل جریان را گفتم که «این کوچه ما زباله‌دانی شده، بهداشت و سلامت مردم در خطر است. دستور بدهید این کثافت‌ها را از کوچه ما بردارند و به اهالی هم اخطار بفرمایید که دیگر در آنجا خاکروبه نریزند.» گفتند: «این کار مقرراتی دارد و نمی‌شود آستین سر خود خاکروبه‌ها را برد، باید آگهی مزایده منتشر کنیم، در روزنامه‌های کثیرالانتشار سه نوبت اعلان بدهیم هر که بیشتر خاکروبه‌های کوچه شما را خرید به او بفروشیم.»

به خیال با این جواب می‌خواهند مرا سنگ قلاب کنند و از سر باز کنند. گفتم: «پس تا وقتی آگهی مزایده‌تان منتشر می‌شود لاف‌ها را یک کاری بکنید که حجم و طول و ارتفاع این تپه کثافت بیشتر نشود.» گفتند: «ما نمی‌توانیم جلو درآمد دولت را بگیریم.»

از برزن بیرون آمدم و چند روزی دندان به جگر گذاشتم، از بخت بد چون خانه ما ته کوچه بود و همان یک راه را هم بیشتر نداشت من ناگزیر بودم روزی چند نوبت از برابر این زباله‌دانی و سگ‌های ولگرد روی خاکروبه‌ها و مگس‌های سمج خاکروبه‌نشین رژه بروم و باور کنید هر بار وارد کوچه یا خارج می‌شدم نصف عمر می‌شدم تا مدت‌ها حالت تهوع و سرگیجه داشتم.

رفتم قوطی رنگی تهیه کردم و قلم مویی هم خریدم و به دیوار بالای زباله‌دانی کمر کوچه نوشتم... «بر پدر و مادر کسی لعنت که اینجا خاکروبه بریزد یا بش...!» به

بیست روزی از این مقدمه گذشت. یک روز صبح که به سر کار می‌رفتم دیدم کمر کش کوچه مأموری در خانه‌ای ایستاده و از دختر بچه ای می‌پرسد: «پس کی جمع کرده؟» دخترک جواب داد: «من چه می‌دانم.»

حس کنجکاوی‌ام تحریک شد و همان جا ایستادم. در این موقع مادر دختر دم در آمد و به مأمور گفت: «والله به خدا ما بی‌تقصیریم سر کار. هرچه هم به آن آقا گفتیم این کار را نکند به خرجش نرفت و گفت به شما مربوط نیست.» مأمور اخم هایش را در هم کشید و پرسید: «خانهاش کجاست؟» مادر دختر جواب داد: «ته کوچه» و سرش را از چهار چوب در داخل کوچه آورد که خانه مورد نظر را نشان بدهد. چشمش به من افتاد و با خوشحالی مرا به مأمور نشان داد و گفت: «اینهاش... خود آقا اینجا وایساده.»

مأمور سرش را روی گردنش چرخاند و نگاهی به من کرد و گفت: «این زباله‌ها را شما جمع کردی؟» عرض کردم: «بله.» مأمور نگاهی به قد و قامت من کرد و گفت:

- به اجازه کی؟  
- اجازه نمی‌خواست سر کار .... یک کوه خاکروبه و کثافت کمر کوچه جمع شده بود... من دادم بردند.

- کجا بردند؟  
- چه عرض کنم سر کار  
- چطور چه عرض کنی... نمی‌دانی زباله‌ها را کجا بردند؟

- من چه می‌دانم سرکار شوfer بود.  
مأمور دستش را به کمرش زد و گفت: «خودت را مسخره کردی؟ توپ به مال دولت بستی خاکروبه‌های دولت را بردی و فروختی و پولش را ریختی به جیب! حالا جواب سر بالا هم می‌دهی؟» دیدم مثل این که یا سر سرکار خراب است یا من از مرحله پرتم گفتم: «سرکار جان! این چه فرمایشی است که می‌فرمایید! خاکروبه دولت کدام است؟ کی فروخته؟ من گردن شکسته صد تومان هم از جیبم دادم که کوچه پاک باشد!» دفترچه‌ای از جیبش بیرون آورد و اسم و مشخصات مرا پرسید و یادداشت کرد و رفت و من هم به دنبال کارم رفتم. فردا صبح همان مأمور به در خانه‌ام آمد و مرا به برزن برد. رفتم خدمت جناب رئیس و مؤدب ایستادم. آقای رئیس بعد از امضا کردن چند نامه سرش را بالا گرفت و نگاهی به من کرد و از مأمور پرسید: «همونی که زباله‌های دولت را خورده... همینه؟» نگذاشتم مأمور جواب بدهد. گفتم: «آقای رئیس چی می‌فرمایین؟ کی زباله‌های دولت را خورده؟ مگر من بلانسیت شما زباله خورم؟!»

پوز خندی زد و گفت: «نخیر زباله را نمی‌شود خورد. اما پولش را می‌شود خورد. بفرمائید بنشینید.» مؤدب روی صندلی روبروی جناب رئیس نشست. پرسید: «بگو

ببینم زباله‌ها را کجا بردی؟» گفتم: «دیروز هم به مأموران عرض کردم که نمی‌دانم خاکروبه‌ها را کجا بردند. فقط می‌دانم که صد تومان از من گرفتند و بردند.»

سیگاری روشن کرد و دودش را فرو داد و گفت: «شما می‌دانستید که این خاکروبه‌ها مال دولت بوده و طبق برآورد کارشناس ما، شما متجاوز از هفت هزار تومان زباله را بدون اجازه دولت فروخته‌ای؟» و بدون اینکه منتظر جواب من بشود مثل توپ ترکید که: «این کار را می‌گویند سرقه اموال دولت، این کار را می‌گویند اختلاس، این کار را می‌گویند دزدی و دستبرد زدن به مال دولت و به بیت‌المال ملت! فهمیدی؟» شقیقه‌هایم شروع کرد به کوفتن. سرم درد گرفته بود و زبانم داشت باد می‌کرد. یعنی چه؟! این چه کاری بود من کردم. حالا خوب است مرا به جرم اختلاس و سرقه اموال دولتی به محاکمه هم بکشند. با التماس گفتم: «آقا ممکن است بفرمایید با من چه کار می‌کنند؟» گفت: «ما قانون داریم، ماده داریم.» گفتم: «می‌دانم.» گفت: «طبق بند (ب) از تبصره ۳ ماده ۲۴۷۸۵۶ قانون مجازات عمدی همان رفتاری را با شما خواهند کرد که با متخلفین و سارقین اموال دولت می‌کنند.»

حالا بیا درستش کن! گفتم: «آقای رئیس!» گفت: «بله!» گفتم: «بفرمایید که از این ۲۴۷۸۵۶ ماده‌ای که فرمودین همین یک ماده شامل حال من می‌شود یا باز هم ماده‌های دیگری دارد؟» با عصبانیت گفت: «همین یک ماده هم برای هفت پشتت کافی است. بیا پسر پرونده آقا را تکمیل کن بفرست دادسرا.»

ای داد و بیدادا! این چه کاری بود من کردم. من چه کار به اموال دولتی داشتم. خوب این زباله‌های نکبت و کوه کثافت سال‌ها بود آنجا بودند. چکار داشتم در کاری که به من مربوط نبود دخالت کنم! داروغه محله بودم! کلاتر محله بودم! پیغمبر بودم که غم امت بخورم! من هم مثل بقیه. این چه کاری بود که من کردم؟

گفتم: «حالا آقای رئیس نمی‌شود به من فرجه بدهید که بروم از جایی خاکروبه‌های دولت را تأمین کنم و سر جای اولش بریزم؟» با عصبانیت گفت: «مگر هر خاکروبه‌ای خاکروبه دولت می‌شود؟ مگر کار دولت شوخیه؟!» گفتم: «آقای رئیس چرا منته به خشخاش می‌گذاری. خاکروبه خاکروبه است چه فرق می‌کند.» گفت: «ابدا. اگر می‌توانی بیست و چهار ساعته همان خاکروبه‌ها را پیدا کنی و سرجایش بگذاری، فیهما وگرنه باید پرونده‌ات برود به دادسرا.» قرار شد که فردا صبح نتیجه را به عرض برسانم وگرنه در غیر این صورت پرونده را به دادسرا بفرستند.

## ادامه مطلب صندوق امانات... از صفحه ۴۶

نمی‌توانستم بفهمم چه می‌گوید! ولی بجای عصبانیت آرامش دلپذیری را در خود احساس می‌کردم. او دستش را روی پیشانی من گذاشت. چشملهای من به آرامی بسته شد. چیزهایی را میدیدم که با چشم باز هرگز ندیده بودم، گویی در عالم خواب بودم که صدای او را شنیدم که گفت: «حالا نوبت پس دادن آخرین امانت ماست!» سپس ادامه داد: «مثل اینکه شما قصد داشتید به زادگاه خود برگردید. ما شما را از آنجا هم آسوتور خواهیم برد.»

وقتی نگاه پرشگراانه مرا که برای آخرین بار به او دوخته بودم دید، گفت: «کسی چه می‌داند؟! شاید هم روزی دوباره به همین صورت یا با صورت‌های دیگری برگردید. کی و کجا؟ ما هم نمی‌دانیم.»

دیگر چیزی نفهمیدم! مانند پرنده‌ای در حال پرواز بودم، بی‌نیاز و سبک‌بال، آزاد آزاد. هرآنچه را امانت به من داده بودند، بازپس داده بودم!

**پس چنین است بقای نسل انسان  
امانت می‌دهند جان را به ایشان  
مرا از آمدن چون آزمون است  
زید داناتر هر بار انسان**

روز دیگر بازپرس عدلیه مرا به بازپرسی می‌برد ورقه سؤال و جواب پر می‌کردند که زباله‌ها را کجا بردهم و پولش را چه کرده‌ام و با اجازه چه مقامی در کاری که به من مربوط نبوده دخالت کرده‌ام و روز بعد نوبت شعبه ۲۸۴ بازپرسی بود که مرا تحت محاکمه و «اخیه» می‌کشید که هدفم از ریختن زباله و خاکروب و کثافت در معبر عمومی چه بوده و طبق دستور چه باند خرابکاری قصد آغاز جنگ میکروبی را داشته‌ام. بلاخره بعد از سه ماه دوندگی و سرگردانی هفت هزار تومان طلب دولت را بابت زباله‌هایی که بنده بالا کشیده بودم به اضافه مالیات پر درآمدش از طریق حراج اثاث خانها مأمین کردند و نزدیک به سه هزار تومان جرمهاش را هم قسط بندی کردند که ماهیانه بپردازم. تا اینجا ظاهرا از شر پرونده اولی خلاص شدم. در پرونده دیگر که یکی دخالت بی‌مورد در کاری که به من مربوط نبوده و پرونده دیگر به اتهام آغاز جنگ میکروبی و عضو بودن در باند ناشناس خرابکاران ستون هفتم مفتوح است. حالا تا کی این دو پرونده بسته بشود خدا عالم است. از همه بدتر روزها که همسایه‌ها مرا در کوچه می‌بینند مرا به یکدیگر نشان می‌دهند و به هم می‌گویند: «این و می‌بینی؟ از اون ارفقه‌هاست. پنجاه هزار تومن مال دولت رو بالا کشید و راست راست هم راه می‌ره و یکی نیس بهش بگه بالا چشمش ابرونه؟ آدم زرنک به این می‌گن. اینجوری نبینش. چیزیه! سه تایی قدش زیر زمین.»

مدتی در خیابان منتظر تاکسی بودم که با تعجب دیدم همان جوان با همان تاکسی جلوی پای من ایستاد و سلام کرد و گفت: «با محبتی که شما دیشب به من کردید وظیفه خود دیدم که برای بردن شما به فرودگاه دنبالتان بیایم.» وقتی متوجه چهره عصبانی من شد گفت: «مگر دیشب به شما بد گذشته؟! وقتی به او گفتم که چه شده، حالتی به خود گرفت که من هرچه کوشیدم چیزی از آن نفهمیدم. بالاخره گفت: «من در اختیار شما هستم! می‌خواهید شما را کجا ببرم؟» گفتم: «مرا به کلانتری ببر!» گفت: «چشم» و راه افتاد. چند خیابان نگذشته بود که جلوی پای همان خانمی که شب قبل در هتل بود متوقف شد. وقتی آن خانم سوار تاکسی شد و به من سلام کرد از دیدنش هم خوشحال شده بودم، هم عصبانی. از او پرسیدم: «با اسناد و اموال من چه کردی؟» با لبخندی مرا به آرامش دعوت کرد و گفت: «شما امانت نگهدار خوبی بودید و از آنچه ما برای مدتی در اختیار شما گذاشتیم به خوبی نگهداری و استفاده کردید! آخرین کار پسندیده و سخاوتمندانه شما هم پاداشتی بود که دیروز به همکار من دادید» و اشاره به راننده تاکسی کرد.

مستوره برداشت تا در آزمایشگاه بعد از تجزیه، نوع میکروبی که بنده با آن قصد از بین بردن مردم را داشته‌ام معلوم شود و بقیه زباله‌ها را حکم کرد بار الاغ کردم و پنج تومان مجدداً به مردک الاغی دادم که زباله‌ها را به جای اولش برگرداند و به اتفاق بازرس عالی اداره کل بهداشتی و بهداشت راه افتادم. در اداره بازرسی در حدود پانزده شانزده صفحه بزرگ از من بازجویی کردند و دست آخر هم به جرم ریختن زباله در معبر عمومی و به خطر انداختن بهداشت عمومی پانصد تومان جریمه‌ام کردند و بعد پرونده را همراه با دستمال گره بسته محتوی مستوره زباله‌ها برای مطالعه و تشخیص مقامات صالحه فرستادند که معلوم شود با چه نوع میکروبی و طبق دستور کدام باند و دستگاه های سری بیگانه زباله در کوچه ریخته‌ام و از طریق جنگ میکروبی قصد منقرض کردن نسل حاضر را داشته‌ام و ضمانتی هم چهار میخه (که حوصله ندارم شرحش را بدهم) از بنده گرفتند که تا پایان محاکمه و کشف حقیقت از حوزه قضایی شهر خارج نشوم. تن به قضا دادم و از طرفی چون نه می‌توانستم خاکروب‌های دولت را تأمین کنم و نه چنین پول کلانی داشتم که یک جا بدهم و بگویم غلط کردم، به اختیار خودشان گذاشتم که هر کاری که می‌خواهند بکنند. سه ماه آزرگار که شرحش مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود یک روز برزن مرا برای وصول هفت هزار تومان قیمت اموال خورده شده‌اش احضار می‌کرد.

## ادامه مطلب آشغال دونی... از صفحه ۴۸

نمی‌دیدیم؟ عقل و شعورمان هم بیشتر از تو بود، اما از عاقبت کار خبر داشتیم. خودت کردی خودت هم جوابشان را بده.»  
خدایا چه کار کنم! از کجا یک کوه خاکروب و زباله پیدا کنم؟! پرسان پرسان به خارج شهر رفتم و از صاحب مغازه‌ای که مقداری خاکروب و کثافت به عنوان کود در خزانه مزرعه‌اش ریخته بود به هر شکلی بود یک الاغ زباله به چهل تومان خریدم و با کمک مردک خرکچی گاله خاکروب را پشت الاغ گذاشتیم و به شهر آوردیم و الاغ را وارد کوچه کردیم و در همان محل سابق خاکروب‌های دولتی زباله‌ها را خالی کردیم و هنوز گرد و خاک زباله‌ها فرو ننشسته بود و مردک خرکچی راه نیافتاده بود که دیدم آقای مرتبی که کیفی زیر بغل داشت و عینک به چشم زده بود و سر و وضعش نشان می‌داد اداری است سر رسید و با تغییر گفت: «این کثافت‌ها را چرا اینجا می‌ریزی؟» گفتم: «چیزی نیست، دارم زباله‌های دولتی را که بالا کشیده‌ام تأمین می‌کنم و سر جایش می‌ریزم.» با عصبانیت گفت: «زباله‌های دولتی چیه مرد (البته او چیز دیگری گفت من می‌گویم...مرد) تو بهداشت و سلامت مردم را می‌خواهی به خطر بیندازی و معلوم نیست چه حقه‌ای زیر سر داری و بعد حقه بازی‌ات را به حساب دولت می‌گذاری؟» ناراحت شدم. گفتم: «تو اصلاً چکاره‌ای؟» گفت: «من بازرس عالی کل بهداشتی و بهداشت هستم و مأموریت اینست که هر کجا ببینم مردم خاکروب یا کثافت در کوچه و معابر می‌ریزند توقیف و تحت تعقیبش قرار بدهم.»  
دهه این که شد دو تا پرونده. گفت: «زباله‌ها را بار همین الاغ بکن تا ببرد سر جای اولش، بعد هم خودت با من بیا به اداره بازرسی کل بهداشتی و بهداشت تا معلوم شود منظور از این کار چه بوده و چه نیم کاسه‌ای زیر کاسه داشتی؟»  
بغض گلویم را گرفت. اشک دور چشم‌هایم جمع شد. گفتم: «آقا دستم به دامن. بیست و چهار ساعت مهلت داده‌اند که زباله‌های دولت را که بالا کشیده‌ام تأمین کنم و این گاله زباله را هم که می‌بینی به زحمت پیدا کرده‌ام و به چهل تومان خریده‌ام.» گفت: «این حرفها که تو می‌زنی به من مربوط نیست. از قیافه‌ات پیداست که تو عضو سازمان خرابکاران هستی و مأموریت داری با ریختن خاکروب و اشاعه میکروب و بیماری‌های مختلف مردم این شهر را بیمارتر کنی و من تو را به عنوان یک باند خرابکاران ستون هفتم و عامل اجرای جنگ خانمانسوز میکروبی تحویل مقامات صالحه می‌دهم.»  
حالا بیا درستش کن! هر چه التماس کردم فایده نبخشید. بازرس عالی مقداری از زباله‌ها را در دستمال ریخت و به عنوان

از برزن بیرون آمدم. سیگاری روشن کردم و گلچین گلچین از سجاف پیاده رو راه افتادم و شروع کردم به زیر و رو کردن افکارم برای پیدا کردن راه حل، چون مسأله اختلاس و سرقت و دستبرد به اموال دولتی در میان بود و اگر من می‌دانستم که خاکروب‌ها صاحب دارد به کف دست پدرم می‌خندیدم که چنین دخالت بی‌جایی بکنم! من پیش خودم گفتم از نظر بهداشت، هم خدمتی به مردم می‌کنم و هم از نظر نظافت شهر، خدمتی به شهرداری. دیگر چه می‌دانستم که باید تاوان خدمت هم بدهم. آن روز رئیس برزن به من گفت که باید خاکروب‌ها را مزایده بگذاریم و روزنامه‌ها اعلان بدهیم. من به خیالم که شوخی می‌کنم. نگو که کار مملکت بی‌حساب و کتاب نیست.

به طرف گاراژی که بیست روز قبل ماشین زباله کشی را از آنجا کرایه کرده بودم راه افتادم بلکه راننده را پیدا کنم و آدرس خاکروب‌ها را به من بدهد. وقتی سراغ راننده را گرفتم گفتند یک هفته پیش با مدیر گاراژ دعواش شد و از اینجا رفت و گویا در خط جنوب روی یک ماشین باری کار می‌کند و آدرسی هم از او نداریم. به طرف خانه برگشتم و به سراغ همسایه‌ها رفتم، چه اگر کاری و کمکی در این زمینه ساخته بود از دست آنها بر می‌آمد. به در خانه یکی دو نفر از همسایه‌ها که آشنا بودند رفتم و ماجرا را گفتم که «اگر یادتان باشد در حدود بیست روز پیش من آمدم و چنین خدمتی به شما کردم و خاکروب‌های کوچه شما را به خرج خودم دادم بردند به خارج شهر.» گفتند: «خیلی ممنونیم، و دیدی ما هم طبق تعهدی که کردیم دیگر خاکروب در آن محل نریختیم.» گفتم: «منهم ممنونم و متقابلاً تشکر می‌کنم اما حالا چنین مشکلی برایم پیش آمده و دولت خاکروب‌هاش را از من می‌خواهد. شما به من کمک کنید و هر کدام یکی دو سطل خاکروب به من بدهید که بریزم کمر کوچه و جانم را خلاص کنم.» گفتند: «ما به قولی که دادیم وفا داریم و از قولمان بر نمی‌گردیم.»  
گفتم: «قبول. قول شما محترم است و واقعاً تقدیس می‌کنم، اما دولت علاوه بر این که هفت هزار تومان پول زباله‌هایش را از من طلبکاری می‌کند بلکه به جرم سرقت اموال دولتی و اختلاس قرار است مرا توقیف هم بکند. به خاطر دوستی و همسایگی نمی‌گویم، اما محض رضای خدا هر کدام دو سطل خاکروب به من قرض بدهید بعد از یک هفته به شما پس می‌دهم.»  
در را به روی من بستند و گفتند: «ما خاکروب‌های زیادی نداریم به کسی بدهیم!»

به در خانه همسایه‌های دیگر رفتم که به پاس خدمت آن روز، امروز به من کمک کنید. گفتند: «دنده‌ات نرم می‌خواستی در کاری که به تو مربوط نبود دخالت کنی. مگر ما خودمان کور بودیم و خاکروب‌ها را

## ادامه مطلب یک شب با قمار... از صفحه ۳۹

ببرم خانه. بازی را فقط برای بازی می خواهم. وقتی می برم خوشحال می شوم که بیشتر می توانم بازی کنم وقتی جک پاد می کنم خوشحال می شوم که می توانم کل پول را به ماشین برگردانم.» آقای «رحیم دهقان زاده» کارشناس روانشناسی ساکن آمریکا این حس رضایتمندی را واقعی ندانسته و تاکید می کند که افراد معتاد به قمار باید درمان شوند: «اعتیاد به قمار مانند هر اعتیاد و وابستگی دیگری نیاز به درمان دارد. قمارباز وارد پروسه شروع، اوج و فرود می شود. او هر بار با خودش عهد می بندد که از این ماجرا دور شود اما قادر به کنترل اوضاع نیست و بین بیم و امید دست و پا می زند و برای حفظ سطحی از هیجان که به اوج هیجان معروف است، اقدام به ریسک های خطرناک می کند.» گشت و گذارم در «بارونا» تمام شده و فهمیده ام که داستان همه قماربازها یکی است. همه آنها شب گذشته دو آس داشته اند و یک نفر ناگافل سر رسیده و لحظه آخر با رو کردن یک ورق، سرنوشت بازی را به نفع خودش برگردانده، همه آنها قویا انکار می کنند که معتادند و همه شان هم منباب تفتن تا یک ریال آخر پولشان را می بازند. گاهی شرم و حیا را فراموش می کنند و از هر آشنایی که در معرضشان باشد برای ادامه بازی پول قرض می کنند و فردایش هم که تو را می بینند اصلا به رویشان نمی آورند. قماربازها بازنده نهایی اند. سیستم کازینو با هزینه نگهداری، محل، دستگاه های شرط بندی و هزینه برق و آب و پذیرایی به شکلی طراحی شده که در نهایت با خالی کردن جیب قمارباز به سودآوری می رسد.

اینجا برای افرادی که کنترلی روی زمان حضورشان ندارند تمهیداتی اندیشیده شده، رستوران و جای اقامت برای ماندگاری در شب. داخل اتاق پوک و نزدیک ورودی کازینو عکس کسانی نصب شده که زمانی سعی کرده اند در بازی «بلک جک» تقلب کنند، عکسشان ریشخندی است برای عبرت سایرین و اینکه به دیگران بگویند که راهی برای تقلب وجود ندارد. «دیانا»، یکی از اعضای حفاظت کازینو احتمال بروز تقلب را تقریباً صفر می داند: «تمام دستگاه ها با دوربین کنترل می شوند. طبیعی است که آنها از بازی لذت برده و کنترلی روی میلشان ندارند، ممکن است پولشان تمام شده باشد و به فکر تقلب بیافتند. اما این کار ممکن نیست. اگر اعضای ثابتمان کل پولشان را باخته باشند و به ما مراجعه کنند کمی پول بهشان می دهیم تا به خانه برگردند.» از خانم فتانه می پرسم آیا اعتیادش به قمار را به رسمیت می شناسد؟ «بله. می دانم که معتادم. اما برای خودم جالب است چند ماهی که به ایران می روم به کلی از سرم می افتد و اصلاً به یادش هم نمی افتم. اگر معتادم پس چرا در ایران این عادت را فراموش می کنم؟» او می گوید که فرزندانش از این عادت او در رنجند: «بر خلاف خانه، من اینجا احترام قابل توجهی دارم. کارکنان این کازینو دیگر بخشی از خانواده منند. برایم غذا می آورند. پذیرایی می کنند. هر زمانی که همسرم آرام می دهد می آیم اینجا و آرامش می گیرم. دوست دارم ببرم تا بیشتر بازی کنم نه اینکه پولی

اگر آزادی بیان از ما گرفته شود، همچون گوسفندان زبان بسته و ساکتی می شویم که به سمت کشتارگاه هدایت می شوند. جرح واشنگتن

هایی همه گیر که مردم محروم منطقه را درگیر کرده است. این روزها پایه میهمانی هر شهروند ماهشهری که باشی، صحبت از مهاجرت به شهرهایی است که امکان دستیابی به یک لیوان آب شرب قابل تحمل در آن جا وجود داشته باشد.

روز شما می توانید شاهد سرریز شدن فاضلاب ها در معابر عمومی و کوچه ها باشید. فاضلاب شهری ماهشهر به وسیله کانال های روباز هدایت می شوند. این کانال که تا به حال فجایع دهشتناکی به بار آورده اند؛ از کشته شدن کودکانی که درون آن ها غرق شده اند تا شیوع بیماری

## ادامه مطلب بحران آب... از صفحه ۹

اما مشکل این جا است که در شرایط فعلی، فقط یک پمپ از چهار پمپ تعبیه شده در این ایستگاه فعال هستند و سه پمپ دیگر از مدار خارج شده اند.» با این که فرماندار فعلی ماهشهر بارها وعده بهبود وضعیت آب را به مردم داده و گفته است که تا چندین ماه آینده این معضل بزرگ برای آسایش و رفاه مردم حل خواهد شد اما «ابراهیم علوانی»، رئیس اداره آبفای بندر ماهشهر به رسانه های محلی گفته است: «به دلیل مشکل اعتبارات، پروژه های در دست اجرا در میانه راه متوقف مانده اند و باید برای تأمین اعتبارات لازم، هرچه سریع تر اقدامات عملی و عاجلی صورت بگیرد.» به گفته کراهی، کارشناس محیط زیست، مساله بحران آب ماهشهر فقط به آلودگی آب شرب برنمی گردد: «موضوع کم آبی و قطعی روزانه آب و تهدید بیماری شبه وبا که به علت نابسامانی های سیستم فاضلاب زندگی مردم را آلوده کرده، همه ساکنان منطقه را عاصی کرده است. مردم درگیر گرما و ریزگردها هستند. تمامی خانه ها ناچارند یک دستگاه پمپ خانگی بخرند. خیلی ها توان خرید پمپ خانگی ندارند و اگر هم داشته باشند، فقط چند ساعت در روز قابل استفاده است. پمپ خانگی هم که کار می کند، آبی را به خانه تزریق می کند که قهوه ای رنگ است و بوی تعفن می دهد.» وظیفه تعمیر و نگهداری پمپ های آب رسان و ایستگاه دریاچه نمک برعهده شرکت آبفای استان خوزستان است که برای تعمیر، نگهداری و بازسازی این مجموعه متعهد شده است.

«مریم نیایی»، شهروند ساکن ماهشهر می گوید: «چه طور ممکن است امارات متحده عربی توانسته باشد به اندازه نیاز شهری مثل تهران اقدام به شیرین کردن آب خلیج فارس کرده باشد و ما از چنین تکنولوژی ساده ای بی خبر باشیم؟ سال های سال است ساکن این شهرم. پدر و مادرم همین جا به دنیا آمده اند. همه ما می دانیم سهم ما از آب شرب منطقه صرف پتروشیمی می شود. صنعت عظیم پتروشیمی مثل یک اختاپوس خودش را روی سهم آب آشامیدنی مردم انداخته و آن چه برای ما باقی مانده، یک لیوان آب گل آلودی است که هر بار راهی بیمارستانمان می کند. ما نگران سلامت و بهداشت فرزندانمان هستیم.» مسوولان محلی به مردم وعده داده اند که به زودی و تا فروردین ماه سال ۱۳۹۸

همه مشکلات آب مردم منطقه حل و فصل خواهد شد؛ وعده ای که در طول سال های گذشته به کرات تکرار شده است. مریم می گوید: «در نشریات محلی خوانده ام که حدود ۱۵ میلیارد تومان توسط اداره آب و فاضلاب شهرستان و یک میلیارد تومان از بودجه ادارات دیگر جهت تعمیر و رفع مشکلات آب جمع آوری و پیمان کار مشغول به کار شده است. آنها می گویند طبق تخمین خودشان، فروردین ماه سال ۱۳۹۸ قرار است بهبود آب ماهشهر وسربندر اتفاق بیفتد اما ما حقیقتاً خوش بین نیستیم.» حمید رضا کراهی، کارشناس محیط زیست مشکل را فقط کمبود آب نمی داند. او می گوید کیفیت آب هم در کنار کمبود آن، مساله را تبدیل به گره کور کرده است: «تمام طول شب آب قطع می شود. ساختار آبرسانی نیازمند بازبینی است. آب شهرستان به ایستگاه دریاچه نمک تحویل داده می شود و این دریاچه که سابق بر این چهار پمپ فعال داشت، با یک پمپ نیمه خراب کارش را راه می اندازد. بخش زیادی از آب قابل شرب هم در اختیار پتروشیمی است و آنها هیچ تعهدی برای تصفیه آب بازپس داده شده نیستند و آب آلوده را راهی بیرون از صنایع می کنند. این دو عامل باعث قطعی آب می شوند. اما مشکل اساسی تر، آلودگی آب است. جوی های آب آلوده و فاضلاب که سرشار از زباله اند، راهی حوضچه های آبی می شوند که بعدها به سمت خانه های مردم هدایت می شوند.»

## اطلاعی

آدرس جدید دفتر خدمات بیمه سحر ساحی

2239 Moorpark Ave., # 200  
San Jose CA 95128

## ادامه مطلب با هادی خرسندی... از صفحه ۳۸

هم بز متحرک گم خواهد شد و پیدا نخواهد شد؟  
بزک متحرک ما دوباره پیدا شده ای خوشم که باز منتقل به موزه ما شده ای چگونه گم شدی بزک؟ چیست حکایت بزک که این میان برای ما عجب معما شده ای نگفتمت که رفتنت باعث قال می شود بین چگونه مایه نزاع و دعوا شده ای بمان بزک ولی بدان موقتی است ماندنت فریب امروزه مخور طعمه فردا شده ای کسی که از برای تو کیسه گنده دوخته دل از تو بر نمی کند ای بز شهر سوخته برده شده ز موزه ها کاسه ما کوزه ما مرتب از عتیقه ها تهی شده موزه ما جماعتی که کارشان دزدی باستانی است درین دیار پشتشان گرم به پشتیبانی است فتاده خط شومشان بروی پیشانی بز شده ست تیز تیغشان برای قربانی بز بز انیمیشن ما به لرزه افتاده تنش خبر دهد ز فاجعه تکان تکان گردنش رسد ز شهر سوخته به این دیار سوخته ز روزهای سوخته به روزگار سوخته ولی نخور غصه بزک، ایندغه که باهار میاد عتیقه خر با یک بغل کمبیره و خیار میاد!

## ادامه مطلب اعتصاب غذای... از صفحه ۴۷

سراغشان می‌روند. بچه‌ها هم طبق گفته خودشان شروع به یا علی گفتن می‌کنند. بعد هم گارد ویژه به داخل بند می‌ریزد و ماموران زن با شوکر و باتوم به جان آنان می‌افتند. سپیده آن قدر ترسیده بود که دچار تشنج می‌شود و او را به بهداری زندان منتقل می‌کنند. با باتوم به سر و صورت خانم بدالهی زده‌اند که هنوز پس از درگیری‌های بازداشت حالش خوب نیست. خانواده آویشا جلال‌الدین می‌گویند گردن و دستش آسیب دیده، خانم بر کوهی را با موهایش بر زمین می‌کشد.»

مهرهای تزیینی، یک کیسه جرمی و یک آینه مفرغی. قدمت این قبر و چشم مصنوعی به حدود ۲۸۰۰ سال پیش از میلاد و ۴۸۰۰ سال پیش از این می‌رسد. مطالعه جهت دستیابی به اطلاعات بیشتر در این مورد چشم و اسکلت ادامه دارد.

کشف شدن بازی شبیه به تخته نرد امروزی یکی دیگر از شگفتی‌های این شهر است؛ و با توجه به قدمت شهر سوخته می‌توان گفت که قدیمی‌ترین تخته نرد جهان متعلق به این مردم است. در گورستان شماره ۷۶۱ بازی شبیه به تخته نرد امروزی با ۶۰ مهره پیدا می‌شود که قدیمی تر و شبیه تر نسبت به بازی سومریان در حدود ۵۰۰۰ هزار سال پیش است.

خاک گذشتگان ما، جام سفال می شود طرح بز می به جام ما، نقش خیال می شود با تک و تاز، آن بزک، سوی درخت می جهد تا که لبش موازی برگ نهال می شود کرده کمین به راه او، گرگ و شغال و غیره؛ خبر عتیقه کار بزخری، گرگ و شغال می شود یک دو مقام دولتی، عز حضور می دهند کاسبی بز این میان، کسب حلال می شود بابت رشوه گفتگو، می شود و بگو مگو هم به دلار می شود، هم به ریال می شود «شما بگو، شما بده، شما بیا، شما برو» نیجتا توافقی به انتقال می شود جام سفال قیمتی، در این حراج لعنتی می رود و عتیقه خر، صاحب مال می شود به فقر غیب می رود، بز انیمیشن ما کسی خبر نمی دهد، هرچه سوال می شود مراقب و جوابگو، که می شوند روبرو یکیش کور می شود، یکیش لال می شود «بز متحرک ما، تکان بخور ولی نرو!» «بابت رفتنت بزک، قال و مقال می شود» «یکی ترا خریدم و یکی ترا فروخته» «تمام شد معامله، ای بز شهر سوخته!» وقتی خبر پیدا شدن جام را دادند، شادی تلخی در من آمد! که آیا بار دیگر

صدیقه خلیلی، مادر سپیده مرادی درباره رفتار ماموران زندان قرچک با این زندانیان گفت: «روز ۲۱ خرداد ماه وقتی بچه‌ها بیرون بند بودند یکی از ماموران در بند را می‌بندد و آنها به اجبار سه روز و سه شب در سالن باریکی بین بند و حیاط باقی می‌مانند. در همان روز بچه‌ها دست به اعتصاب غذا زدند. سه روز بعد روز چهارشنبه ۲۳ خرداد ماه ماموران اجازه بازگشت آنها را به بند می‌دهند اما بلافاصله چهار پنج نفر از زندانیان پرخطر به تحریک ماموران بند برای درگیری به

مصنوعی ریزترین مویرگهای داخل کره چشم توسط مفتول‌های طلایی به قطر کمتر از نیم میلی‌متر طراحی شده‌اند مردمک چشم در وسط طراحی شده و جز از آن تعدادی خطوط موازی که تقریباً یک لوزی را تشکیل می‌دهند در پیرامون مردمک دیده می‌شود از دو سوراخ جانبی واقع در دو سوی این چشم مصنوعی جهت نگهداری و اتصال آن به حذقه چشم استفاده می‌شده‌است. بررسی‌های انسان شناسانه نشان داده که به احتمال بسیار زیاد زن مزبور دارای سنی بین ۲۵ تا ۳۰ سال بوده و دو رگه (سیاه و سفید) بوده‌است. اشیاء پیدا شده در این قبر دو قسمتی عبارت بوده‌اند از ظرفهای سفالی،

## ادامه مطلب سیاست جدید ترامپ... از صفحه ۲

هم همراه آنها اخراج خواهند شد.  
**آیا دولت ترامپ مقررات خود را تغییر خواهد داد؟**  
دونالد ترامپ بارها اعمال این سیاست «بسیار سرزنش شده» را به گردن دموکرات ها انداخته؛ این در حالیست که بسیاری از مقامات رسمی دولت او به طور علنی از این سیاست دفاع کرده اند. دادستان کل آمریکا گفته جدا کردن خانواده ها برای جلوگیری از عبور غیرقانونی مهاجران از مرز ضروری است. همچنین «جان کلی» رئیس ستاد ترامپ در مصاحبه ای از این رفتار دفاع کرده است. حالا دولت تحت فشارهای شدیدی از سمت قانون گذاران هر دو جناح، گروه های حقوق بشری، رهبران مذهبی و وکلای مهاجرت قرار گرفته تا سیاست جدا کردن خانواده ها را متوقف کند.

همچنین «لارا بوش» همسر رئیس جمهوری اسبق آمریکا جرج دبلیو بوش، در یادداشتی در روزنامه واشنگتن پست، سیاست فعلی با «تحمل صفر» را «وحشیانه و غیراخلاقی» نامید. او نوشته است: «این تصاویر به طرز ترسناکی یادآور اردوگاه نگهداری اجباری شهروندان ژاپنی الاصل آمریکا در جنگ جهانی دوم هستند؛ چیزی که اکنون بخش شرم آوری از تاریخ آمریکا محسوب می شود.»

## ادامه مطلب شهر سوخته... از صفحه ۳۸

از راه زمینی و دریایی کتاب خلیج فارس انجام می‌گرفت. مردم بین‌النهرین از همین طریق از سنگ لاجورد افغانستان استفاده می‌نموده‌اند؛ ولی تمدن سیستان را نمی‌توان وابسته به تمدن جلگه بین‌النهرین یا مصر دانست زیرا در این مکان خصوصیات وجود داشته‌است که آن را کاملاً متمایز می‌نماید. برای نخستین بار در شهر سوخته یک چشم مصنوعی پیدا شد. مطالعات اولیه نشان داده‌اند که چشم چپ زن تنومند مدفون در قبر شماره ۶۷۰۵ مصنوعی بوده‌است. همین مطالعات نشان می‌دهند که زیر طاق ابروی زن مذکور آثار آرسه دیده می‌شود. به علت طول زمان زیادی که بخش زیرین این چشم مصنوعی با پلک چشم در تماس بوده‌است آثار ارگانیکی پلک چشم نیز در روی آن مشهود است. جنس و ماده‌ای که چشم مذکور با آن ساخته شده‌است هنوز به دقت روشن نشده و تشخیص آن به آزمایش‌های بعدی موکول شده‌است اما به نظر می‌رسد که چشم مزبور از جنس غیرطبیعی که با نوعی چربی جانوری مخلوط شده‌است ساخته شده‌است. در روی این چشم

او بعد از بازدیدش نوشته است: «جدا کردن بچه ها از والدینشان بر خلاف همه چیزهایی است که ما به عنوان متخصص اطفال برای حفظ و بهبود سلامت کودکان توصیه می‌کنیم. در حقیقت تجربیات پرتنشی مانند جدا افتادن خانواده می تواند آسیب های غیرقابل بهبودی را در کودکان ایجاد کند؛ از جمله آشفتن ساختار مغزی کودک و تاثیر بر سلامت او در کوتاه مدت و بلندمدت.»

## آیا بچه ها دوباره به خانواده هایشان می پیوندند؟

وکلای گروه های حقوقی مهاجران می گویند هیچ سیستم مشخصی برای رساندن دوباره بچه ها به خانواده هایشان وجود ندارد. در یک مورد، وکلای تگزاس گفته اند به آنها شماره تلفنی برای کمک به والدین در پیدا کردن بچه هایشان داده شده است اما این شماره در واقع شماره یکی از قسمت های اجرایی اداره مهاجرت بوده است.

وکلای بچه ها گفته اند نمی توانند خانواده ها را پیدا کنند و از آنها اطلاعاتی درباره دلایل گریز از وطنشان بپرسند؛ دلایلی که وکلای آنها در جریان پرونده نیاز دارند. همچنین اگر والدین از آمریکا اخراج شوند، نمی توانند مطمئن باشند کودکانشان

شهر سوخته بدون شک جزو شهرهای بسیار پیشرفته زمان خود بوده‌است. این نکته نه تنها در بقایای آثار معماری و کارهای ظریف دستی و صنعتی دیده می‌شود بلکه در سازمان‌دهی اجتماعی شهر نیز قابل مشاهده‌است. شهر سوخته دارای تشکیلات منظم و مرتبی بوده است. آثار باقی‌مانده نشان دهنده این امر است که در این شهر طی هزاره سوم پیش از میلاد، دارای یک نظام مرتب و منظم آب رسانی و تخلیه فاضلاب بوده‌است. در نخستین مرحله کاوش های باستانشناسی، در شهر سوخته کوچه‌ها و خانه‌های منظم و لوله کشی آب و فاضلاب با لوله‌های سفالی پیدا شده که نشان دهنده وجود برنامه‌ریزی مدنی در این شهر است؛ که اصول سازماندهی زروانیان به‌طور کامل از شیوه معماری شهری پیدا است.

پیدا شدن تنها لوح نوشته دوران آغاز ایلامی این شهر، همراه با آثار مهرها، نشان از ارتباطات تجاری و کنترل اقتصادی منطقه از سوی این جامعه دارد. مردم سیستان در این مدت با مردم ساکن بین دو رود دجله و فرات روابط تجاری داشته و این روابط

## ادامه مطلب آمریکا آمریکا... از صفحه ۱۶

پسرک که در عین کودکی حس مردانگی و دفاع از خانواده اش را لمس می کند، نمی تواند پذیرش مردی را در زندگی مادرش بپذیرد. به همین دلیل مرد همسایه شان را که به یاری او می آید، مخصوصاً به پلیس لو می دهد تا برای او رقیبی در برابر مادرش نباشد.

نقش این کودک را که اسم اصلی اش در فیلم استفاده شده، بازیگر تازه نفسی ایفا می کند که حضور چشمگیری در فیلم دارد. چهره غم زده و نگران او سنگینی فیلم را بر دوش وی می گذارد و می تواند فیلم را تا انتها با قدرت پیش ببرد.

آنچه، «مرتضائی» مدنظرش است، وضعیت پناهجویان در کشورهای جنگ اروپایی است. برخی از کشورهای جنگ زده می آیند و برخی دیگر به خاطر

فشارهای مذهبی از کشورهایشان رخت بر بسته اند و به ناچار باید با فرهنگ بیگانه و زبان دیگری در محیطی که با آن خو ندارند خود را تطبیق بدهند تا بتوانند در این کشورها دوام بیاورند. گرچه به ظاهر، این امر برای کودکان در قیاس با پدرها و مادرهایشان چندان دشوار نیست، اما وقتی مسوولیتی برگردن آنها نهاده می شود، مجبور هستند بسان یک فرد بالغ با آن مواجه و درگیر شوند.

«مرتضائی» که داستان فیلم را هم نوشته، باوجود زن بودنش، توانسته این دنیا را از دید مردانه و پسری که هنوز ایام کودکی را سپری می کند، باکفایت به فیلم در بیاورد و فیلمی تماشایی و قابل تعمق عرضه کند.

## ادامه مطلب یک سینه سخن... از صفحه ۸

در زندان و در زیر فشار سر نیزه و گلنگدن نوشته شده بعید نیست اگر طبری و کیانوری در زندان نمی بودند و در کشوری آزاد می زیستند کتاب خاطراتشان این نبود که نوشته اند و بعید هم نیست که جمهوری جهل و جنایت در آن کتاب ها دست برده و دیگر گونشان کرده اما خاطرات پرویز خطیبی که خودش با کریم چور شیرازی زندانی بوده و پس از خروج از ایران خاطرات خود را نوشته و به هیچ وجه شمشیر داموکلسی بالای سرش نبوده دیگر نمی آید دروغ بنویسد. اگرچه بعید نیست بگویند پول گرفته و اینها را نوشته. حالا از کی پول گرفته و کدام بی حوصله ای پول به او داده که بنویسد کریم پور خودش خودش را آتش زده، خدا می داند.

من مادر زنی داشتم که شوهر اولش را در شهر خوی چون مالک زمین و آب و خید بود دمکرات ها در زمان پیشه وری کشته بودند. وقتی شرح می داد که چگونه به خانه او ریختند و هرچه نرینه بودند کشتند و زن ها را هم به تبریز پیش پیشه وری بردند و چه و چه!

آقای فروزنده برنامه ای داشت که در آن برنامه یک طرفدار پیشه وری می گفت که «ارتش جنایت کرده و مردم بیگانه را کشت و دمکرات ها هیچگونه جنایتی انجام ندادند.» من تنها کاری که کردم با فروزنده رفتیم و خاطرات مادر زنم را ضبط کردیم و در تلویزیون پخش کردیم. اما یک دوست قدیمی که تازه از ایران آمده بود و طرف دار پیشه وری هم بود گفت: «مسهودجان به آن زن... پول داده

ساعت پنج صبح وقتی من و محمود نریمان وزیر دارای مصدق به دستشویی رفتیم یک سرباز جوان گفت که دیشب کریم پور قصد فرار داشت و بعد جریان را این طور شرح داد که کریم پور جلوی بخاری خوابیده بود و من جلوی در اطاق پاس می دادم که ناگهان او را دیدم که از جا پرید و در حالیکه گوشه لباسش آتش گرفته بود فریاد زد آب... آب برسان. من به طرف جوی آب که صد قدم آنطرف تر بود دویدم تا با کلاه خدمت برایش آب ببریم اما کریم پور با استفاده از غیبت من با همان پیرهن مشتعل به طرف دیوار بیسیم دوید تا از مخزن آب خودش را به آن طرف برساند. اما جریان آب بقدری شدید بود که سه بار او را پس زد و من که به منظور او پی برده بودم چند تیر هوایی شلیک کردم و با کمک هم قطارها تا توانستیم کریم پور را کتک زدیم چونکه یک ماه بیشتر به پایان خدمت من نمانده و اگر او موفق به فرار می شد من ناچار بودم دو سال دیگر خدمت کنم. بعد اضافه کرد که دکتر رضوی (یکی از زندانی ها) همان دیشب کریم پور را معاینه کرده و گفته است چون سوختگی بدنش بیشتر از دو سوم است شانس زنده ماندن دارد. ساعت چهار صبح کریم پور را با آمبولانس به بیمارستان پانصد تختخوابی فرستادند. کریم پور متأسفانه ساعت ۴ بعدازظهر همان روز در بیمارستان در گذشت. دو روز بعد اسباب و اثاثیه مختصر او را به بازماندگانش تحویل دادند.»

خب می گوئیم خاطرات کیانوری و کزراهه طبری دروغ است چرا که

## ادامه مطلب یادآوری هایی از... از صفحه ۱۴

هند همدست و همپای یکدیگر بودند. اما دریفا که پزشکی هند به نام پزشکی هندی مانده و پزشکی ایران، با آنکه همه داروها و درمان های آن از ایران است و نام های آنها به پارسی است، در برخی نوشته ها و در نزد برخی از ناآگاهان، به نام «طب یونانی» خوانده می شود. انگیزه آن همان است که گفتیم. دانشمندان نو مسلمان ایرانی، شامی و مصری نمی توانستند که هنر و دانش خود را به ایران زرتشتی یا روم ترسایی ببینوند زیرا تازیان و برخی از نو مسلمانان دو آتش را خوش نمی افتاد. ناچار آنها را به نام یونان «خوشنام نمود» پیش می کردند و از این رهگذر، از کار و بایسته خود باز نمی ایستادند. بر آنانی که چراغ دانش و فرهنگ ایرانی را از هر باد و توفان نگاه داشتند و با فروغ و روشنای آن، جهانی را روشن ساختند، باید آفریم خواند.

## پایان سخن

اینک ما به کوتاهی از نشان پای آدمی دویست هزار سال پیش تا زندگانی کنونی او یاد کردیم و گفتیم، دیدیم و دریافتیم که این سرزمین پست و بلند، گرم و سرد، خشک و سرسبز و بی آب و شاداب که از نخستین آبادی های آدمی در جهان است و چون بر چهار راه کشورها آرمیده، همیشه میهن نوراوری ها و نو پذیری ها بوده. چیزهایی از خود ساخته و چیزهایی از دیگران آموخته و همه را خوش آمیخته و به دیگران آموزانیده است. از خود مردم بومی داشته و مردمانی را از بیرون چون آریایی، یونانی، تازی، ترک، مغول و جز آنان در خود پذیرفته و فرهیخته است. زن سالاری داشته، برابری زن و مرد را پرورده و مرد سالاری را گردن نهاده است. آزادی و آزادگی بخشیده و بردگی و بندگی را کشیده. دین بهی را آفریده و گسترده و دیگر دین ها را پاس گذاشته و پذیرفته. هنر آفرین، هنر پرور، هنر پیشه، هنرآموز و هنر گستر بوده.

ایران، این سرزمین بهین و مهین، گهواره آنچه که گفته شد بوده، گهواره ای برای پرورش فرهنگ خانه زاد، گهواره ای برای پرورش فرهنگ برون زاد، گهواره ای برای پرورش هر هنر زیبا و فریبا و ارزنده و برازنده مردم با فرهنگ زیرا «هنر نزد ایرانیان است با پس»

هیچ صراطی مستقیم نمی شویم. خدا عاقبت همه را بخیر کند که نخواهد کرد چرا که بعد از سی سال بعضی ها، نه همه، داریم کم کم بیدار می شویم و خدا کند که این خواب دقیانوسی نباشد.

ساسانیان همه نوشته های دینی و دانشی و کشورداری خود را در بیست و یک نسک یا جلد سترگ جور کردند. یکی ویژه پزشکی بود که در آن از دانش پزشکی و بهداشت هندی و یونانی نیز سود جسته شده بود. می توان گفت که همین نسک و نوشته های دیگر ساسانی بود که ایرانیان مسلمان گشته، به زبان تازی برگرداندند و دنباله همین دانش بود که دانشمندی چون محمد پور جریر تبری (۸۳۹-۹۲۲ ترسایی)، محمد زکریای رازی (۸۶۵-۹۲۵)، ابو محمد پور محمد مسکویه (درگذشت ۱۰۳۰)، ابو ریحان بیرونی (۹۷۲-۱۰۴۸)، ابو علی پور سینا (۹۸۰-۱۰۳۶)، عمر خیام (۱۰۱۶-۱۱۲۳)، ابوالحسن بیهقی (۱۱۰۵-۱۱۶۹)، امام فخرالدین رازی (۱۱۴۷-۱۲۰۹)، شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری (۱۱۴۲-۱۲۲۹) و قطب الدین شیرازی (۱۲۲۸-۱۳۲۰) برجستند و گذشته از پزشکی، کمابیش در «طبیعی، حکمت، منطق، ریاضی، جبر و مقابلی، فلسفه، تاریخ، جغرافیا، ستاره شناسی، فقه، ادب و لغت» استاد بودند. پیدایش گوگرد و الکل زکریای رازی است. امروز اروپای پیشرفته بدهکار شاکارهای دانش این استادان می باشد.

زمانی واژه پارسی «بیمارستان» در نوشته های تازی به کار می رفت تا آنکه خود ایرانیان آن را به «دارالشفاء» برگرداندند! آری، بیمارستان جایی نیست که تازه در جهان روا شده. ایران از باستان زمان، جایگاه و بنگاهی برای درمان بیماران خود داشته است.

از دانشمندان و بیمارستان گذشته، ما پزشکان خانواده داشتیم و آنان بیشتر زنان سالمند و پخته کار بودند. پیرزنان ایرانی دارو و درمان بیماری های همگانی، از تب لرز و سرما خوردگی گرفته تا بارداری و زایمان را آگاهانه چاره ساز بودند. آنان بودند که راه پرستاری و بچه داری را هموار ساختند و به دیگران آموختند. باید گفت که زن پزشکی یادگار زمان زن سالاری در ایران زمین است که در جهان گسترش یافته است و تازه کم کم آشکار میگردد که زن، با آن مهر مادری، در پزشکی از مرد بهتر است.

بودند که این دروغ ها را سر هم کند.» گفتیم: «برادر، آن زن مادر زن من است و دروغ هم نمی گوید.» گفت: «نه، دروغ می گوید و من که باور نمی کنم.» ببینید ما چگونه مردمی هستیم که به

## ادامه مطلب به نام هستی... از صفحه ۳۳

Perception است که به معنی ادراکات فوق حسی تعبیر می شود که به وسیله دکتر «جی بی راین» استاد دانشگاه Duke در کارولینای شمالی وضع شده. کلمه E.S.P شامل تله پاتی، روشن بینی و پرکognition، و دیدن وقایع آینده بصورت رویا در خواب، بصیرت بر پایه یک احساس قوی و...

## پاراپسیکولوژی چیست؟

مطالعه و بررسی علمی پدیده های فوق حسی را پاراپسیکولوژی می نامند.

## P.S.J چیست؟

اصطلاحی است که توسط فراوانشناسان برای دربرگرفتن تمام تجارب فوق روانی خصوصا برای تجارب E.S.P و «Psychokinesis» اثر اراده بر اشیاء وضع شده.

## چه کسانی عامل در انجام امور

## E.S.P اثر اراده بر اشیاء هستند؟

افراد با فراستی که وقایع و اشیاء را به صورت روشن بینی و تله پاتیک می بینند و انتخاب می کنند افکاری را از ذهن شخص دیگر (دریافت فکر طرف مقابل) در آزمایشگاه تست E.S.P دریافت کنند افکار سوژه یا گیرنده و ارسال کننده افکار فرستنده نامیده می شود.

## تله پاتی و روشن بینی بی اختیار چیست؟

بیشتر تجارب خود انگیزه آنهایی هستند که غیر منتظره حاصل می شوند زمانیکه شخص در روال عادی زندگی است و منتظر چیز خاصی نیست. تجارب E.S.P در لابراتور تحت کنترل شرایط خاص آن تجربه است، اما تله پاتی و روشن بینی خود انگیزه در شرایط عادی و خارج از لابراتور حاصل می شود و شخص در دریافت این پدیده ها نقش ارادی ندارد. مثل اینکه شما در حال استراحت در منزل هستید یا قدم زدن... زنباب داور

Collection Practices Act هستند و بگویند می خواهید با مدیرشان صحبت کنید. به مدیرشان بگویند که شما درخواست کرده اید که تحت قانون Fair Debt Collection Practices Act از تماس با شما خودداری شود و اینکه باید این کار را انجام دهند. تمامی ارتباطات بین شما و کالکشن اجنسی باید به صورت نامه انجام شود و به یاد داشته باشید که هرگز اطلاعات حساب بانکی و یا کردیت کارت تان را به آنها ندهید.

آدم هایی که در هیات جسمانی آدم هستند اما از لحاظ خصوصیات خلقی هنوز در مرحله حیوانیت هستند. بنابراین چنین افرادی با تربیت و محیط اصلاح پذیر نیستند. بقول سعدی دانشمند بزرگ تعلیم و تربیت:

درختی که تلخ است وی را سرشت  
گوش بر نشانی به باغ بهشت  
ور از جوی خلدش بهنگام آب  
به بیخ، انگبین ریزی و شهد ناب  
سرانجام گوهر به کار آورد  
همان میوه تلخ بار آورد

بنابراین در طی این مقالات روی سخن با چنین افرادی نیست. این گونه مطالب برای افرادی است که می دانند که نمی دانند. اما آنها که فکر می کنند همه چیزدان هستند نیازی به این قبیل مطالب ندارند. این سخن کوتاه معترضه از این بابت مطرح شد که مطالبی از این پس بصورت مقاله تقدیم می شود دیدگاه نویسنده و بر پایه تحقیقات بسیاری از دانشمندان است اما ممکن است به مذاق پاره ای خوش نیاید زیرا مسائلی که طی مقالات آینده مطرح می شود در حیطه دانش مدون و چهارچوب علم روز قرار نمی گیرند دیدگاهی گسترده تر و منطقی والاتر لازم است تا به بررسی و یا پذیرش آنها اقدام شود.

## تله پاتی چیست؟ (Telepathy)

آگاهی روانی (ماوراء طبیعی) بدون برقراری ارتباط، بدون مکالمه از طریق مشاهده باطنی، شنیدن بدون استفاده از عضو شنوایی و کانال های دیگر احساسی از آنچه که در ذهن شخص دیگری می گذرد.

## روشن بینی «clairvoyance» چیست؟

دیدن با فکر و ذهن بدون کاربرد چشم و یا داشتن آگاهی روانی بر وقایع و اشیایی که دور از دسترس حواس جسمانی هستند.

## E.S.P چیست؟

E.S.P مخفف سه کلمه Extra Sensory حقیقتان باخبر شوید.

## چگونه به درستی با یک

## Collection Agency برخورد کنیم

هنگامی که یک کالکشن اجنسی تماس می گیرد، به آنها بگویند که با استناد به قانون Fair Debt Collection Practices Act از تماس با شما خودداری کنند. درخواست کنید ارتباط بیشتر از طریق ارسال نامه انجام شود و سپس تماس را قطع کنید. اگر آنها دوباره تماس گرفتند، به آنها بگویند که آنها در حال تخلف نسبت به قانون Fair Debt

## ادامه مطلب پنج مورد که... از صفحه ۳۱

دهید. ایمیل روش بدی نیست، اما من هنوز هم روش سنتی ارسال نامه را هنگامی که با کالکشن اجنسی برخورد دارید ترجیح می دهم. حتی پس از آن، هرگز به آنها امکان دسترسی به حساب بانکی تان را ندهید، حتی اگر شما توافق را به صورت یک نامه در دست دارید برایشان یک چک ارسال کنید.

## هر گونه تهدید را جدی بگیرید!

کالکشن اجنسی ها انواع تهدیدات، از جمله تهدید به تماس با پلیس (که غیر قانونی است ولی آنها دست از این کار بر نمی دارند)، را انجام خواهند داد. آنها همچنین به شما می گویند که می خواهند با دوستان و خانواده شما تماس بگیرند و به آنها بگویند شما بد حساب هستید. آنها شما را تهدید به تماس با محل کارتان و اخراج شدن شما می کنند. این موارد واقعا می تواند فریبنده باشد. گول آنها را نخورید. یکی دیگر از استراتژی هایی که کالکشن اجنسی ها اغلب انجام می دهند این است که سعی می کنند شما تصور کنید که اخراج شده اید و تا آنجایی که می توانند شما را ترسانند تا احساسات تان را تحت تاثیر قرار دهند. در این مورد بهتر است فقط آرامش خود را حفظ کنید و آنچه آنها می گویند را باور نکنید. به این باور داشته باشید که در حال صحبت کردن با یک بچه سه ساله هستید!

## قانون به نفع شماست

بنابراین همه اینها این سوال را مطرح می کند، که با کالکشن اجنسی ها چگونه باید برخورد کرد؟ بسیار ساده و مهم است که به خاطر داشته باشید که قانون به نفع شماست. به عبارت دیگر، شما از حمایت قانون برخوردار هستید. کالکشن اجنسی ها این را می دانند، اما آنها به این امید دارند که شما این را نمی دانید چون اکثر مردم در مورد قانون Fair Debt Collection Practices Act اطلاع چندانی ندارند. این قانونی است که شما را از این شکارچیان محافظت می کند و با استناد به این قانون شما می توانید از آنها بخواهید که تلاش برای دریافت بدهی شما را اساسا متوقف کنند. شما دارای حمایت های گسترده تحت این قانون هستید. توصیه من این است که از طریق خواندن این قوانین از حق و

مگر اینکه بخواهید آنها شروع به تماس با محل کارتان کنند. (و آنها این کار را می کنند، به من اعتماد کنید).

در اینجا چند مورد دیگر مطرح می شود که نباید در اختیار Collection Agency قرار دهید.

- ♦ شماره تلفن های دیگر غیر از شماره ای که خودشان دارند
- ♦ آدرس ایمیل
- ♦ آدرس پستی (مگر اینکه در آینده قصد یک توافق در پرداخت دارید)
- ♦ کارفرما فعلی، کارفرمایان گذشته
- ♦ اطلاعات خانوادگی، کارفرمای همسر و یا شماره تلفن همسر
- ♦ اطلاعات حساب بانکی
- ♦ شماره کردیت کارت
- ♦ شمار سوشال سکوریته

## هرگز اعتراف نکنید که

## این بدهی متعلق به شماست

حتی اگر این بدهی متعلق به شماست، به کالکشن اجنسی ها اعتراف نکنید. هیچ دلیلی برای انجام این کار وجود ندارد و این کار بعدا اگر بخواهید بدهی را در Collection Report خود به عنوان مورد نادرست مطرح کنید می تواند برایتان دردسرساز شود. خیلی مواقع بدهی های قدیمی بهره بدون اعتبار دارند که شما موظف به پرداخت آن نیستید، اما کالکشن اجنسی ها تلاش خواهند کرد به هر شکل ممکن آن را بگیرند. باز هم بهتر است فقط به آنها بگویند که همه چیز را در قالب نامه برایتان ارسال کنند و سپس تماس را قطع کنید. شما حق انجام این کار را دارید و ما در این مورد با شما بیشتر صحبت خواهیم کرد.

## به یک Collection Agency از

## طریق تلفن چیزی پرداخت نکنید

یکی از بزرگترین اشتباهات مردم در هنگام برخورد با کالکشن اجنسی ها این است که کالکشن اجنسی آنها را متقاعد می کند که پرداخت های کوچکی از طریق تلفن انجام دهند. سپس آن فرد اطلاعات حساب بانکی و یا کردیت کارت خود را به کالکشن اجنسی می دهد و روز بعد متوجه می شود که حسابش خالی شده است. بله، این اتفاق می افتد. اگر شما تصمیم به پرداخت دارید، حتی پرداخت های کوچک، این کار را زمانی که توافق به صورت e-mail برایتان ارسال می شود انجام

## ادامه مطلب سبک شعر و نگارش... از صفحه ۳۳

و گاهی عین سوال در آغاز متن آمده و گاهی کلام با قطعه شعر یا حدیثی آغاز می شود و نیز در حین کلام با اشاره و کنایه جواب کسانی که سوال های بی ربط و معنی کرده اند داده شده است. از ویژگی های کتاب نکات زیر را می توان یادآور شد:

۱- بکار بردن مصدر کامل بجای مصدر مرخم در مواردی که دو فعل پشت سرهم آمده است «خواهند دیدن» بجای «خواهند دید» و «نمی توانی دیدن» بجای «نمی توانی دید» و مصدر مرخم بجای مصدر کامل؛ جمع مکرر عربی با «ها» در تنظیم جمله مشابه با سبک قدیم «انهارها» به جای «انهار»، «عجایبها» بجای «عجایب».

۲- «منازلها» بجای «منازل». دیگر از ویژگی ها گرایش بسیار در بکار بردن صورت مخفف کلمات با هم، نزدیکی میان متن به زبان گفتار حکایت می کند و هم وجه تشابه دیگری است با سبک قدیم «آگه» به جای «آگاه»، «بیگه» بجای «بیگانه»، «خمش» بجای «خاموش»، «هماره» بجای «همواره».

۳- دیگر از ویژگی ها به کار بردن «اسپر» بجای «سپر»، «استانید» بجای «ایستانید»، «استاره» بجای «ستاره»،

## ای دل، چه اندیشیده ای در عذر آن تقصیرها؟

زان سوی او چندان وفا، زین سوی تو چندان جفا  
 زان سوی او چندان کرم، زین سو خلاف و بیش و کم  
 زان سوی او چندان نعم، زین سوی تو چندان خطا  
 زین سوی تو چندان حسد، چندان خیال و ظن بد  
 زان سوی او چندان کشش، چندان چشش، چندان عطا  
 چندان چشش از بهر چه؟- تا جان تلخت خوش شود  
 چندان کشش از بهر چه؟- تا در رسی در اولیا  
 از بد پشیمان می شوی، الله گویان می شوی  
 آن دم ترا او می کشد تا وارهاوند مر ترا  
 از جرم ترسان می شوی، وز چاره پسران می شوی  
 آن لحظه ترساننده را با خود نمی بینی چرا؟

کرده و از بین می برند. این روش CAR T-cell درمانی گفته می شود.

**واکسن سرطانی:** به این روش امید فراوانی ببار آورده است و همانند واکسن هایی که جهت پیشگیری سایر عفونت بکار می روند کار می کنند.

در حال حاضر دو نوع آن وجود دارد.

۱- جهت پیشگیری.  
 ۲- جهت درمان.

پیشرفت تکنولوژی اخیرا به این روش ها کمک فراوان کرده است و جهت اطلاعات بیشتر خوانندگان می توانند به سایت cancer.net مراجعه کنند.

در ماه های اخیر FDA اولین داروی ضدسرطان از گروه چهارم یا T-cell درمانی را به تصویب رسانید. این دارو Kymriah نامیده می شود که بوسیله کارخانه داروسازی Novartis ارائه شده است و فقط برای تزریق یکبار می باشد که به بیمار تزریق شده و جهت درمان سرطان خون و یا لوکیمیا مصرف می شود. نتایج آن بخصوص در بیماران جوان بسیار چشم گیر بوده است و امید فراوانی برای درمان لوکیمیا ببار آورده است. جهت اطلاع بیشتر به سایت FDA مراجعه کنید.

## ادامه مطلب سیر و سفری... از صفحه ۲۷

دست و تواناست که خواننده آگاه بی اختیار دچار شگفتگی می شود.

شاهنامه فردوسی چه از نقطه نظر کمیت و چه از حیث کیفیت بزرگ ترین اثر ادبیات و نظم فارسی است و با قطع و یقین می توان گفت که یکی از شاهکارهای ادبی جهان است و اگر نخواهیم در راه احتیاط قدم برداریم می توانیم حتی مدعی شویم که شاهنامه معظم ترین یادگار ادبی تاریخ ادبیات جهان است. از نقطه نظر سبک شعر سرائی همانند مجموعه اشعار ایللیاد و ادیسه اثر هومر شاعر یونانی قرن هشتم قبل از میلاد در سبک و قالب شعر رزمی سروده شده و از نظر محتوی همچون ایللیاد و ادیسه که بازگو کننده داستان های اساطیری یونانی است، شاهنامه نیز افسانه های اساطیری ایرانی را رقم می زند مضافا به اینکه بخش مهمی از شاهنامه به شرح رویدادها و وقایع تاریخی پادشاهان ساسانی و اشکانی اختصاص داده شده و از اسطوره تا مرز تاریخ و وقایع مستند و حقیقی پیش رفته و فراگیر می باشد. چون سخن از سبک و قالب شعر گفتم لازم است اضافه نمایم که تفاوت اشعار فردوسی با اشعار حماسی یونانی در موضوع رعایت قافیه و وزن شعری است که اشعار رزمی یونانی گو اینکه در آنها تا حدودی رعایت وزن شده ولی قافیه ندارند و این کاملا برخلاف اشعار حماسی فردوسی و سایر شعرای حماسه پرداز ایرانی است که وزن و قافیه که البته از ابتکارات شعرای عرب قبل از اسلام بوده در نهایت مهارت و استادی در اشعارشان به کار گرفته شده است. این سبب شده که در سایه نبوغ و ابتکار و ذوق شعرای ایران شعر فارسی دارای ساختاری غنی، پر بار، زیبا و بی نظیر شود که در گنجینه شعر جهان بی همتا و ماندگار است.

## ادامه مطلب تازه های پزشکی... از صفحه ۲۵

سپس ویروس به سرعت شروع به تکثیر می کند و حجم سلول زیاد می شود بطوریکه باعث پاره شدن سلول سرطانی می شوند و آنها را بوسیله کمک سیستم ایمنی بدن از بین می برند. در ماه اکتبر ۲۰۱۵، FDA اولین ویروس درمان سرطان را به تصویب رسانید، که جهت درمان سرطان پوست (Melanoma) مصرف می شود (این ویروس بنام T-Vec نامیده می شود). درمان ملانوما با این ویروس بسیار موثر بوده است. ویروس های دیگری در حال

مطالعه هستند که برای انواع دیگر سرطان ها مصرف شوند.

**T-cell درمانی:** T-cell ها نوعی از سلول های سیستم ایمنی بدن هستند که علیه عفونت ها می جنگند.

در این روش T-cell ها را از خون بیمار جدا کرده، سپس در هسته آنها تغییرات ژنتیکی می دهند بطوریکه این سلول ها، تومورهای سرطانی را تشخیص می دهند. پزشکان مجدداً این T-cell را به بیمار تزریق می کنند و در خون به حرکت در می آیند و سلول های سرطانی را شناسایی



## ادامه مطلب مشقی تازه در... از صفحه ۱۹

بدنه آن خمره می چکد آنها را خنک کند. جنوبی ها به این خمره سفالی «حبانه» می گفتند. حبانه یک واژه عربی است و مفرد آن حب است. باز به یاد دارم پانزده سال پیش که سفری به سندیکو داشتم میزبان ما، ما را به دیدن سندیکوی قدیم برد. در آنجا خانه فرماندار قرن هجده سندیکو را هم دیدیم. در ایوان طویل این خانه چندین اتاقه، یک حبانه بزرگ هم بود که برای من سوال برانگیز شد که حبانه ابتکار شرقی ها در مناطق گرم است یا غربی ها. بهرحال باب تحقیق مفتوح است. به روزی کسی جواب این پرسش را حتما پیدا خواهد کرد. کاش به ما هم بگوید.

## گارسیا مارکز سه هدف داشت

مارکز می گوید که سه هدف عمده را در نوشتن دنبال می کنم. یکی آن که ادبیات خوب بوجود آورد، دیگر آن که بر بی عدالتی های آمریکای لاتین انگشت بگذارد، به طوری که این بی عدالتی ها همواره در وجدان جمعی مردم حضور داشته باشند و سوم آن که به یاری نوعی دیپلماسی زیرزمینی به حل صلح، خلع سلاح و حقوق بشر گام های بلندی برداشته و بر سر آزادی گروگان هایی که به دست چریک ها اسیر شده اند به مذاکره پرداخته، و با پولی که از طریق کسب جواب بدست آورده، در تقابل با مطبوعات رسمی، نشریه های مستقلی به راه بیندازد. گارسیا مارکز در عین حال با روزنامه هایی چون ال پائیس، روزنامه معتبر اسپانیا همکاری می کرد و در آنجا مطلب به چاپ می رساند. از جمله این مقالات شرح سفر میگل لیتین، کارگر تبعیدی به شیلی بود که با شرایط دشوار و خطرناک انجام گرفت. نگاهی است از درون به حکومت و ماموران دیکتاتوری آگوستوینوشه. داستان این سفر سپس به طور مستقل در کتابی به چاپ رسید. حامیان حکومت بینوشه در سانتیاگو پایتخت شیلی، که با چنین افشاگری هایی مخالف بودند تعداد ۲۵۰۰۰ نسخه از این کتاب را به آتش کشیدند.

بدین ترتیب، گارسیا مارکز در سایه شهرت و ثروت و نفوذی که بدست آورده بود در انجام کارهایی که خود را در آنها متعهد می دید توفیق یافته و در این راه از همدلی و یاری برخی مردان مشهور که در فهرست دوستان او جای دارند برخوردار بوده است. از جمله این دوستان می توان به فرانسومیتران و فیدل کاسترو اشاره کرد.

عشایر بختیاری در سه استان زندگی می کنند ۱- چهارمحال و بختیاری ۲- خوزستان ۳- استان یاسوج

زبان بختیاری قواعد دستور و واژگان خاص خود را دارد. به این زبان یا گویش آشنا نباشی متوجه نمی شوی چه می گویند. عشایر بختیاری دامدار و کوچ روند و بیلاق و قشلاق می کنند. عشایر بختیاری بسیاری از پوشش های خود را خود تهیه می کنند. غذای بختیاری معمولا کباب برگ، ماست، کره، دوغ، کنگر ماست و نان تبری است که همه را خود تهیه می کنند. تنها پارچه، قند و شکر و چای خود را از شهرها می خرند. آنها قالی، گلیم، جاجیم می بافند و مواد لازم را مانند پشم و رنگ های مختلف را خود تهیه می کنند. قالی های بختیاری مقاوم و خوش طرح است. می توانید بهترین نمونه های آن را در تهران در موزه فرش ببینید. مردان و زنان بختیاری دلیر و مهمان نوازند. گروه زیادی از دلبران بختیاری در نیروی جنگ آور نادرشاه و شاه اسماعیل در دفاع از کشور و غیره جنگیده اند. زنان و مردان حتی کودکان بختیاری تیرانداز و سوارکاری می دانند و در چادر زندگی می کنند. چادر آنها از پشم بز است. باران از این نوع چادرها نمی گذرد. زنان بختیاری دامن های رنگی پرچین می پوشند و به روسری بلند هفت رنگ آنها (می+ن) می گویند. بختیاری ها نام کودکان خود را از شاهنامه یا طبیعت می گیرند. بزرگترین شاعر بختیاری داراب افسر بختیاری است. ملک اشعراى بهار افسر بختیاری را فردوسی عشایر بختیاری می دانست. بر مزار دلیران بختیاری شیرسنگی می گذارند. مشهورترین زن بختیاری سردار بی بی مریم بختیاریست.

## حبانه در خانه فرماندار سندیکو

یادمه قبل از آنکه یخچال بیاید و به جنوب برسد و همه داشته باشند، در خوزستان و مناطق نفت خیزش در هر خانه ای یک خمره سفالی بزرگ روی یه پایه فلزی قرار می دادند و آن را پر از آب خوردن می کردند. آب خوردن در این خمره به تدریج خنک می شد. این ظرف بزرگ آبخوری در چوبی یا فلزی هم داشت و معمولا یک لیوان هم با بند یا زنجیری به آن می بستند. برای آب خوردن تابستان ها جنوبی ها زیر آن هندوانه یا خربزه می گذاشتند تا قطرات آب خنکی که از

## ادامه مطلب پیام خیام... از صفحه ۱۰

بر اوج دانش و حکمت زمانه و حیرت خویشتن را از گستردگی کشف نشده ها و رازهای هستی چنین بیان می کند:

**هرگز دل من ز علم محروم نشد  
کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد**

**هفتاد و دو سال فکر کردم شب و روز  
معلومم شد که هیچ معلوم نشد**

چکیده گفتار این که در جهان علوم مادی- طبیعی امروز و در دنیای فلسفه هایی که بر بنیاد جهان بینی علمی- منطقی استوارند (ماتریالیسم، مارکسیسم، اومانیزم) نه نظریه جبر پذیرفتنی است نه نظریه اختیار. شناخت جهان هستی و درک چگونگی پدیده ها، رویدادها، کنش ها و واکنش های وابسته به جهان هستی و دنیای جانداران- از جمله نوع انسان- با نور افکن رشته ای از علوم ریاضی به نام «علم احتمالات» بررسی و روشن می شود. «نظریه احتمالات» یکی از تازه ترین و شکافته ترین نظریه های جهان علوم مادی، طبیعی و انسانی است. در برابر نور خیره کننده «نظریه احتمالات» و توان شگفت انگیز آن در شناخت هستی و درک پدیده های طبیعی- انسانی، نظریه های جبر و اختیار رنگ می بازند و درمانده جلوه می کنند. جان کلام این که در نظریه احتمالات با بهره برداری از قانون های «رابطه علت و معلول» و «شناخت شرایط زمان- مکان»، رویدادهای طبیعت و پدیده های طبیعی کالبد شکافی می شوند و پرده از اسرار طبیعت کنار زده می شود. در جهان هستی نه جبر فرمان می راند و نه اختیار حکم می کند بلکه این پدیده احتمالات است که بر جهان هستی تمامی رویدادهای آن فرمان فرمایی می کند؛ بی آن که هدف یا برنامه ویژه ای داشته باشد. رویدادها فقط به این دلیل روی می دهند که نوبت یا زمانشان رسیده و نمی توانند روی ندهند زیرا زیر فرمان «شرایط زمان- مکان» اند و به دستور «رابطه علت و معلول» باید روی دهند. اما دستور دهنده ای نیرومندتر از شرایط زمان و مکان و موجودی برتر از رابطه علت و معلول، در جهان هستی یا فراسوی عالم وجود نمی تواند وجود داشته باشد. قادری «جبار» یا «مختار»، آفریده «پندار» و خدایی «مکار» اندیشه ای «هدیان وار» است.

پیام فلسفی این ترانه به روشنی می گوید که منظور از «قضا و قدر» پیش آمدهای طبیعی و رویدادهای جهان هستی هستند که در طبیعت روی می دهند. در همان ترانه که در زیر بازگو می شود خیام حتی نیکی و بدی را که از انسان سر می زند به «نهاد» او نسبت می دهد و پروردگار یا آفریننده دین ها را مسئول رفتار آدمیان نمی داند:

**نیکی و بدی که در نهاد بشر است  
شادی و غمی که در قضا و قدر است  
با چرخ مکن حواله کاندر ره عقل  
چرخ از تو هزار بار بیچاره تر است**

برای درک پیام ها و اندیشه های خیام و پی بردن به سبک سخن، معنای واژه ها و به ویژه برای شناخت فلسفه او شایسته است به یاد بیاوریم که خیام بیش از ۹۰۰ سال پیش می زیسته است. بسیاری از نظریه های علمی، کشف ها و اصول علمی که در دنیای امروز شناخته شده اند در زمانه خیام رازهایی سر بسته و معماهایی ناگشوده بوده اند. خیام ریاضیدان، ستاره شناس و اندیشمند نمی دانسته که سیاره زمین کانون جهان هستی نیست؛ از کروی بودن و گردش زمین بر گرد خورشید و به دور خود بی خبر بوده؛ نظریه های مربوط به چگونگی «پیدایش» جهان هستی و گسترش آن، چگونگی پیدایش دستگاه خورشیدی، تولد سیاره زمین، نظریه چگونگی پیدایش جانداران، فرضیه های تکامل نوع انسان و بسیاری دیگر از دانسته های علوم مادی- طبیعی در زمانه او وجود نداشته اند. یکی از تازه ترین و هیجان انگیزترین نظریه های علوم ریاضی به نام «نظریه احتمالات» و قانون های آن- که در شناسایی عالم و تفسیر رویدادهای آن بزرگترین چراغ راهنما هستند- بر خیام ریاضیدان آشکار نبوده اند. بی هیچ گفتگو می توان به این نتیجه رسید که زبان خیام زبان علم و فلسفه امروز نیست و نمی تواند هم باشد. اظهار نظرهای علمی- فلسفی خیام- با توجه به پیشرفت های ۹۰۰ سال گذشته- نمی تواند همگی درست و خالی از اشتباه باشند. با همه این ها، خیام یکی از نابغه های بزرگ جهان علم و فلسفه در ایران و یکی از غرور آفرین ترین و جهانی ترین اندیشمندان ایرانی است. خیام خود دستیابی خویشتن را

ترسوها از ابراز عشق عاجز هستند، عشق مخصوص دلبران است. مهاتما گاندی

قوه تخیل همه چیز است. قوه تخیل پیش نمایش جاذبه های آینده زندگی است.  
آلبرت انیشتین

پول عدد است و اعداد هیچ گاه به پایان نمی رسند. اگر پول تو را خوشحال می کند، جستجوی تو برای شادمانی هرگز به پایان نخواهد رسید. باب مارلی

## ادامه مطلب چگونه یک... از صفحه ۳۱

موفقیت پیدا کردن اطلاعات نادرست در گزارش این حساب منفی می باشد. در اینجا چند مورد که باید چک کنید آورده شده است:

- ♦ همه تاریخ ها
- ♦ بالانس ها
- ♦ شرایط پرداخت
- ♦ شماره حساب ها
- ♦ هر چیز نادرست دیگر

بعد از اینکه اختلاف حساب منفی را با هر سه «کردیت بیرو» بدست آوردید، فراموش نکنید که آنها ۳۰ روز به منظور بررسی صحت اطلاعاتشان فرصت دارند. اگر نادرست باشد، باید یا آن را اصلاح کنند و یا حساب منفی را حذف کنند و اگر فکر می کنید که نمی توانید با وام دهنده معامله کنید، فرد مناسبی را پیدا کنید و به مذاکرات رسیدگی کنید، برای انجام این کار می توانید به سراغ یک شرکت Credit Repair حرفه ای بروید.

فضل و کمال براون می نویسد: «گنجینه لطایف و نکته ها و ضرب المثل های او پایان ناپذیر می نمود. با این حال کسی به یاد ندارد که او داستانی را که شخص دیگری آغاز کرده به پایان برد. سخنان و داستان های او یا از ادبیات مشرق زمین باید می گرفت و یا از ماجراهایی بود که برای خود او یا دوستانش رخ داده بود. او استعداد زیادی در پرداختن این داستان ها داشت و نیز قدرت حافظه اش به حدی بود که گفتگوها را، کلمه به کلمه، به یاد می آورد، حتی کلماتی که گوینده خود از یاد برده بود.» (۸)

- ۱) ص ۳۸۸ متن انگلیسی، ص ۳۹۸ ترجمه فارسی.
- 2) *A year Amongst the Persian, P.381.*
- ۳) یک سال در میان ایرانیان ترجمه فارسی، ص ۴۱
- ۴) متن انگلیسی، ص ۲۸۱
- ۵) یک سال در میان ایرانیان ترجمه فارسی، ص ۴۴۷
- ۶) همان، ص ۴۵۴
- 7) *A year Amongst the Persian, P.493.*
- ۸) مقدمه ترجمه فارسی یک سال در میان ایرانیان، ص ۱۶

در عوض درخواست می کنید که آنها Repossession را از روی کردیت ریپورت تان حذف کنند. در حقیقت، سخت ترین بخش از این تکنیک بکارگیری فرد مناسب است. او در واقع کسی است که توانایی مذاکره با شما و حذف حساب منفی از کردیت ریپورت تان را دارد. به عبارت دیگر، این گزینه ای است که به پشتکار مذاکره کننده بستگی دارد. هر چه بانک بزرگتر باشد، بکارگیری فرد مناسب در تماس تلفنی هم سخت تر خواهد شد. در نهایت مطمئن شوید که شما همه چیز را قبل از نهایی کردن شرایط مذاکره دوباره، نوشته اید. یکی دیگر از گزینه های موجود برای برداشتن و حذف یک Repossession استفاده از یک روش پیشرفته برای بدست آوردن اختلاف Repossession با سه «کردیت بیرو» می باشد. کلید

می دهد و از خود می پرسد که آیا روشی کاذبی جای روشنی صادق آسمانی را گرفته؟ روشنی کاذبی که از بقایای آثار عقاید مزدکی و المقنع و حسن صباح است؟ من که این همه در جستجوی هویت این آیین بوده ام باید به این جا برسم که کانون آن در باتلاق پر تناقض انسان خدایی است؟

براون با میهمانان بابی و ازلی و بهایی درباره آن چه در کتاب هایشان آمده و بدان عمل نمی کنند بحث می کند. آن چه در خور توجه است این که براون در گزارش خود از موضوع بحث این مجالس از حدیث ها و شعرهایی که خوانده می شود، هیچ نکته ای را از یاد نبرده است. مثلا بعد از نقل شعر قره العین از شعر دیگری درباره وحدت وجود یاد می کند که ما همچون شیشه رنگین پنجره ای هستیم در معرض نور خورشید. براون عین کلمات شعر را به یاد نمی آورد، اما ترجمه آن را به دست می دهد. از این رو می توان با دوست قدیم او سر دنیسن راس موافق بود که در مراتب

## ادامه مطلب ایران شناسی ایران دوست... از صفحه ۷

حاصل تجربه او خواندنی است: ... ده دقیقه بعد، با همه وجودم، تلاولی زیبای آرامش را احساس می کردم و در کمال خودآگاهی و وجد، در روشنی آرامبخشی فروغلتیده بودم که همان لذت مهلک ماده ای است که ایرانیان از آن به عنوان «پادزهر» یاد میکنند، یعنی «تریاک». در پی مصرف تریاک جمعی، که ظاهرا از بایبان و ازلیان هستند، خوان الوانی می گسترند که در آن از خوردنی و نوشیدنی از هر نوع چیده شده است. هر جا که از تأثیر افیون و شراب گرم می شود بحث تابش خورشید الهی درافکننده می شود و شعر قره العین با آوازی خوش خوانده می شود و فریاد شوق و شور از هر سو برمی خیزد و شعری در «ملاقات خدا» خوانده می شود: هیچ اسمی بی مسمی دیده ای

یا زگاف و لام گل، گل چیده ای؟  
اسم جستی رو مسمی را بجوی  
مه به بالا دان نه اندر آب جوی

بحث براون درباره تجسم و تجسد خدا با جماعت درمی گیرد: «من از خدا را به صورت آدمی درآوردن هراسان شده فریاد زدم: خدا نکنند. خدا نکنند که چنین باشد. همان شعری که از مثنوی شاهد آوردید برخلاف مدعای شماس است. «مه به بالا دان نه اندر آب جوی» آن چه من از این شعر می فهمم می خواهد بگوید که حقیقت را باید در ورای دنیای مادی جست، نه در انعکاس های گذرا. آیینه وابسته به منبع اصلی است. منبع اصلی نیاز به آیینه ندارد. تبارک الله مما یشکرون». خواننده شعر قره العین سخنان را قطع کرد: «ای حضرت فرنگی! تمام این تصورات شما در حق خدا آفریده ذهن شماس است. حتی همین آیه ای که نقل می کنید: «تبارک الله مما یشکرون». حضرت عیسی که روح الله است، روحش را کلیسا بخشیده و در آن تجلی کرده است. از این رو وقتی که از حضرت «نقطه تجلی»، یعنی باب، پرسیدند که فرنگی ها چیستند؟ جواب داد: «آنها روح اند. شما امروز تجلی مسیح هستید. شما اکنون مظهر روح القدس هستید. اگر این را درک کنید شما خدا هستید!». من گفتم: «خدا نکنند. دیگر این گونه سخنان کفرآمیز را بر زبان نیاورید. بدانید که من خود را کمترین بندگان خدا می دانم. ناقابلترین بندگانی که حضرت عیسی را به عنوان راهنما و سرمشق خود قرار داده.» (۷)

براون با بهت و به تعبیر خود «با نفرت و انزجار» به بحث های این جماعت گوش

در دیداری از یک کارگاه شال بافی کرمان از کار و زندگی کارگران سخت به درد می آید. می گوید: «در آن کارگاه بیست و پنج تن از کارگر خردسال شش ساله تا مردان میانسال کار می کردند که دستمزد سالانه آنها از ده تومان تا حداکثر به بیست و پنج تومان می رسید. این دستمزد ناچیز بابت کاری بود که در تابستان از طلوع خورشید و در زمستان زیر نور شمع تا سه ساعت پس از غروب می پایید. تعطیل آنها یک روز و نیم در هفته و شش روز در سال است. خوراکیشان تنها نان خشک است.»

براون صمیمانه به حال این مردم بینوای زحمتکش دلسوزی می کند: «بیچاره کودکان کرمان که از هوای پاک و نور آفتاب محرومند. آنها به جای بازی و سرگرمی درخورسن و سالشان باید سخت کار کنند تا سالخوردهگان ثروتمند خود را با حاصل کار آنها بپوشانند که با همه زیبایی به خون بیگناهان رنگ آمیزی شده است. بافتن هر شال سه و نیم ذریع دوازده تا پانزده ماه طول می کشد. این شال ها به بازارهای ترکیه فرستاده می شود. تازه بازار فروش آنها هم کساد است. صاحب کار می خواهد آنها را یک سال تعطیل کند و به زیارت کربلا برود، شاید لطف خدا شامل حالش شود.» براون به طنز می گوید: «او می توانست با بهبود وضع کارگران لطف خدا را بیشتر جلب کند.» (۷)

براون در کرمان، بیش از هر شهر ایران، دوست و آشنا پیدا می کند. با فقیر و غنی، شاهزاده و درویش، حکمران و گدا و اهل ملیت ها و مذهب ها و مسلک های جورواجور از هندو و بلوچ و زردشتی و شیعی و سنی و صوفی و بابی و ازلی می آمیزد و حتی چندی هم نزد فرقه ای از قلندران معتکف می شود. با جادوگران و شعبده بازان آشنا می شود و از رمل و سحر سر درمی آورد. ناگفته نماند که در کرمان چشم دردی سخت عارض براون می شود. به توصیه دوستان به تریاک رو می آورد. می گوید: «درباره من بد داوری نکنید. در غربت به رنج بیماری گرفتار شدم و سرانجام به تواناترین و فریبنده ترین و وسوسه آمیزترین درمانها تن دردادم» گفت:

**حضرت افیون ما هر مرضی را دواست  
لیک چو عادت شود خود مرضی بی دوا است**

از یاد نبرید که براون خود طیب است و در بیمارستان سنت بارتلمی انگلیس کارآموزی کرده بود و از تأثیرات ماده تریاک (*Cannabis Indicia*) خبر دارد، اما در مصرف آن تجربه ای نداشت. شرح

**دفتر خدمات بین المللی**  
**قبول وکالت در کلیه امور حقوقی در دادگاه های ایران**

OOIS  
Office of International Services

**(408)909-9060**

OOIS  
Office of International Services

## ادامه مطلب اقلیت ها و حق... از صفحه ۴۲

## ادامه مطلب ورزش از نگاه من... از صفحه ۱۴

و یکی از بهترین و متفکرترین مربیان کنونی جهان یعنی آقای پکرمن را در کنار خود دارد. کسی که منچستر سیتی را قهرمان انگلیس کرده است. اما بهرحال تجربه و دانش او نیز مددکار نیست و ساموئلی ها کلمبیائی ها را که از دقیقه چهارم ده نفره شده بودند شکست دادند.

فردا ایران دومین دیدار خود را در برابر اسپانیا انجام می دهد. از اردوی ایران خبر می رسد که روزبه چشمی آسیب دیده است و غایب خواهد بود. این خبر خوش آیندی نیست در برابر اسپانیائی که کشته پیروزی هستند و می دانند چه ارزشی خواهد داشت این سه امتیاز.

بهرحال باید به تصمیم آقای کپروش در جایگزینی او ارج نهاد. او با بازیکنانش ارتباط ذهنی، روانی و عاطفی دارد و نهال بارور کردن را در مغز بچه هایش پرورش داده است. در حدود هشت سال پیش که آقای کپروش به ایران آمد در برابر تماشاگران هیجان زده ای که او را بخوبی نمی شناختند، کراواتش را از گردنش درآورد و با پیراهنی که دکمه های یقه اش را باز کرده بود، گفت: «کار من درمان تیم بیمار شماس» آن روزها کسی تیم ایران را به بازی نمی گرفت. عرب ها حتی در تهران هم تیم قهرمان آسیا را گوش مالی می دادند. وقتی او تیم را در دست گرفت، گرچه هرگز جامی را به خانه نیاورد، اما استعدادهای زیادی را شناخت، بارور کرد و قدرت اول آسیا شد. او در جام جهانی ۲۰۱۴ و در برابر آرژانتین تیم ایران را زنده کرد. خاطره آن بازی سال ها در ذهن ایرانیان خواهد ماند. هیچکس نمی تواند در مورد خودش قضاوت درست کند. این دیگرانند که باید راجع به او قضاوت کنند. آقای کپروش روزمه بحث انگیزی دارد. آدم های بیمار و خود بزرگ بین او را نمی پسندند چرا که بهرحال او از همه سر است حتی از آقای برانکو مربی قرمزها که در فصل آتی خواهیم فهمید او چند مرده حلاج است. او با بازیکنانش همواره درگیری هایی داشته است. او مثل دیگر زخم خورده های ایرانی بطور دردناکی در انتظار باخت تیم ایران اند. اما کپروش دومین پیروزی ایران را در جام جهانی رقم می زند، دیگر برد ایران در برابر آمریکا بوده است. هیچکس به اندازه کسی که نخواهد ببیند نایبنا نیست. اما چه کسی می خواهد ببازد، باید به انتظار نشست و دید. بامید حضور ایران در دوره بعد.

زندانیان عقیدتی نظیر بهائیان، درویش، نوکیشان مسیحی، یارسان و اهل تسنن دیده می شود.

نمی توان زیبا بازی کرد و باخت، باید نتیجه گرفت تا به بقا امیدوار بود. آنچه مردم را اندیشمند می کند مطالبی نیست که می خوانند بلکه چیزهایی است که می بینند و بخاطر می آورند. از هشت تیم آسیایی و آفریقایی که تا امروز در جام جهانی به میدان رفته اند همه تیم ها با شکست زمین بازی را ترک کرده اند و تنها تیم پیروز از جمع تیم های آفریقایی و آسیایی ایران و ژاپن هستند. بطور مثال سوئد یک بر هیچ در یک ضربه پنالتی از کره برد، اختلاف فقط یک پنالتی بود. سه تیم آلمان، آرژانتین و برزیل در مقابل سه حریف نه چندان نامدار خود موفق نبودند. این تیم ها گرانترین بازیکنان را در میان خود دارند. چینی ها اعتقاد دارند که جام جهانی به خانه یکی از این سه تیم خواهد رفت. آیا بازیکنان آنها خسته و از حال رفته اند! در لیگ هایی که بازی ها وحشتناک فشرده است، آنها رمقی برای کار اضافه ندارند. برای مثال مسی آرژانتین در لیگ اسپانیا و برای باشگاه بزرگ بارسلون بازی می کند، آیا اسپانیائی از مرغ تخم طلائی آرژانتین آنچنان توانش را گرفته اند و تخم کشی کرده اند، که او حتی رمق به ثمر رساندن پنالتی آرژانتینی ها را ندارد. خشونت در نزد مدافعان بیداد می کند. تعداد پنالتی ها بیشتر از هرجایی است. اما هیچ مربی موفق خشونت را آبیاری نمی کند. مکزیک یک تیم و یک دست پر از سربازها است نه سربارها. در این تیم همه می دانند که همبازیانش چه می تواند انجام دهد و چه نمی تواند. آنها آگاه به کشف مهارت های یکدیگرند. فراموش نکنید در بسیاری ممالک باخت آرامش کشور را برهم می زند. پیروزی کشورهای جهان سومی فریاد لذت بخش آنهایی است که دیگر نمی خواهند مظلوم باشند و ظلم اربابان دیروز را تحمل کنند. در آستانه دیدار انگلستان و تونس، شبکه ملی برق انگلستان برای افزایش مصرف برق ۵۰۰ مگاواتی آماده شد. آنها درک کرده بودند پیامد این بازی باز کردن درب ۲۳ میلیون یخچال بین دو نیمه بازی برای رفع تشنگی فوتبال دوستان انگلیسی است. بهرحال در پایان وقت اضافی انگلیس تونس را دو بر یک با گل کاپیتان خود هری کین شکست دادند. این پیروزی از ارزش های تونسسی ها نمی کاهد. اما بهرحال آنها باختند. ژاپنی ها سریع و منظم کلمبیا را دو بر یک شکست دادند. کلمبیا پر از بازیکنانی که اغلب در خارج از کشور بازی می کنند

تشیع تلقی می شود. بنابراین فعالیت تبلیغی علیه نظام و جرم محسوب می شود و این موضوع به ویژه در پرونده های مربوط به آنها مانند نمازهای جمعه و جماعت و عیدهای قربان و فطر جز در چهارچوب سیاستهای مشخص و مقرر و حکومتی مجاز نیست. در مورد بزرگ ترین گروه مذهبی پس از مسلمانان که پیروان آیین بهائیت اند نیز، این پاسخ منفی است. جمهوری اسلامی این آئین را ضاله می داند و با تشکیل هرگونه گروه و جمعی که متشکل از پیروان این آئین باشد برخورد می کند. مشهورترین برخورد دستگیری گروهی از بهائیان ایران در سال ۲۰۰۸ است. روز چهارشنبه ۱۴ مه ۲۰۰۸ شش نفر از گروه یاران که به امور جامعه بهائیان در ایران رسیدگی می کنند بازداشت شدند. این اتفاق در ادامه دستگیری مهوش ثابت یکی دیگر از یاران ایران، گروه جایگزین محفل ملی ایران پس از تعطیلی نظام اداری بهائی به دستور حکومت جمهوری اسلامی ایران، در اسفند ماه ۱۳۸۶ صورت گرفت. گروه های دیگری مانند اهالی فرقه های دینی برآمده از اسلام، دراویش و یارسان (اهل حق)، بهائی، صابئین، پیروان آئین هندو یا بودایی بر اساس قانون اساسی، حتی حق اجرای مناسک دینی، تعلیمات دینی در حوزه شخصی نیز داده نشده است و به تبع اولی، امکان رسمی تشکیل گروه و فعالیت ندارند و با برخوردهای امنیتی روبه رو می شوند. به علاوه، بر اساس قانون تشکیل گروه ها، برخی تخلفات می تواند منجر به تعطیلی و برخورد با گروه ها شود که از آن جمله می توان به «دریافت هرگونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان، نقض وحدت ملی و ارتکاب اعمالی چون طرح ریزی برای تجزیه کشور، تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه های متنوع فرهنگی و مذهبی و نژادی موجود در جامعه ایران، نقض موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی، تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات مضره» اشاره کرد. در سایه چنین اتهام هایی، فعالیت بسیاری از گروه ها به اتهام تبلیغ علیه نظام، که در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات ماده ۵۰۰ آمده، برخورد می شود. به این عنوان که «هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه ها و سازمان های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد» و از آنجا که کلیت نظام سیاسی ایران بر اساس باور مذهبی شیعه است، هر نوع فعالیت تبلیغی سایر ادیان و مذاهب نفی مذهب

به عنوان مثال در حوزه شورای خلیفه گری ارامنه تهران، ۲۵ انجمن و باشگاه در زمینه های مختلف فرهنگی، امور خیریه و ورزش فعالیت می کنند. این انجمن ها و باشگاه ها عمدتاً تحت پوشش شورای خلیفه گری اند و با آن همکاری نزدیک دارند. این انجمن ها مانند انجمن خیریه بانوان ارامنه تهران، انجمن چهارمحل، انجمن فرهنگی ارامنه نائیری، انجمن جامعه فارغ التحصیلان ارامنه دانشگاه های ایران، انجمن اجتماعی فرهنگی ارامنه ایران و سازمان فرهنگی آرات تنها به برگزاری برنامه ها و جشن هایی برای اعضای خود می پردازند یا کارهای خیریه مثل تشکیل بازارچه، مراقبت از سالمندان و نظایر آن انجام می دهند.

انجمن «زن ارمنی» (های گین)، باشگاه «سردارآباد» و انجمن های شعرا و نویسندگان ارمنی، انجمن های معلمان، پزشکان، معماران، «وان واسپورگان»، انجمن زنان دوستدار کلیسا، «جامعه صنعتگران ارمنی ایران» و... نیز تنها برای اعضای خود فعالیت می کنند. انجمن آشوری های تهران حدود ۸۵ سال پیش، تأسیس شده و متولی امور فرهنگی، اجتماعی، ورزشی و آموزشی آشوری های تهران است. در حال حاضر، حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر آشوری در ایران زندگی می کنند که امور فرهنگی و اجتماعی شان در این انجمن و از طریق زیرمجموعه هایی مانند کمیته بانوان، کانون ملی فرهنگی جوانان، گروه همسرایان، روابط عمومی، واحد مهندسان، خیریه، واحد هنری و کمیته بین کلیسای انجام می شود.

چنین شرایطی در مورد انجمن های زرتشتیان ایران هم وجود دارد: انجمن هایی که اغلب در مناطق محل زندگی زرتشتیان تشکیل شده و به فعالیت های عمومی اجتماعی یا برگزاری مراسم و جشنهای ملی و مذهبی مشغول اند. اما آیا امکان تشکیل هیچگونه گروه و انجمنی برای گروه هایی غیر از مسیحیان، کلیمیان و زرتشتیان ایران وجود دارد؟ اهل سنت با این که مسلمان اند اما در سال های پس از انقلاب در ایران، همواره از نظر تبلیغی و آموزشی تحت فشار و محدودیت بوده اند و فعالیت های آنها از نظر گروهی تحت فشارهای امنیتی بوده است. گفتارها و نوشته های آنان با اعمال سانسور مضاعف مواجه شده و بارها مساجد و محافل دینی آنها ویران یا بسته شده و حتی مراسم خاص مذهبی

## ادامه مطلب عشق، هوس... از صفحه ۳۷

روز شنبه همه چیز طبق قرار انجام شد. اما ربکا برخلاف قولی که داده بود، برای فریدون یک پیراهن گرانیقیمت خریده بود و با خود به پانسیون برد. ربکا در کار سکس بی نهایت بی پروا بود و از لحظه ورودش به اطاق، بطور کامل برهنه می شد و تا وقت رفتن، هیچ پروایی از برهنه بودنش نداشت و به هیچوجه خود را نمی پوشانید. آنچنان بدن زیبایی داشت که از هیچ عضوی از خود، خجالت نمی کشید. ساعت یازده شب که شد برخاست و لباس پوشید و پرسید: «برای فردا با نازارینا چه قراری گذاشته ای؟» فریدون گفت: «هنوز قراری نگذاشته ام اما حتما برای دیدنش به جایی خواهم رفت.» ربکا گفت: «من برای فردا خانه دوستم را آماده می کنم که از صبح تا ظهر با هم باشیم و من ناهار را هم همراهم میآورم.» فریدون خواست بگوید پس نازارینا را چطور ببینم که ربکا توی حرفش دوید و گفت: «تو یک یادداشت در آشپزخانه پانسیون بگذار که با سامان بیرون رفته ای و ظهر به او زنگ خواهی زد و قرار ملاقات خواهی گذاشت.»

روز یکشنبه ربکا صبح زود برخاست و خیلی سریع پخت و پز کرد و همه چیز را ظرف دو ساعت آماده کرد و یک یادداشت برای آنتونیو گذاشت که من امروز باید برای خدمت به کلیسا بروم و بعد از ظهر خواهم آمد و خوراکش را هم آماده کرده و در فر گذاشت تا گرم بماند. وسایل را برداشت و در اتومبیل گذاشت و به خانه دوستش برد و پس از آن محل پارک اتومبیل را عوض کرد که مبادا بطور اتفاقی در مقابل خانه دوستش دیده شود. فریدون ساعت نه بامداد در خانه و در کنار ربکا بود. ناهار را با هم خوردند و فریدون برخاست و با اتوبوس رفت و ربکا وسایل را برداشت و به خانه خود برگشت.

## ادامه مطلب خاطرات در گذر زمان... از صفحه ۱۵

می خواست به من اشرف مخلوقات بفهماند که من گم شده صاحبی دارم که هم زبان تست، مرا دریاب. با چشمان ملتمس به من می گفت: از در خویش مرا نم که در این شهر غریب من بغیر از تو به جای دگری ره نبرم فکر کرده بود در آن لحظه دریدری فقط من پناه او هستم چون با او فارسی صحبت کرده بودم!

فریدون درس هایش را دوباره با ذوق و شوق ادامه می داد چون همه آن ماجراهای غم انگیز را پشت سر گذاشته شده بود و اینک نه تنها غم از دست دادن محبوبش را نمی خورد، یک معشوقه ایده آل هم در کنارش روییده شده بود که همه نیازهای او را به خوبی برآورده می کرد. روز سومی که درس های روزانه تمام شد و می خواست به خانه برود، در صندوق پستی اش بسته کوچکی را پیدا کرد و باز کرد. جعبه ای بود که با روبان طلایی رنگی بسته بندی شده بود. در جعبه ای که گشود، ساعت طلای بسیار زیبایی درونش بود. فرستنده بسته، ربکا بود. ربکا فردای همان روز بعد از خداحافظی، ساعت را برایش خریده و پست سفارشی کرده بود.

به خانه که رسید، چند دقیقه نگذشته بود که تلفن زنگ زد. ربکا بود. پرسید: «آیا بسته ات را دریافت کردی؟» فریدون ضمن سپاسگزاری گوشزد کرد که دیگر دلش نمی خواهد هدیه دیگری برایش فرستاده شود. ربکا هم قول داد که دیگر چنین نخواهد کرد. روز شنبه که باید به دیدار نازارینا می رفت، نمی دانست با ساعت چه کند! فکر می کرد آیا به رسم قدردانی باید بدست کند و یا برای جلوگیری از کنجکاوی نازارینا، آن را در خانه بگذارد و با خود نبرد.

روز جمعه دو تلفن طولانی داشت، یکی از نازارینا و دیگری از ربکا. نازارینا تدارک ناهار دیده بود و از او دعوت می کرد که در ایستگاه راه آهن در انتظارش خواهد بود تا به اتفاق به خانه شان بروند. ربکا نقشه دیگری کشیده بود. با او قرار گذاشت که از ساعت هفت بعد از ظهر در پانسیون خواهد بود و تا ساعت یازده شب در کنارش می ماند و بهانه ای را هم که تراشیده آن است که به آنتونیو گفته دوستانش بلیط یک تاتر را برایش گرفته اند و به اتفاق دوستان به دیدن اپرا خواهد رفت.

فریده دوستم گفت: «آره ماه پیش گرگی گم شد هفت هشت روزی ویلان و سرگردان بود تا پلیس پیدایش می کند. پیر شده و مثل خودمان حواس پرتی داره.» بغض گلویم را گرفت اشکم سرازیر شد و تازه متوجه شدم که چرا حیوان بی زبان مرا ول نمی کرد و تا پای کتک خوردن هم ایستاد.

## ادامه مطلب انرژی مثبت... از صفحه ۲۸

باشید. معمولا مدیر خوبی میتوانید باشید و مسائل را بهتر می توانید مدیریت کنید. **عدد کوا = ۷ عنصر = فلز (نرم = جیوه)** فردی هستی بسیار خلاق، معمولا بسیار خوب می توانید بین مسائل و موارد گوناگون ارتباط برقرار کنید و در زندگی استفاده کنید. طالب معرفت هستید و بسیار دوست دارید که انسان سودمند و لایقی باشید.

**عدد کوا = ۸ عنصر = خاک (قدرتمند)** فردی هستی طالب آگاهی و رشد. علاقمند به مطالعه و معمولا می توانید خوب فکر کنید. مشورت با افرادی چون شما معمولا نتایج خوبی را خواهد داشت.

**عدد کوا = ۹ عنصر = (آتش)** معمولا فردی هستی با روابط اجتماعی بالا، تعداد دوستان شما می تواند بیشتر از سایرین باشد و یا افراد زیادی شما را می شناسند، معمولا پر جنب و جوش هستید و از سکون بیزارید.

## ادامه مطلب نامه های شگفت انگیز... از صفحه ۷

خاکستر به آن اضافه می کنند تا شیرین شود. آلکالیس ها یا نمک های قلبائی که در خاکستر موجود است آب انگور را به کف می اندازد و اسیدهای موجود در شیر را اصلاح می کند. در تمام گیلان درختان پرتقال بسیار است و درختان پرتقال در آنجا بزرگ و قطور می شوند ولی شگفت آور است که در سرزمینی که هوایش در تابستان بسیار گرم است، پرتقال ها بر روی درختان نمی رسند و در آغاز فصل سرد آنها را در حالی که هنوز سبز هستند می چینند و در زیر کاه برنج می گذارند تا کم کم رنگ بگیرند. لیموها درشت و کم آب هستند و عطرشان نیز کمتر از لیموهای اروپائی است.

داروغه یعنی کلانتر کل ناحیه که آمده بود به سفیر خوش آمد بگوید، وقتی دید که من کتاب دعایم را می خوانم، از من پرسید این چیست و چون به او گفتم که این مجموعه برگزیده ای از دعاها، انجیل و گفتار پیامبران است، آنرا از من گرفت و با احترام آن را بوسید. من تصویری را که در کتاب بود به او نشان دادم و او آن را روی صورت و ریش خود گذاشت.

**عدد کوا = ۴ عنصر = چوب (تابستانی)** فردی هستی با ثبات، به این معنا که در زندگی تان توان بسیار خوبی برای تحمل، برقراری و نگه داشتن وضعیتی مشخص را دارید. معمولا می توانید در موارد گوناگون هماهنگی خوبی برای خود و سایرین به وجود بیاورید.

**عدد = ۵ عنصر = خاک (خلاق)** فردی هستی عاطفی، میل به هنر، شعر و یا موسیقی در شما می تواند بیشتر باشد، عشق برای شما از اهمیت خاصی برخوردار است و افرادی دوست داشتنی و قابل اعتماد هستید.

**عدد کوا = ۵ عنصر = خاک (خلاق)** فردی هستی طالب آگاهی و رشد، علاقمند به مطالعه و معمولا می توانید خوب فکر کنید، مشورت با افرادی چون شما معمولا نتایج خوبی را خواهد داشت.

**عدد کوا = ۶ عنصر = فلز (سخت)** فردی هستی که نقش حامی را به خوبی می توانید در زندگی برای اطرافیان داشته

در تابستان در جستجوی چمنزارها به کوهستان ها می روند زیرا علف این کوهستان ها بهتر از جاهای دیگر سرسبز هستند و شیره خود را نگاه می دارند. اینان در هنگام زمستان در دشت زندگی می کنند و به این ترتیب از گرمای زیاد و سرمای زیاد اجتناب می کنند. خیمه ها و اثاث خود را بر روی گاوان بار می کنند و زن های آنها بر اسب سوار می شوند. این روز زیبا با رسیدن به دهکده ای که نه یا ده خانه داشت پایان یافت. نام این دهکده «شلاپنی» است و دارای پرچین هایی است که بر درختان بید تکیه دارند. در آنجا شربت تازه نوشیدیم. در این سرزمین تاک ها را می گذارند تا هر قدر می توانند بر روی درختان تنومند بالا روند. بنا بر آنچه بمن گفتند و توانستم با چشم خود ببینم یک شاخه مو بیش از یکصد و شصت لیور انگور می دهد ولی انگور این تاک ها که از آنها مراقبت نمی شود و در میان جنگل می رویند خوب نمی رسد و شراب این انگور سبز رنگ است. از این انگور بیشتر شیره می سازند وقتی که شیره را می یزند مقداری

## اطلاعی

آدرس جدید دفتر خدمات بیمه سحر سلاخی

2239 Moorpark Ave., # 200  
San Jose CA 95128

## Summer Fridays: Are They Right for You?



**Caroline Nasseri**  
Accident Lawyer

*Some companies allow employees to work an abbreviated day on Fridays during the summer months, often referred to as "Summer Fridays." Certain business models may be more conducive to Summer Fridays, so this isn't necessarily the right approach for every company. Here are some considerations for implementing Summer Fridays:*

**Pros:** Summer Fridays are a valuable benefit for many employees, increasing commitment, morale, and productivity, especially among employees who value increased flexibility. The goal of the Summer Friday is to maximize productivity when employees are at work. Most employers find that even though employees work fewer hours on that day, they generally work harder before they leave and once they're back in the office.

**Cons:** Conversely, some employees may turn the partial day off into a full day off by not treating the Summer Friday as a legitimate work day. In addition, some employees may feel increased work stress if they have to complete more work in less time or make up the hours the rest of the week.

**Additional Considerations:** Before instituting Summer Fridays, consider the following guidelines:

**Evaluate your options.** Summer Fridays may mean a shortened workday and, overall, a shorter workweek. Other employers ac-

commodate Summer Fridays by compressing the workweek (that is, allowing employees to work longer days Monday through Thursday so they can leave early on Friday). Evaluate whether business demands can be met with a compressed workweek. If not, consider other options that may help boost morale and productivity, such as flexible hours, rotating Summer Fridays among employees, or permitting Summer Fridays every other week.

**Rules for compressed workweeks.** Employers in Alaska, California, and Nevada have additional considerations for adopting an alternative/compressed workweek. In these states, specific criteria must be met in order to avoid daily overtime when implementing a bona fide compressed workweek schedule. Check your state law for more information. Note: If a non-exempt employee works more than 40 hours in any workweek, they are entitled to overtime regardless of whether the workweek is compressed.

**Dress code issues.** Dress code violations tend to increase in the summer. The introduction of Summer Fridays may prompt further violations, especially if employees are planning to head to the beach straight from work. However strict or relaxed your dress standards are, remind employees of your expectations as summer approaches. Consider re-distributing your written dress code or personal appearance policy, and provide clear examples of what constitutes appropriate and inappropriate dress.

**Maintain flexibility.** Take steps to ensure that you have the flexibility to meet business needs. Clearly communicate to employees that you retain the right

## 8 Great Benefits of Onions



Never mind the tears they bring on—onions are an ace ally in your fight against disease. A prized member of the lily family, onions lavish you with health benefits while adding oodles of taste to your food. Not to mention you can buy a bundle from the grocery store for mere pennies.

**Here's a quick glimpse at their incredible health benefits:**

- ★The phytochemicals in onions along with their vitamin C help improve immunity.
- ★Onions contain chromium, which assists in regulating blood sugar.
- ★For centuries, onions have been used to reduce inflamma-

tion and heal infections.

★Do you enjoy sliced onions with your food? If yes, rejoice! Raw onion lowers the production of bad cholesterol (LDL), thus keeping your heart healthy.

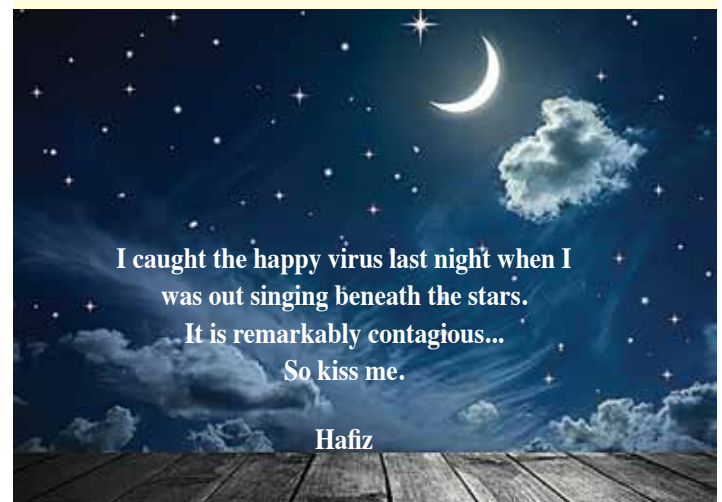
★A powerful compound called quercetin in onions is known to play a significant role in preventing cancer.

★Got stung by a honeybee? Apply onion juice on the area for immediate relief from the pain and burning sensation.

★Onions scavenge free radicals, thereby reducing your risk of developing gastric ulcers.

★Those bright green tops of green onions are rich in Vitamin A, so do use them often.

Which type of onions are the healthiest? Researchers from Cornell studied 11 onion varieties, and found that shallots and Western yellow onions were the healthiest for their phenolic and flavonoid content.



I caught the happy virus last night when I  
was out singing beneath the stars.

It is remarkably contagious...

So kiss me.

Hafiz

to limit, adjust, or suspend Summer Fridays at any time and that supervisors may ask employees to adjust their schedules to meet business needs.

**Put the policy in writing.** Put your policy in writing, obtain employee acknowledgments, and remind employees of the policy before the start of each summer season. In addition to

addressing the issues discussed above, the policy should indicate when Summer Fridays are in effect, who is eligible, and company expectations concerning productivity.

Summer Fridays are an attractive benefit for employees. If you are thinking about implementing this type of perk, take the time to decide whether Summer Fridays are right for your business.

## Support for Legal Immigration On the Rise?



Thirty-two percent of Americans believe legal immigration into the United States should increase, compared to 24 percent who believe it should decrease. According to a new Pew Research Center study published Thursday, Shifting Public Views on Legal Immigration Into the U.S., support for increasing legal immigration has increased 22 percentage points from 10 to 32 percent since 2001. There has also been a decline in the percentage of people saying legal immigration should be decreased from 53 to 24 percent since 2001. Currently, 38 percent of Americans believe legal immigration into the U.S. should remain the same.

The survey found that the shift comes mostly from changing views of Democrats. Since 2006, the number of Democrats who believe legal immigration should increase doubled from 20 to 40 percent. Republicans views have also changed, but less drastically. Currently, 22 percent of Republicans support increasing legal immigration. Since 2006, the number of Republicans who believe legal immigration into the U.S. should be decreased fell from 43 to 33 percent.

However, about twice as many Republicans than Democrats are in favor of reducing legal immigration – 33 percent compared to 16 percent. Thirty-nine percent of respondents from both parties support keeping immigration at its present level. While about 76 percent of immigrants in the United States are in the country legally, according to Pew Research Center,

only 45 percent of Americans know this. Many respondents gave incorrect answers: Thirty-five percent say most are in the country illegally, 6 percent say the situation is half-and-half and 13 percent didn't respond.

Whatever their knowledge of immigration status, most Americans (69 percent) feel somewhat or very sympathetic toward immigrants in the country without legal status. Democrats are more likely than Republicans to feel sympathy – 86 percent compared to 48 percent.

When it comes to attitudes about immigrants, a majority of Americans (65 percent) believe immigrants living in the United States without legal status are no more likely than U.S. citizens to commit serious crimes. These numbers differ along party lines. Forty-two percent of Republicans say they are more likely to commit crimes, while 46 percent say they are not, compared to 80 percent of Democrats who say they are no more likely.

Additionally, 71 percent of Americans said immigrants in the country without legal status mostly fill jobs that U.S. citizens don't want. This opinion also differed among the two parties. Eighty-two percent of Democrats believe these immigrants don't take jobs Americans want, while 57 percent of Republicans believe the same.

These opinions are mostly unchanged since 2016, according to the survey.

There has, however, been a decline since 2015 in the belief that providing legal status for immigrants is a "reward" for wrongdoing. Currently, 67 percent of Americans do not view it as a reward, compared to 27 percent of people who do. In 2015 and 2013, 36 and 37 percent, respectively, said granting immigrants

## California Compromises With Beverage Industry, Bans Taxes on Soda



California Gov. Jerry Brown signed a bill Thursday banning cities and counties in the state from taxing sodas and other sugary drinks.

Assembly Bill 1838 bans new local taxes for 12 years and was part of a larger deal between the beverage industry and the state. It was a compromise to stop a ballot measure supported by the beverage industry that would make it more difficult to raise state and local taxes in California.

In a signing message, Brown wrote that of California's 438 cities, four are considering passing a tax in an effort "to combat the dangerous and ill effects of too much sugar in the diets of children."

The beverage industry responded by announcing a "far-reaching initiative" that would raise the approval threshold from half to two-thirds on all tax measures in every city. Brown wrote that mayors from dozens of cities expressed their concerns and "strongly support

the compromise which this bill represents." The industry's initiative would also "restrict normal regulatory capacity of the state by imposing a two-thirds legislative vote on what is now solely within the competency of state agencies."

"This would be an abomination," Brown wrote. "For these reasons, I believe Assembly Bill 1838 is in the public interest and must be signed."

According to The Sacramento Bee, the beverage industry contributed more than \$7 million to its campaign.

Cities in California are not the only places fighting to tax soda and sugary beverages in an effort to combat obesity, diabetes and heart disease. Philadelphia approved a tax on nonalcoholic sweetened beverages in January 2017. However, states such as Michigan and Arizona signed similar bills banning cities in those states from taxing similar beverages.



(408) 909-9060

By Appointment Only

who are in the country illegally with legal status was a reward for wrongdoing.

People are also more tolerant of non-English speaking immigrants they come in contact with. In 2006, 38 percent said they were bothered by this compared

to 26 percent of people today.

The survey was conducted among 2,002 adults between June 5 and 12, largely before the heated debates over the current crisis at the U.S.-Mexico border involving separating migrant children from their parents.



# شان انصاری

نامی آشنا و مشاوره مطلع و مطمئن  
در امور خرید و فروش املاک در  
بی اریا با بیش از ۲۷ سال تجربه

Cell: (408) 529-4574

Expertise You Need, Results You Can Count On!

خرید منزل می تواند یکی از بزرگترین سرمایه گذاری ها در طول  
زندگی شما باشد. با من در اجرای این امر مهم مشورت نمایید!

Shawn Ansari, MSE, e-PRO  
BRE: 01088988



راهنمایی های حرفه ای، مطمئن و سریع، حاصل بیش از ۲۷ سال تجربه

Shawn Ansari has been an active Bay Area real estate professional for over 27 years, has lived in Silicon Valley for 33 years, holds an MSE degree from Princeton, and takes pride in his ability to offer his clients outstanding professional real estate consultation services, second to none.



[www.shawnansari.com](http://www.shawnansari.com) ♦ [sansari@apr.com](mailto:sansari@apr.com)

750 University Ave, Ste. 150, Los Gatos, CA 95032





**Caroline Nasserri**  
Attorney at Law

# کارولین ناصری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

با بیش از ۲۸ سال تجربه

✦ تصادفات اتومبیل، موتورسیکلت و عابر پیاده

✦ صدمات شدید بر اثر تصادفات

✦ مرگ بر اثر تصادفات

✦ صدمات ناشی از حمله حیوانات

**1(800)525-6060**

دسترسی به معالجات پزشکی،  
بدون پیش پرداخت، در اسرع وقت

هیچگونه وجهی تا قبل از دریافت  
حقوق قانونی شما در امور تصادفات،  
از شما دریافت نخواهد شد!

**Tel:(408)298-1500**

e-mail: [cnasserri62@yahoo.com](mailto:cnasserri62@yahoo.com)

**Fax:(408)278-0488**

Website: [carolinenasserilaw.com](http://carolinenasserilaw.com)

**675 North First Street, San Jose, CA 95112**